

کارگران جهان متحد شوید!

۳۲ صفحه

بیکار

۱۰۰

سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

خجسته باد اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران!



سال دوم - دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۳۶۰ بها ۳۰۰ ریال

مبارزات زندانیان انقلابی، زندانیهای جمهوری اسلامی را بلرزه در آورده است!

کارگران، زحمتکشان، هم میهنان مبارز هزاران نفر از فرزندان کمونیست و انقلابی شما، که تنها "جرم"شان مبارزه برای رها شدن زحمتکشان و تلاش انقلابی در راه آگاه کردن توده های ستمکش می باشد، در شهرهای مختلف و در زندان های جمهوری اسلامی در بدترین شرایط سرمیبرند. آنها بی اعتنا به شکنجه و آزار زندان بنانان مرتجع و بی بهره از کوچکترین امکانات اولیه بهداشتی، غذایی و... با اعتصاب غذا و... بمبارزه علیه رژیم جمهوری اسلامی ادامه میدهند. در زبرد و گزارش از زندان های شیراز و بند عباس که حکایت از شرایط طاقت فرسای زندان و نیز مبارزات انقلابیون در بنددارند را می آوریم:

بقیه در صفحه ۷

اعتصاب ده هزار نفری کارگران ایران ناسیونال جلوه ای از قدرت طبقه کارگر!

صفحه ۳



گرامی باد یاد کمونیست بیکارگر شهید رفیق غلامرضا صداقت پناه

صفحه ۳۱

از سال "امنیت" تا سال "صلح" و عطوفت

۱۲ فروردین، در سومین سال رفتارندوم کذاشی جمهوری اسلامی، برای "فانونی" کردن حکومت ضد انقلابی خود، توسط رژیم "چش" گرفته شد. چشنی که در واقع رقص و با یکویی کسانی بود که با متوقف کردن حرکت انقلابی توده ها در مقطع قیام، نظام اقتصاد - اجتماعی را از گزند بیشتر توده ها در امان داشتند و کامیت جدیدی را مستقر نمود که اینبار خود به مانع اصلی در برابر انقلاب تبدیل گشته بود. این چش، نه چش توده ها، بلکه چش بورژوازی حاکم بود، ریشخندی بود بر تمام ایالات و توهمات توده های تحت ستمی که با دست خویش، و با نیروی توهم خویش، رژیم جمهوری اسلامی را بر کرسی قدرت نشانداده بودند.

بقیه در صفحه ۲

"ملی کردن تجارت خارجی" و هیاهوی رویزیونیستها

صفحه ۱۱

چرخش ضد انقلابی جدید رویزیونیست های خائن حزب توده

صفحه ۲۴

در صفحات دیگر این شماره:

- اول ماه مه روز همبستگی جهانی کارگران! صفحه ۱۵
- مبارزات پروتاریا و خلقهای جهان اوج می گیرد! صفحه ۲۱
- یک نکته پند آموز! صفحه ۲۶
- هدف بورژوازی از "بحث آزاد" صفحه ۲۹

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلقهای ایران

بقیه از صفحه ۱ **سوم مقاله...**

رژیم جمهوری اسلامی، با تکیه بر نیروی عظیم توهم، در ۱۲ فروردین ۵۸، توده‌ها را فرا خواندند تا مهرتا شید بسندتدا و ما سارت خویش بگذارند، سندی که نه تنها توده‌های متوهم، بلکه بورژوا - دمکراتهای ناپیکر نیز به پای امضای آن رفتند و با مشروعیت بخشیدن به رژیم‌ها کم، سلطه آنها را بر قدرت سیاسی و بر مقدرات توده‌ها، به رسمیت شناختند.

رژیم جمهوری اسلامی، در شرایطی این جشن را برگزار می‌نماید که بسیاری از موا عید و قول و قرارهای او در پیش توده‌های مردم و در جریان تجربه خود آنها و نیز در بر توکار آکا هگرا نسه کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی، افشا و رسوا گشته است. حرکت دوسا له رژیم، بسیاری از توده‌ها را به سمت این درک که این رژیم نمیخواهد، و بخش‌های کمتری را به اینکها این رژیم نمیتواند به خواسته‌های اساسی آنها پاسخ دهد، سوق داده است. این بخش از توده‌ها، درک فوق را به بی‌های فلاکت و تیره‌روزی بیشتر وضعیت زندگی خویش، سرکوب مبارزات برحقشان توسط رژیم، کشتار و دستگیری و شکنجه فرزندان دلاور و مبارزان ورنج و ستم‌طیقاتی بیشتر در درهمه عرصه‌های زندگی خود بدست آورده‌اند.

رژیم، جشن سالروز حاکمیت خویش را در حالی برگزار میکند که تجربه یکسال بحران و تلاطم بیشتر در پیشتر سرگذشته است. سال گذشته سالی بود که بحران اقتصادی - اجتماعی جامعه عمق و گسترش بیشتریافت و ورشکستگی اقتصادی رژیم عیان تر گردید. سال گذشته سالی بود که بحران سیاسی هم در پائین هم در بالا توسعه و عمق پیدا نمود، مبارزه طبقاتی بر بستر بحران اقتصاد، تکامل پیدا کرد و توده‌های بیشتری به عرصه مبارزه گشاده شدند. این سال، سال فروپاشی بیشتر توهم توده‌ها نسبت به جناح نیرومند و مسلط هیئت حاکمه و ورشکستگی بیشتر حزب با نسبیایی جمهوری اسلامی، سال ارتقاء بیشتر آکا هی توده‌ها و تقویت و نیرومندی هر چه بیشتر نیروهای انقلابی و کمونیست بود. سال گذشته سالی بود که تضادهای درونی رژیم، به اوج خود رسید و به تضعیف بیشتر کل قدرت سیاسی منجر شد، تضادهای که تا آستانه یک انفجار سیاسی در درون حکومت به پیش رفت و در پیمان سال با واسطه‌های کمینی و با درک غریزی همه جناحها از خطرات این انفجار بحال کل حاکمیت سیاسی، بطور موقت کاهش یافت. سال گذشته سال سرکوب بیشتر مبارزه توده‌ها از جانب رژیم سال کشتار و تیرباران، دستگیری و شکنجه کمونیست‌ها و انقلابیون، سال اعمال فشار و خفان بیشتر بر نیروهای سیاسی و انقلابی بود. آری رژیم با پشت سر گذاشتن چنین سالی، به استقبال روز ۱۲ فروردین شتافت.

پیامهای دولت‌مردان جمهوری اسلامی، در آغاز سال جدید موقایسه آن با پیامهای سال گذشته به همین مناسبت بخوبی میتواند مضمون رونق و اوضاع جامعه را در طول یکسال گذشته، بخوبی ترسیم نماید. موقایسه این پیامها، بروشنی سررube انحطاط و زبونی رژیم و ورشکستگی آن را در همه عرصه‌ها نشان میدهد. پیامهای سال گذشته، پیامهای تها جمو ارب بود و پیامهای امسال پیام عقب‌نشینی و زبونی پیامها - های گذشته، پیام‌چماق و سرکوب بود و پیامهای امسال پیام‌مان شیرین و "عطوفت" و "برادری" و هردو بخاطر نجات حکومت از چنگال بحران دم - افزون جامعه و به عقب راندن جنبش اعلا یابنده توده‌ها.

سردمداران رژیم، سال گذشته را سال "امنیت" و "نظم" اعلام کردند و در پیامهای خود، به توده‌ها جنگ و دندان نشان داده و سیاست چماق را در در دستور کار خود قرار دادند. بنی صدر در سال گذشته در چنین روزی، ضمن سخنرانی خود خطاب به سر بازان حکومتی اعلام کرد که "از همین لحظه ارتش حق ندارد پوتین از پای در آورد و دمگرا نکه آن خطه را (کردستان) از وجود این باغیا (خلیق کرد!) پاک کند. "ا فرمان داد که ارتش "عکس - العمل قاطع نشان دهد (یعنی قارنا هها، قه‌تانها و... دهکده‌های ویران و قتل عام شده دیگری در کردستان بسا فرزند) و آن مناطق را پاک کند!" (مطالبه داخل پرا نترا زما ست.) و به شوراهای مردمی حمله برد و با اعلام "شورایی شورا"، توده‌های مردم را به مبارزه طلبید. خمینی نیز در پیام نوروزی گذشته خود، سرکوب مبارزه مردم را در همه عرصه‌ها در دستور حکومت گذاشت. سر بازان را به فرمانبرداری از سران مرتجع ارتش فرا خواند، دهقانان مصادره‌کننده زمینهای مالکان و زمینداران بزرگ را هشدار داد، تفسیه و "پاکسازی" دستگاه دولتی را از کارمندان و کارکنان مبارز تا کیدنمسود، کارگران را در کارخانه‌ها به تولید بیشتر و در صورت "اخلال" به سرکوب تهدید کرد و... سال گذشته، از نظر رژیم سال استقرار "امنیت و نظم" بود. کشف معنای این کلمات برای توده‌ها‌ی که حداقل تجربه یکسال گذشته را از سر گذرانده‌اند چندان دشوار نبود. آنها در سرکوب کارگران در کارخانه، دهقانان در روستاها، خلق کرد در کردستان و نیروهای انقلابی و کمونیست در سرا سران، معنای این "نظم و امنیت" را بروشنی درک نمودند.

و اما در سال جدید، سردمداران رژیم، کوشیدند تا خود را پیام آور صلح، "سازندگی"، "حکومت قانون"، "عطوفت" و "برادری" جلوه دهند. بنی صدر اعلام کرد که امیدوار است "سال ۱۳۶۰ سال صلح باشد." (پیام نوروزی بنی صدر) رجائی "سال صلح و سازندگی" را نوید داد و خمینی

گفت که "امید است امسال حکومت قانون باشد." و "چه نیکوست که این سال جدید را سال رحمت و عطوفت و برادری اعلام کنیم." (پیام خمینی به مناسبت سال جدید).

عجز رژیم از بند بند کلمات فوق، نمایان است این پیامهای عاجزانه، در واقع بیانگر بن بست تلاشهای سترونی است که رژیم در سال پیش، بر اساسی سیاست سرکوب و ترور در پیش گرفته بود.

رژیم می‌بیند که در پیمان این سیاست یکساله، ربن بست تناقض آفرینی گرفتار آمده است. سیاست سرکوب عریان، در طول یکسال گذشته، نه تنها "امنیت" را به جامعه نگرانند و "نظم" مطلوب را مستقر نگردانند، بلکه بر بستر اعلا ی جنبش توده‌ای و سستی پایه‌های توهم توده‌ها، رژیم سیاسی حاکم پیش از پیش در برابر "امنیتی" و "سی نظمی" قرار گرفته است. سیاست سرکوب رژیم، در طول یکسال گذشته "نظم و امنیت" را برای رژیم به ارمغان نیارود، بلکه بی‌ثباتی آن را فزونی بخشید و پایه‌های قدرت آن را لرزان تر ساخت. تبلیغ "صلح" توسط سردمداران رژیم در سال جدید، حکایت از این عجز و بن بست دارد.

از جانب دیگر، پیام "عطوفت" و "برادری" و "وحدت" رژیم در سال جدید، بر بستر اوچگیری بحران سیاسی و تضادهای درونی حکومت در سال گذشته، قابل درک است. این پیامها، در واقع ندای هراس کور و قیام از نفس افتاده‌ای است که موجودیت خویش را به تمامی در خطر می‌بیند، موجودیتی که فراتر از منافع این با آن جناح از بورژوازی است. و درست در همین نقطه اساسی است که در وجود یکدیگر "وحدت" و "برادری" احساس میکنند، وحدت در برابر انقلاب، توده‌ها و نیروهای انقلابی. پیام وحدت و برادری رژیم، پیام عاجزانه جناح‌های است که درگیری میسر خود را بستی برای اوچگیری جنبش توده‌ای یافته‌اند و چنین است که یکدیگر را به "عطوفت" فرا میخوانند.

باری، رژیم حاکم، سال جدید را با یک عقب‌نشینی آغاز کرده است. این عقب‌نشینی را با به‌ذخیره‌ای برای تکامل و تداوم انقلاب، ارتقاء مبارزه توده‌ها و افزایش آگاهی طبقاتی طبقه کارگر تبدیل نمود. مسحور شدن در برابر این عقب‌نشینی و گامهای محدود و موقت لیبرالی، تسلیم شدن در برابر انقلاب و پادان به رژیم برای یک خیزش و تها جم مجدداست. با پیدای نکته‌های سیاسی را بخاطر داشت که این پیامها بر پایه‌های یک توهم ساده لوحانه استوار است. نه رشد عینی جنبش و نه زمینه‌های عینی تضادهای درونی حکومت و رونق آنی این تضادها، در پیچ‌ای از "صلح" و "برادری"، "حکومت قانون"، بقیه در صفحه ۲۵

علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده باد پیکار توده‌ها!

مبارزه در کارخانه داروپخش

بعد از سرکوبی و اخراج بیش از ۱۰۰ نفر از کارگران مبارز کارخانه داروپخش که در جریان مبارزاتشان برای سود ویژه در سال گذشته فعالیت داشتند، جو ختنان در کارخانه کم گردیده بود و روزی در روزهای آخر سال ۵۹ بعنوان حسن ختام عمل فدکا رگربش قانون ۴۸ ساعت کار در هفته را در کارخانه داروپخش اعلام کرد و روز ۲۳/۱۲/۵۹ اطلاعیه‌ای از طرف وزارت کار مبنی بر افزایش ۴۵ دقیقه ساعات کار روزانه خوانده شد. کارگران که تمامی فشارهای وارده بر خویش را تحمل کرده بودند، دیگر حاضر به رفتن زیر بار این فشار رژیم نگردیده و دست به اعتراض زدند. آنها تصمیم گرفتند که طبق ساعت قبلی کار خود را تعطیل کنند. اعلامیه ضمیمه نشریه "پیکار" در این باره که فردای آن روز در این رابطه بخش شده بود تا شیرسزائی در روحمیه و اراده کارگران داشت. کارگران علیرغم تنزل برخی از بخشها، طبق ساعت قبلی دست از کار کشیدند. در این میان تلاشهای مزدوران انجمن اسلامی و خائنین رویزیونیست برای وادار کردن کارگران به تسعیت از وزارت کار، بجائی نرسید اما روز بعد ساعت ضعف آگاهی و تجربه مبارزاتی اغلب کارگران و شهیدهای مزدوران رژیم مبنی بر اخراج و بیسکارسدن آنها، حرکت انقلابی کارگران ادامه یافت.



جنبش کارگری

اعتصاب ده هزار نفری کارگران ایران ناسیونال جلوه‌ای از قدرت طبقه کارگر

طبقه کارگران ایران علیه سرمایه‌داری و رژیم حافظ آت بشما مبارزید. رژیم حاکم مذموجا نسه و انمود میسازد که مدافع "مستضعفان" است. اما کارگران قهرمان ایران با اعتمادات دلیرانه خود مشت محکمی به دهان ارتجاع میکوبند. مسایر اینجابه درج اعلامیه تشکیلات تهران سازمان اقدام میکنیم بقیه در صفحه ۱۰

از روز شنبه ۸ فروردین کارگران ایران - ناسیونال بمدت چند روز دست به اعتصاب زدند تا سود ویژه خود را بطور کامل دریافت نمایند. این اعتصاب بصورت یکپارچه در سراسر کارخانه صورت گرفت و کلیه کارگران و کارکنان کارخانه (نزدیک به ۱۰ هزار نفر) دست از کار کشیدند. این مبارزات جلوه‌ای از روند اعتلائی جنبش

اجتماع کارکنان صنعت نفت در شیراز

روز ۲۱/۱۲/۵۹ مجمع عمومی کارکنان جنگ - زده صنعت نفت مستقر در شیراز در محل باشگاه نفت، تشکیل شد. ابتدا نمایندگان جدید شوراهای هر روز قبل در همین محل انتخاب شده بودند، صحبت کردند. آنها ضرورت مبارزه بیکبارانه - برای رسیدن به خواسته‌هایشان را مطرح کرده و در رابطه با آزادی نمایندگان زندانیان، یکی از نمایندگان شورا گفت: از آنجائی که ما تمامی راهها را برای آزادی ما ختن نمایندگان اسیر خود پیموده ایم، نتیجه‌ای نداده، ضرورت انجام اقدامات قاطعتری مطرح میشود. لذا پیشنهاد انجام یک راهپیمائی اعتراضی نمود. این مسئله با اعتراض یکی از اکثریتبهای خائنین مواجه گردید. این نوکر سرمایه با عنوان کردن پراکندگی کارگران و اینکه خواهشهای آنها با بدصرفا تصفی باشد، سعی در جلوگیری از ارتقاء مبارزات و خواهشهای کارگران داشت اما نماینده مزبور به افشای نظرات وی پرداخته و مبارزات بیکبارانه سیاسی کارگران صنعت نفت قبل از قیام را بعنوان نمونه ذکر کرد که چگونه علیرغم اینکه رژیم شاه حاضر به دادن هیچ امتیاز صنفی و اقتصادی نبود، کارگران زیر بار نرفته و بمبارزه خود ادامه دادند. سخنان این نماینده با تاخیر کارکنان صنعت نفت آزاد یا بدرود. "را تکرار کرده و فضای باشگاه را به لرزه درآوردند!

روز ۲۱/۱۲/۵۹ مجمع عمومی کارکنان جنگ - زده صنعت نفت مستقر در شیراز در محل باشگاه نفت، تشکیل شد. ابتدا نمایندگان جدید شوراهای هر روز قبل در همین محل انتخاب شده بودند، صحبت کردند. آنها ضرورت مبارزه بیکبارانه - برای رسیدن به خواسته‌هایشان را مطرح کرده و در رابطه با آزادی نمایندگان زندانیان، یکی از نمایندگان شورا گفت: از آنجائی که ما تمامی راهها را برای آزادی ما ختن نمایندگان اسیر خود پیموده ایم، نتیجه‌ای نداده، ضرورت انجام اقدامات قاطعتری مطرح میشود. لذا پیشنهاد انجام یک راهپیمائی اعتراضی نمود. این مسئله با اعتراض یکی از اکثریتبهای خائنین مواجه گردید. این نوکر سرمایه با عنوان کردن پراکندگی کارگران و اینکه خواهشهای آنها با بدصرفا تصفی باشد، سعی در جلوگیری از ارتقاء مبارزات و خواهشهای کارگران داشت اما نماینده مزبور به افشای نظرات وی پرداخته و مبارزات بیکبارانه سیاسی کارگران صنعت نفت قبل از قیام را بعنوان نمونه ذکر کرد که چگونه علیرغم اینکه رژیم شاه حاضر به دادن هیچ امتیاز صنفی و اقتصادی نبود، کارگران زیر بار نرفته و بمبارزه خود ادامه دادند. سخنان این نماینده با تاخیر کارکنان صنعت نفت آزاد یا بدرود. "را تکرار کرده و فضای باشگاه را به لرزه درآوردند!

نماینده دیگری نیز در سخنان خود ضمن افشای ماهیت فدکا رگری حاکمین فعلی که در زمان

نوطه اخراج کارکنان شرکت حفاری مسجد سلیمان بدست مزدوران رژیم سابق

در پی سیاست فدکا رگری رژیم مبنی بر اخراج کارگران که بخصوص بعد از جنگ ارتجاعی کنونی، گسترش یافته است، نوطه جدیدی در شرکت ملی حفاری ستا مسجد سلیمان شکل میگردد. بدین ترتیب که روز ۱۲/۱۲/هیئتی برای تقسیم کارکنان شرکت از اهواز به مسجد سلیمان میابند هدف این هیئت در ظاهر این است که کارگران ما زادبوم احتیاج شرکت حفاری را به شرکت نفت منتقل نمایند. اما بنا به گفته خود مسئولین هیئت، حداکثر ۲۳۰۰ نفر از کل ۴۶۰۰ نفر کارکنان شرکت، به شرکت نفت منتقل خواهند شد (در جای دیگر این تعداد را ۳۴۰ نفر میخوانند) هیئت مزبور در جواب کارگران که در مورد سرنوشت بقیه سوال میکردند، اعتراف میکنند که تعدادی بازنشسته شده و حدود ۱۳۰۰ نفر بلا تکلیف میمانند! بدین ترتیب نوطه کثیف رژیم مبنی بر ازهم پاشیدن کارگران و پس بیسکارسدن بخش بزرگی از آنان شکل میگردد. نکته قابل

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر



**اجتماع کارگران صنعت نفت
در ماهشهر نشان داد که:
حنای روزیونست‌ها
دیگر رنگی ندارد!**

خانشین با بدجواب بدهنده که رژیم جمهوری اسلامی برای ما چه کرده است؟ بعلاوه شما منگوئید جنگ است و بنا بد مملکت را تلوغ کرد و ما هم خواسته‌هايمان را نخواهيم تا مملکت با صلاح تلوغ نشود، پس چرا راجائی و بنی صدر، حزبها و ليبرالها در اين موقع بده‌عوايشان ادا نمي‌دهند و تلوغ کرده‌اند؟ پس معلوم ميشود که جنگ بيهانه‌اي است براي سرکوب کارگران و ندادن حقشان!

سرا نجام بعد از افشا گريه‌هاي بسيار در رابطه با مسائل سياسي، کارگران روز ۱۲/۲۷ را براي اجتماع بعديشان تعيين ميکنند. اما یکی از خانشین توده‌اي اعتراض کرده و قبحا نه می - گوید: "شما همه با آمریکا همدا شده‌اید!" آری روزیونست‌هاي کثيف که براي فريب کارگران خود را مدافع منافع آنها قلمداد ميکنند، زماني که اينجنين در ما نده و عا جز ميشوند، ظاهر ساري را فراموش کرده و بيشتر ما نه کارگران مبارز و زحمتکش جنگزده را "همدا با آمریکا" ميخوانند آنها از اين ناراحت ميشوند که چرا آکا‌هاي طبقاتي کارگران رنديمکنند و توهمانشان نسبت به رژيم سرما يه‌داران فرو ميريزد. آری آنها از اينکه در خدمتگزاراي براي سرما يه‌داران ناموفقي بوده‌اند عبا نتي هستند و البته که بايد عبا نيته‌او تاناکا مي‌هاي بزرگتر از اين را تجربه کنند!

در حال در آن جلسه، کارگران بقدری از اراجيف توده‌اي مزدور خشمگين گرديده بودند که ميخواستند اراکتک بزنند. کارگر مبارزي گفت: "اين شما بوديد که سال ۳۲ به کارگران خيانت گرديد و سر تا پايان هم روسي است تازه همين آمریکا شيبا را چه کسانتي حمايت کردند؟ مگر شما نبوديد که با زرگانها، نزيه‌ها و مدني‌ها را مورد حمايت قرار داديد؟ ما ميگوئيم نه حزب دردمان را دوا ميکنند و نه ليبرالها، توهم ديگر اينطرفها بيداييت نشود!" بدین ترتيب اجتماع کارگران در شرايطي بيابان ميرسد که هم‌سره ما هيت ضد کارگري رژيم جمهوری اسلامی بيشتر بي برده اند و هم چهره کثيف روزیونست‌ها را بهتر نشان ختند.

روز ۵۹/۱۲/۱۸ کارگران صنعت نفت ما هشتر براي دريافت حقوق خويش به "ستاد کارگران جنگزده" مراجعه ميکنند اما با اطلاعاتي که خبر از عدم پرداخت حقوق به بيهانه نشودن پول در اين روز ميدهد، مواجه ميشوند. بنا بر اينست کارگران بعنوان اعتراض در محوطه چمن ستاد اجتماع کرده و بنا ببنده کارکنان زيرپوشتي و جندتن ديگر! ز کارگران به صحبتهاي افشاگرانه ميپردازند. اما آنچه که در اين ميان قابل توجه بود، فعاليت مذبحوا نه روزیونست‌هاي خاشن اکثريتي وتوده‌اي بود که ما نند هميشه به تلاش براي تفرقه افکني ميان کارگران و دفاع از رژيم مشغول بودند. کارگر مبارزي به افشاي "ستادبرسي مشکلات کارگران" (که روزیونست - ها نيز در آن مشغول نوکري براي سرما يه‌داران ميباشند)، بر داخته و هدف آنرا که ايجاد تفرقه و براكندگي در صفوف کارگران است، برملا ساخت. اين قبيل افشا گريه‌ها که موجب بالا رفتن آگاهي کارگران ميشد، نيميتوانست با عت خشم روزیونست‌ها نگرده، آنها يکبار با طرح اينکه "فقط کارگران مقيم ما هشتر ميتوانند صحبت کنند!" با رد گريبا مظلوم‌نما شي و تشويق کارگران به طرح خواسته‌هايشان از طريق قانوني (!!) و علم کردن مسئله جنگ، سعی کردند ذهن کارگران را منحرف سازند. اما هربار کارگران مبارز با جواب دندان شکني اين نوکران سرما يه را سنگ روی يخ کردند. مثلا يکي از کارگران ضمن مخاطب قرار دادن يکي از روزیونست‌هاي اکثريت گفت: "ما که براي خواسته‌هايمان سه سال است مبارزه کرده‌و خوا هم کردولي شما

اينجا ست که يکي از اعضاء هيتت مزبور، مزدوري شناخته شده براي کارگران شرکت است. اين عنصر که از جيره خواران رژيم شاه بود، حتى مدت ۲ ماه هم بوسيله "دادگاه انقلاب" دستگير شده بود. اما نه تنها ما نند بسياري از ما و اکيه‌ها و جنايتکاران رژيم سابق توسط رژيم جمهوری اسلامی آزادگرديد، بلکه مجددا با همان سمت قبلي اينبار در خدمت رژيم کنوني بکار گرفته شد. اين مسئله که موجب تنفر و خشم کارگران حفا ري گرديد، بيش از بيش ما هيت ضد مردمی رژيم را بر ايشان افشا ساخت. کارگران شرکت حفا ري مجددا ليما ن تنها در برتوا اتحاد، تشکل و مبارزات خود خوا هتد توانست اين توطئه و توطئه‌هاي بعدي رژيم سرما يه‌داران را خنثي کرده و از حقوق خويش دفاع نما يند.

اخراج کارگران بخاطر اعتصاب

در بي اعتما ب کارگران شرکت ساختمانی آبادان شماره ۱۲۶ که در تاريخ ۵۹/۱۲/۹ بخاطر گرفتن حقوق عقب افتاده‌شان صورت گرفته بود که منجر به عقب نشيني کار فرما و بيروزي کارگران ميشود، در روز ۵۹/۱۲/۱۱ کار فرماي مرتجع به بيهانه تمام کار را اقدام به اخراج دسته جمعي کارگران ميکنند و در همان حال کارگران خديدي را بکار ميگمارد. اين تاکتيک قديمي کار فرمايان زالوصفت است که در مقا بله با مبارزات کارگران بکار ميگيرند و صدها تن ديگر را روانه اردوي بکاران ميمازند. اما ديري نخواهد پاييد که کارگران و زحمتکشان با آکا‌هاي طبقاتي بساط حکومت سرما يه‌داران را درهم بپيچيد و برويرا نه‌هاي آن حکومت حامی منافع کارگران و زحمتکشان را بسازند.



خلق ها و مسئله ملی



اشرافا ر جلادان خواهرم سقط جنین کرده که در اثر این جریان دودکتر دست از کار کشیدند و بنظر من یکی از آنها بعدا اعدا مگردید. از یادگان ما را به خدا اطلاعات بردند و در آنجا ها دی غفاری و برات الله شیرازی مسئول تدارکات نظامی یادگان سندیج حین بازجویی ما را به بیاد کتک گرفتند. آنها چشمهای من و دیگر رفقا را بسته و شکنجه بدنی و روحی میدادند. ما دیدیم که یادگان با قساوتی هرچه تمامتر یکی از رفقای دختر را با لگدمه هدیگری اس میدادند و پس از کتک برنا مه اعدا نمایشی جهت عذ، بروی را آغا ز کردند. بعد از ۵ روز ما را به بلوکهای یادگان و از آنجا به فرودگاه بردند تا با اعدا مهیای نمایشی روحیه مان را تضعیف کنند.

در اثر اعتراض بیستین چشمه ما را با اطاقی انداختند یاداری که بوی گنداکلک دهانش مثل ما میا زرد و چشمانش مثل دوکاهه خون بود بطرفم حمله کرد. اما در اثر مقاومت سرخستانه ام کاری از پیش نبرد. مرا از اتاق بیرون آوردند و گفتند: اعدا نشان کنید. در حین اجرای اعدا نمایشی گفتند وصیت نامه مان را بنویسید همه رفقا گفتند: هیچ وصیتی نداریم فقط من گفتم که حلقه دستم را به فرزند دوساله ام بدهید. بعد از تلاشی مذبوحانه، جلادان رژیم نتیجه ای نگرفتند و ما را به یادگان برگرداندند. اعدایهای واقعی شروع شد: در جریان اعدا مرفقای شهید "مستوره شهسوار" و "نصرا لاله قدسی" ۲۳ نفر از ما را به میدان اعدا م بردند تا بدین مراسم اعدا مدست از مقاومت برداریم. سرفقای عقبه در صفحه ۶

پاسداران جلاد در زندانهای جمهوری اسلامی با ما چه کردند؟

گزارشی از جنایات، قساوتها، شکنجه ها و

مقاومت حماسی و باشکوه دختران کرون زندانی

بدنی ضعیف، رنجور و رنگ بریده داشت، کنترل میکرد بعد از آنکه م سرود، بنا به درخواست بیشرگان و زحمتکشان آبادی زن جوان در مورد سرگذشت و آمدنش به مفر شروع به صحبت کرد: درود بر شما می شهدای خلقهای قهرمان ایران، درود بر شهدای خلق کرد! درود بر شما می شهدای خلقهای قهرمان ایران، درود بر شهدای خلق کرد! (قبل از هر چیز تشکر میکنم از اینکه اجازه دادید چند لحظه از وقت گرانمایان را بگیرم بعد از یورش وحشیانه دوم رژیم به ما خواهر بعد از حمله ام توسط پاسداران دستگیر شدم. سه روز اول در یادگان زندانی بودیم و فرمانده یادگان رکبک ترین توهینها را نثارم کرد. در

شب دوشنبه طبق معمول، پیشمرگان سازمان پیکار را عده ای از روستا شان محل در مفر سازمان نشسته مشغول خواندن سرود بودند. فریادهای دلورا نه فرزندان خلق کرد در فضای شب روستا طنین انداز بود که زن جوانی با دو رفیق دخترها را در به مقروا رفته و در خواندن سرود با پیشمرگان و زحمتکشان آبادی همصدا شدند. سرودی که خوانده میشد "بندیخانه" (زندان فریاد آخربینما لی زیانه مگوخی بند - بخانه ی) آخربینما لی زیانه مگوخی بند است) فریاد تجدید میثاق برای ادا م مقاومت تا مرگ باشکوه بود. زن جوان با صدای رسا میخواند و اشک از روی گونه هایش غلط میخورد. چشمان حاضرین کوچکترین حرکات زن جوان را که

"بژی هیزی کریکار، بژی هیزی پیشمرگه"

زنده باد قدرت کارگر، زنده باد قدرت پیشمرگه

اجتناب نپذیر، تنها کینه و نفرت از دشمنان خلق کرد است که از دلای هر دو میجو شد و اشک است که بوا سطر دوری از همدیگر چشمها را پر میکند: "پیشمرگان آبادی را ترک خواهند کرد!" از دور و ز پیش این حرف دهن بدهن میگشت ساعت ۱۰ صبح روز ۲۹/۱۱/۵۹ بود آبادی امروز رنگ و هوای دیگری داشت تا بیدر طول تاریخ همچون جوشی بخود ندیده بود. همه چیز آماده است قاطران با باروسایل پیشمرگان چون کاروانی ایستاده ندتنها مدای شرسراب جویبارها و آواز زبردگان و تنگ مداهای، سکوت غمبار دهده را برهم میزند. رصمدای برتحرك بازی بچه ها، جیغ و داد بلند زنان و دختران بر سرچشمه، نعره مردان و طیش قلب روستا یعنی پیشمرگان خبری نیست همه در کوچها و پشت با مها افمرده و غمگین

پیشمرگه کیست؟! و یک کارگراست، بیگ دهقان ستمدیده، یک دانش آموز، یک دانشجو، یک معلم، او خلق کرد است که اسلحه بردوش بنا دشمنان طبقاتی اش می جنگد، تا زنجیر ستم ملی - طبقاتی را از هم بگسلد. آری پیشمرگه را در هیئت تک زحمتکشان استعمار شده کردستان میتوان یافت و این همان پیوندی است بین خلق کرد و پیشمرگان که از هزاران رشته تشکیل شده است. پیشمرگه در دل خلق کرد، در اعماق دردها، رنجها، عشقها و نادیهای ستمدیدگان کردستان جای دارد و بهمین خاطر هیچ نیرویی قادر به جدا کردن این دوازده نیست. آنچه که میخوانید گزارشی است که پیشمرگان سازمان ارسال کرده اند و واقع جسمی است کوچک از این پیوستگی دردها، رنجها و نادیها و پیوند عظیم بین پیشمرگان و خلق کرده در شرایط جدایی

ایستاده اند. عده ای از پیشمرگان در کنار کاروان بنا مردان ده خدا حافی را شروع کردند. دست همدیگر را چون دو حلقه یک زنجیر به هم قفل می کردند و می فرودند و آنگاه بوسه های گرم گونه ها را لمس میکرد و در حالی که دستها هنوز به هم قفل بود چشمهای سرخ و اشک آلود برای مدتی درهم آمیخته میشد. زنان و دختران با دیدن این صحنه ها اشک بر گونه هایشان جاری بود و گویی هر قطره اشک که بر زمین میافتاد انفجاری بود مهیب و فریادی بر علیه ستمگران. ناگهان طنین صدای سکوت سرد روستا را شکست: "بژی هیزی پیشمرگه، دوزمن نه صیمی مرگه" (زنده باد نیروی پیشمرگه، دشمن نصیب مرگ است) آنگاه رسمی در آبادی منفجر شد و گوشها و چشمها را بطرف خود کشید. مدای که بود: مدای نسلی بود به نسلی دیگر، مدای حرکت تاریخ بود و آوای بچه های روستا با لبهای کهنه و باره - شان، دستهای ترک خورده شان، باهای برهنه شان و چشمان پراشکشان در حالی که پیشمرگان را در

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست



میان خود غرق کرده بودند مسیر مقابل آخرین خانه های روستا را طی میکردند. چشمان همه پر اشکتر شد و شیون زنان زحمتکش بلندتر. حتی مرده های نیز شدت گریه میکردند. چه اتفاقی افتاده بود؟! یا عزیزان نشان مرده نبود؟ خبر! آنها تنها مدافعان خود را از دست میدادند. بعد از این یورش مزدوران سرما به داران را چگونه میتوان

بقیه از صفحه ۵ پاسداران...

اعدا می پتومی انداختند و بهمره آنها تعدادی پاسدار با سروروی پوشیده بجای رفقا در میدان تیر قرار می گرفتند و بعد از اعدام رفقای ما، پاسداران در قلاب رفقای ما اظهار ریشمانی میکردند تا از این طریق روحیه مقاومت جویانه ما را نیز بشکنند. اما ما از پوئین های پاسداران جلا حیل های آنها را فهمیدیم. در جریان این نمایشات ما یکمدا سرود می خواندیم. روحیه رفقا عالی بود. بعد ما را به یادگان برگرداند و بزور روی موزایک خیس و سرد نشان دند و خود روی میله های لمدادند. با زجوشی شروع شد و پاسداران به بیانه معاینه قصد تجاوز داشتند که با مقاومت شدید ما روبرو شدند. اما قبل از اعدام برخی از رفقا به آنها تاجا و زکردند. یکی از جاشهای معروف سنج به اسم حاج مسعود.. غمیان "مشول شکنجه روحی و یک پاسدار اصفهانی مشول شکنجه بدنی انقلابیون بود. ما را به زندان شهرانی منتقل کردند و در اولین شب اقامت ما در تاجا رفیق شهید "شهین با وفا" را اعدام کردند. پاسداران جلا قبل از اعدام رفیق مست کرده و تریاک کشیده و پس از تاجا و وحشیانه به رفیق شهین با وفا، در حین راه رفتن او را به گلوله می بندند و رفیق با درد و زجر فراوان بشهادت میرسد.

رفیق شهین از رفقای بود که در جریان جنگ، فعلا نه زخمیها را مداوا می نمود و رژیم به خاطر جانفشانی او در جهت کمک به زحمتکشان کردستان او را اعدام کرد. هنگام تحویل اجساد رفیق شهین و رفیقی بنا مروی آنها را سوختن نقاطی با آتش سیگار در بدنشان هویدا بود. (مدت سه ماه نگذاشتند تا سحما میکنیم) بعد از ۴ ماه ما را به زندان اوین بردند. مدت ۶ ماه اسارت در اوین هوا خوری نداشتیم و در اسیر رطوبت یکی از رفقا هم اکنون در حال فلج شدن هست. بعلا متکلیفی شروع به اعتراض کردیم اما پاسداران وحشیانه اعتراض ما را پاسخ دادند. در اثر حمله وحشیانه آنها پای یکی از رفقا شکست و جلوجشم بسیاری از رفقا در اثر مشت و لگد کبود شده بود. پاسداران موی سر ما را با وحشیگری هر چه تمام کردند. ما اعتصاب غذا کردیم بعد از سه روز اعتصاب غذا رئیس زندان

با اسلحه پاسخ داد؟! آنها فکر میکردند که دیگر پیشمرگان نبراشان نخواهند آمد. پیشمرگان در منتهی البه آبادی آماده حرکت بودند. نمی توانستند حرکت کنند. گویی تمامی رگهای بدنشان به رگهای بدن اهالی آبادی وصل شده بود. صحبت و باران بوسه ها. "توروخدا حتما بنا مینویسد ما بیا شیم پیشتان" "دوباره حتما بیا شید و سری بزنی" "هیجوقت شما را فراموش نمی کنیم". انسان فکر میکرد که دنیا همین یک تکه زمین آبادی است و جریان تاریخ در آن سپری میشود و مبارزه طبقاتی می تکفد. دستها بالا رفت و تکان خورد و آخربین

نگاهها برای وداع برهم دوخته شد. ستون پیشمرگان به آرامی شروع به حرکت کرد. اهالی آبادی ساکت بودند. دستها و چشمان اشکباران پیشمرگان را بدرقه میکرد. روی تپه های بلند عده ای از بچه های روستا با تفنگهای جویبی در دست ناگهان فریاد برآوردند "بزی هیبزی کربکار، بزی هزی پیشمرگه" (زنده باد نیروی کارگر، زنده باد نیروی پیشمرگه) "به صورت ستونی بر روی تپه تپه برف آبادی حرکت کردند. پیشمرگان در جواب سرود می خواندند و صدایشان در تمام کوهها و جنگلها و دره ها منعکس می شد و در گوشها می پیچید.

پیش ما آمد و با رکیکترین کلمات به ما توهین نمود. بعد از رفتن او ما سرود خواندن را آغاز کردیم. روز بروز مقاومت ما بیشتر میشد. پاسداران دوباره ما را حمله کردند که در اثر آن یکی از رفقای دختر دچا ر خونریزی زنانه شد و رژیم مجبور به آزاد کردن او گردید. در همین حین دختران هوادار ما هدین اعتصاب غذا را شروع

رو شد معلوم گردید که این رفقا هر کدا ماه ۶ ماه محکوم شده بودند اما آنها را قبل از اتمام مدت محکومیت اعدام کرده بودند. اشک در چشمهای زن جوان، این تپه شور قهرمانیها همه ها و مقاومتها حلقه زده بود. نفرت در چشمهای تک تک پیشمرگان و زحمتکشان آبادی می جوشید. زن جوان از مبارزات رفقای

د را اعتراض به بستن چشمها مراهه اتافی انداختند پاسداری که بوی گند الکل دهانش منام را می آزد و چشمانش مثل دو گاسه خون بود بطرفم حمله کرد، اما در اثر مقاومت سرسختانه من کاری از پیش نبرد.

کردند و ما نیز در این حرکت با آنها همراه شدیم. در مقابل تهدیدات رئیس زندان ما به مقاومت انقلابی خود ادا میدادیم که در اثر آن ما را به زندان قصر منتقل کردند. اما ما در زندان قصر نیز به مدت ۸ روز به اعتصاب غذا دست زدیم. در جریان این اعتصاب به رفقای رنجور و ضعیف سر وصل کردند اما رفقا با روحیه ای بی نظیر سر را قطع کرده و ترجیح میدادند که در جریان مبارزه انقلابی خود بشهادت برسند.

زندانی از شکنجه ها، از دردها، از مقاومتهای حماسه آفرین رفقای اسیر سخن میگفت و با افشای جنایات رژیم و پاسداران و جاشهای جلاش، بیمیان پیشمرگان سازمان را با خلق متحدیه کرد محکمتر مینمود. زن جوان از سیاههای رژیم جنمهوری اسلامی، از جنایات و قساوتهای پاسداران، از مقاومت انقلابیون و از تداوم انقلاب سخن می گفت و از ظرف رفقای زندانی تعدادی دستکش برای پیشمرگان تهیه کرده بود اما بعلا متمانعت پاسداران تنها یک جفت دستکش از زندان خارج کرده بود. او در حالیکه اشک شوق، اشک شادی از ادا مهربانه در کنار پیشمرگان قهرمان چشمانش را گرفته بود، دستکش را بدست یکی از پیشمرگان سازمان کرد و بدین وسیله پیام بقیه در صفحه ۱۰



بقیه از صفحه ۱

هشدار که جان زندانیان سیاسی انقلابی در خطر است!



- جان زندانیان انقلابی، زندان سپاه شیراز در خطر است.
- اوباشان، شکنجه گران و دزدخیمان سپاه پاسداران ضد انقلاب به جان زندانیان سیاسی افتاده اند.
- بسیاری از زندانیان رابه قصد کشتن کتک زده اند، به علت شرایط غیر انسانی زندان و نبودن حدود سه ماه هوا خوری زندانیان از بیماری های مغفلی، رماتیسم و بیماری های پوستی، برفان و... رنج میبرند.

مختصری از اعمال کثیف جانبا ن سپاه پاسداران از چند هفته قبل از عید تاکنون به این شرح است:

قبل از عید: پاسدار کثیفی بنام "رنگاری" حوله حمام رفقای دختر بیکارگری را که مشغول استحمام بودند از روی درب حمام برداشته و با بکا بریدن الفاظی که ناشیسته خودشان است از قبیل هرزه ها و... به آنها توهین میکند.

حدود ساعت ۲ شب یکی از دختران محاهد که سابقه بیماری داشت و در سلول انفرادی بسر میبرد داخل خواب میشود، زندانیان که از این وضع اطلاع پیدا میکنند با خواندن سرود و شعار دادن، خواهان آن میشوند که این دوست محاهد به بیمارستان برده شود، پاسدار مزدوری بنام "کمالی" به بند انفرادی رفته و بیشتر ما به این دوست محاهد میگوید "ما ترا به بیمارستان نخواهیم برد و در عوض گورت را همین جا خواهیم کند".

بعد از عید: پاسدار کثیفی بنام "رسول فیروزی" ساعت ۱ بعد از نیمه شب به داخل بند دختران که در آن ساعت چراغها بیشکاملا خاموش بوده میروند و وقتی که با اعتراض شدید زندانیان سیاسی دختر و بیرو می شود از بند خارج میشود اما یکساعت بعد همین عمل کثیف را تکرار میکند.

هنگامی که دختران محاهد سرود میخوانند یکی از پاسداران به آنها توهین میکند که یکی از رفقای بیکارگری به این عمل اعتراض میکند، پاسداران روز بعد این رفیق را به بند انفرادی برده و ۶ نفره او را شدت کتک میزنند. در بین این شش نفر وحشی انفرادی با نام اطلاعات (رئیس زندان)، حسینی (با زوج و شکنجه گرسپاه)، موزه (شکنجه گرد ستیا را اطلاعات) وجود داشتند.

این جانبا ن مرتب با لگده شکم رفیق میزدند و آگاهانه این کار را میکردند، زیرا میدانستند که در دوره اعتصاب غذای ۲۰ روزه این رفیق از ناحیه شکم مورد عمل جراحی قرار گرفته است.

یکی از افراد سپاه اوباشان، بنام حمید (رنگ موی سر و صورت وی زرد است و قدم متوسطی دارد) با نشان دادن چاقویش یکی از رفقا را

تهدید به مرگ کرده و میگوید "ما این اتفاقی را که کمونیست کش هستند، عمداً به این بند آورده ایم تا شب شما را ببرند"

همین روز یکشنبه ۶۰/۱/۲۳ حدود ساعت ۱ شب مسئولین زندان، با آوردن عده ای از جیره - خواران رژیم ام زیا سدا روسیجی و اوباشان شهر به یکی از بندها یورش میبرند و زندانیان را حدود یکساعت زیر مش و لگدمیکردند. از زندان خارج میکنند که از سر و شت آنها اطلاعی در دست نیست.

روز بعد (دوشنبه ۶۰/۱/۲۴) پاسداران جنایتکار این سپاه ها می که به زندانیان توهین شده است به داخل بند زندانیان سیاسی کمونیست ریخته و با یورش وحشی نشان تمام رفقا را زیر مش و لگدمیکردند. در جریان این یورش که از ابتدا توسط شخص "اطلاعات" رئیس زندان هدایت میشد، پاسداری بنام "احمدی" به همراه پاسداران دیگری مرتب با لگده شکم و بیضه های رفقا میزدند که بدین علت سه تن از رفقا سا عتفا در حال اغما بسر میبردند و هم اکنون وضعیت آن وحشیان و خیم است، یکی دیگر از پاسداران به نام "رنگاری" یکی از رفقا را با چاقو تهدید کرده و با کفتی که در دستش بوده به سر رفیق می زد است هم اکنون تمام صورت این رفیق متورم است و از ناحیه سر و صورت شدت درد میکشد.

پاسداران دیگری بنامهای "حسین عوضی" و "منفرد" "رسول فیروزی"، "کاطمی" و "افشار" با زدن لگده شکم و بیضه های رفقا، آنها را به شدت مضموم نموده اند.

در جریان این یورش وحشیانه پاسداران دیگری نیز با چوب و میله آهنی و مش و لگده رفقا حمله کردند که از نشان اطلاعی نداریم. آنچه مورد توجه است اینست که این اعمال رژیم کاملاً برنا مه بوده و مشول هدایت و رهبری آن شخص "اطلاعات" رئیس زندان میباشد این مزدور کثیف خودش نیز مستقیماً در کتک زدن رفقا شرکت فعال داشت و به همراه فیروزی کثیف یکی از رفقای زندانی را که بیماری برفان دارد از پشت گرفته و قیبه پاسداران به شدت به سر و صورت و

شکم رفیق می کوفتند آنها بعد از مضموم کردن رفیق زندانی را به زندان انفرادی انداختند بعد از این اعمال وحشیانه پاسداران سرما به وحیل تمام وسایل زندانیان را مورد با زرسی فرار داده و قسمت اعظم مواد غذایی، ظروف و حتی تمام داروهای زندانیان را با خود برده اند اعمال وحشیانه و کثیف پاسداران در تمام روز و شب به شبهه نیرازا مه دا شت است و پاسداران مرتب زندانیان دختر و پسر سیاسی را به زیر مش و لگدمیکردند.

این وحشیگری پاسداران همه در حالتی است که زندانیان زندان سپاه شیراز حدود سه ماه است که مطلقاً از هوا خوری و نور خورشید محروم بوده اند اکثر آنها بیماری های مغفلی، رماتیسم بیماری های پوستی و برفان گرفته اند.

کارگران، زحمتکشان و مردم مبارز شیراز

جرم زندانیان سیاسی انقلابی اینست که برای آفریدن دنشای بهتر برای زحمتکشان و کارگران میهنمان مبارزه میکنند رژیم حاکم سعی میکند با وحشیگری و فشار ریش از جدی به زندانیان آنها را از زیر پرشکوهشان بازدارد.

از سوطه های کثیفی که سپاه پاسداران شیراز برای زندانیان سیاسی انقلابی در سردارد جلگلوگری کنید! قریباً زندانیان سیاسی انقلابی را گوش دیگر مردم میهنمان به سرمانیسه به دفاع از انقلابیون در بند که در زندان سپاه شیراز تا سرحد مرگ شکنجه میشوند که میتوانند فرزندان انقلابی خلق را از زندان آنها نجات دهند.

زندانی سیاسی انقلابی به همت توده ها آزادیابیدگردد! ننگ و نفرت بر شکنجه گران سپاه پاسدار! ما زمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات شیراز) ۶۰/۱/۰۶ با اندکی تغییر



زندانی سیاسی انقلابی، به همت توده ها آزاد باید گردد

بیاری زندانیان سیاسی - انقلابی برخیزیم!

همسایان مبارز!
عده‌ای از زندانیان سیاسی انقلابی شهرک شندوست به‌اعتصاب غذا و ملاقات زده‌اند. قضیه از این قرار است که روز چهارشنبه (۵۹/۱۲/۲۷) یکی از زندانیان هنگام ملاقات شدیداً مورد ضرب و شتم افسران زندان قرار میگردد، سپس او را به مدت ۴۸ ساعت به زندان انفرادی می‌اندازند. به همین خاطر برای اعتراض علیه فشاری که از طرف مسئولین نسبت به زندانیان سیاسی وارد میشود، آنها روز چهارشنبه دست به اعتصاب غذا و ملاقات زده‌اند. خواسته‌های زندانیان عبارتند از:
۱- مسئولین باید کتبا تضمین تا مین جانی زندانیان را بدهند.
۲- رسیدگی فوری به واقعه روز چهارشنبه و محاکمه عادلانه آن.
همچنین آنها اعلام کرده‌اند که تا هنگام رسیدگی به خواسته‌هایشان به اعتصاب خود ادامه خواهند داد.
همسایان مبارز!

هم‌اکنون در سرا سرایان، زندان نه‌سای دژخیمان پهلوی، در زمان جمهوری اسلامی از زندانیان انقلابی پر شده‌است. شکنجه و اعدام از کارهای روزمره رژیم در زندانیان است. تاکنون چندین نفر انقلابی و کمونیست در همین بیدادگاه‌ها به‌خواجه‌ای سپرده شده‌اند. در همین بندرعباس تعداد بسیاری زندانی انقلابی که تنها جرمانه آن‌ها بی‌دادن به مردم است در سیاه‌چال بسر می‌برند، رژیم جمهوری اسلامی حتی همان قانون اساسی ارتجاعی خود را هم زیر پا گذاشته‌است، پرونده زندانیان را بدون هیچ دلیلی مدتها در بایگانی نگه میدارد، زندانیان از لحاظ بهداشت و غذا در موقعیت بدی بسر می‌برند، اجازه ملاقات حضوری به زندانیان نمیدهند.....

رژیم در حالی دست به چنین کاری می‌زند که جاسوسان آمریکا و انگلیسی را با نهایت احترام مازم کشورهایشان میکنند و زمین کشور - های امپریالیستی اسلحه و مهمات مدرن برای سرکوب کارگران و زحمتکشان ایران می‌خرد. از دوران حاکمیت این رژیم نیز شکنجه‌گران، ساواکیها و جلادان آزادانه می‌گردند، در عوض زندانیان انقلابی این بهترین فرزندان، خلق در زیر شکنجه و توهین بسر می‌برند. بعنوان نمونه جریان شهادت مجاهد صمد قریشی برای همه مردم بندرعباس و زحمتکشانی که آنرا با چشم خود دیدند مثل روز روشن است، بهمان ترتیب یا وه - های انواری اما مجمع بندرعباس که ایمن کار را به نیروهای انقلابی نسبت میدهد - و درخواست استانداری از خانواده شهید که خواسته بودند آنجا هدیه بودن فرزندان صرف نظر کنند و

همچنین خیرا دیوتلو بیون را که به این مجاهدت‌ها قاجاری مواد مخدر زده‌است، رسوا کنی خودشان را بیشتر میکنند.

با افشای جنایات رژیم در سرا سرایان از زندانیان سیاسی انقلابی قاطعانه پشتیبانی کنیم!
زندانی سیاسی انقلابی به همت توده‌ها آزادا بدگرود!
هواداران سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر -
بندرعباس - ۱۳۶۰/۱۲

پیام زندانیان سیاسی انقلابی اعتصابی بندرعباس به خانواده‌هایشان

عزیزان، پیام شما را دریا فت کردیم. از آنجا که ما هیچگونه تا مین جانی نداریم و خارج شدن از بند ممکن است عواقب ناگوار را ما نمانند گذشته ببار آورد، لذا افرسان نماینده خود به حضورتان ممدوریم و بدینوسیله علت اعتصاب غذا و ملاقات و ترفتن به‌خواخوری را شرح میدهم:
در تاریخ چهارشنبه ۵۹/۱۲/۲۷ هنگامی که یکی از زندانیان سیاسی در کابین تلفن با خانواده اش ملاقات میکند، موقع خروج از کابین مورد با رسی بدنی ستوان را شدی قرار میگردد پس از با زسی یکی دیگر از افسران بنام محسنی به زندانی مزبور اهانت میکند و چون با اعتراض زندانی انقلابی روبرو میشود و افسر مذکور با تفاق چندما مورد تیرگی سوسی دوستان یورش برده و وی را شدیداً زیر شتم و لگد می‌کند که به این هم قناعت نکرده و ی را به انتهای ساختمان اداری که هیچ مدائش از آنجا بگوش نرسیده و در آنجا نیز به حد کشت، کتکاری اش میکنند.

این اولین باری نیست که ما زندانیان سیاسی مورد اهانگی، فحاشی و ضرب و شتم مسئولین زندان رژیم جمهوری اسلامی قرار میگیریم، بدیهی است که آخرین بار نیز نخواهد بود و ما هیچگونه تا مین جانی نداشته‌ایم و ما محکوم کردن عاملین این حادثه شده‌ایم، متذکر میشویم بعداً ضرب و شتم، دوست زندانی ما را به سلول انفرادی منتقل میکنند که در اثر اعتراض شدید ما، بعداً زدوشنا نه روز او را به بند بر میگردانند.
با توجه به مطالب مشروحه فوق ما خواسته‌های خود را دردمورد:

- ۱- تضمین جانی کتبی در زندان
- ۲- مجازات و محکوم کردن عاملین ضرب و شتم و فحاشی اعلام داشته‌ایم و تا حصول نتیجه به اعتصاب غذا و ملاقات و ترفتن به‌خواخوری ادامه میدهم ما از این تاریخ ۵۹/۱۲/۲۷ در حال اعتصاب هستیم و اگر به خواسته‌های مشروح و قانونی ما رسیدگی نشود دست به عکس العمل شدیدتری که همانا اعتصاب غذای خشک باشد، می‌زنیم. بدیهی است که مسئولین عواقب ناشی از اعتصاب غذای خشک و... متوجه مسئولین رژیم جمهوری اسلامی خواهد بود. با درود و احترام فراوان
زندانیان سیاسی اعتصابی - ۶۰/۱/۱ ساعت ۱۵/۱۰

بقیه از صفحه ۲۸
بحثنی...
مورد تسمخر قرار ندهیم، آنگاه روشن است که تا زمانی که طبقات گویاگون وجود دارند، نمی توان از "دمکراسی خالص" سخن به میان آورد. بلکه فقط میتوان از دمکراسی طبقاتی سخن گفت" (۵).

بدینگونه، بررسی تاریخ و تحلیل علمی از جامعه می‌آورد که در برخورد به مسئله (دمکراسی)، آنگاه زکردن از مناسبات "اکثریت" با "اقلیت"، غلط و گمراه کننده است. در واقع آنچه که با بدما خذ قرار گیرد و آن آنگاه زکردن مناسبات طبقات، مناسبات استثمرا کنندگان با استثمرا شوندگان است.
نتیجه گیری کنیم:

- * - دمکراسی شکلی از دولت است.
- * - دمکراسی بعنوان (روینا)، بازپرینا (شیوه تولید) رابطه مستقیم دارد.
- * - دمکراسی خالص، وجود ندارد دمکراسی طبقاتی است.

بر اساس چنین نتیجه گیری و تنها نتیجه - گیری صحیح و مارکسیستی از مسئله، این امر نیز مفهوم میگردد که "دمکراتیسم" یعنی (خواخوای از (حاکمیت مردم)) نیز مفهومی کاملاً طبقاتی است. هر طبقه و قشری در جامعه، بر اساس بایگاه اقتصادی - اجتماعی خود، خواسته‌آنگونه "دمکراسی" می‌باید که در چهارچوب منافع طبقاتی اش میکنند و به بیان دیگر (حاکمیت مردم) را آنگونه معنا میکنند که در ظرفیت و چهارچوبه اندیشه طبقاتی اش جای گیرد.

برای بیان واقعیت است که در جامعه سرمایه داری وابسته ایران، با سه - سوع دمکراتیسم: (دمکراسی کاذب) (که حاصل آن بورژوازی می‌باشد)، (دمکراتیسم ناپیگیر که حاصل آن عمدتاً اقتنار خرده بورژوازی هستند و "دمکراتیسم پیگیر" که متعلق به طبقه کارگر است، مواجه هستیم. شناخت این است - سوع (دمکراتیسم)، چگونگی و دامنه آن، برای طبقه کارگر اهمیت حیاتی دارد. چرا که تنها با دست یافتن به چنین شناختی است که طبقه کارگر از کشیده شدن به بازی شکارها، اعلامیه‌ها و وعده و وعیده، خلاصی خواهد یافت. تنها در این صورت است که طبقه کارگر قادر خواهد شد تا دوستان و دشمنان خود را بشناسد و با روشن بینی به آنان برخورد نماید و در مبارزه تاریخ ساز خود برای برقراری "پیگیرترین دمکراسی" پیروز گردد. (ادامه دارد)

- (۱) و (۲) - منشاء خانواده - مالکیت خصوصی و دولت - فردریک انگلس.
- (۳) و (۴) - دولت و انقلاب - لنین
- (۵) - انقلاب پرولتری و کاتوتسکی مرتد - لنین



اخبار مبارزات توده‌ها



حملات گسترده رژیم به نیروهای انقلابی و شهادت آتن از مجاهدین

در روز چهارشنبه ۶۰/۱/۵ با ساداران سرمایه در شهر قزوین، نیروهای انقلابی را مورد حمله قرار داده و حدود ۳۵ نفر را دستگیر می‌کنند. سه هنگام انتقال زندانیان در روز پنجشنبه که متحرک و مقاومت زندانیان و تیراندازی از سوی ساداران می‌گردد، صفر قدس یکی از هواداران سازمان مجاهدین شدت زخمی و سپس به شهادت میرسد. مردم شهر قزوین که با ردیگرها هدیگی دیگری را جنایات با ساداران سرمایه بودند در اعتراض به این جنایت، در روز جمعه دست به راه - پیمایش زده و شعارهایی منتهی بر محکوم کردن این جنایت دادند. سپاه ساداران قزوین طی اعلامیه‌ای کوشیدند تا صفر قدس را امری نهادنی جلوه داده و بگردن شخص ثالثی - سید زوجه‌ای اعلام کردند که گویا سار دستگیر شده است تا تا بدینجه‌های خوین خود را بنه‌ان دارد. اما جنایات سرکوبگران رژیم در طی هفته اول فروردین ماه در شهرهای مختلف کوس رسوایی آنها را بیش از پیش بعداً در آورده است. مزدوران حکومت با یک صحنه سازی مضحک در شهر سخت سر (رامسر سابق) و همچنین در یکی از روستاهای قائم شهر، نیروهای انقلابی را مورد تهاجم قرار دادند که منجر به شهادت دو تن از هواداران مجاهدین گردید.

رژیم مدخلی جمهوری اسلامی و خشنده از فعالیت آگاه‌ها که با نه‌نیروهای انقلابی و کمونیست، حملات گسترده‌ای را توسط تفنگچیان خود سازمان داده و در آغاز سال نونتن‌های خوین دهها تن از فرزندان خلق را به خانواده‌های آنان هدیه کرده است. اما مبارزه و مقاومت انقلابی زحمتکشان در سرتا سربان ناقوس مرگ رژیم جمهوری اسلامی را بعداً در آورده است. باشد که قدرت بدست زحمتکشان افتد.

نقشه از صفحه ۲۴ **جرخس** ..
صفتی رویزیونیست‌های خاشن "حزب توده" را امشا می‌نماید، سرادعاهای بوج توده‌ایهای خاشن مبنی بر "مبارزه" با لیبرالها خط بطلان کشیده و فریبکاریهای آنان را در اینمورد برملا می‌سازد.
آری! حزب توده خاشن خود را تا ماه "استقلال" از تمیزات احتمالی در قدرت سیاسی حاکم بر ایران می‌نماید تا با زهم به توطئه علیه انقلاب و خیانت به طبقه کارگر، پیگیری ترا بیش از همه دهد.



آگاهی توده‌ها نابودی ارتجاع

در تمامی حملات مزدوران رژیم به ساداران رفقا، رویزیونیستهای فداشی (اکثریست) و توده‌ای در کنار این مزدوران و در مقابل توده‌ها و نیروهای انقلابی حضور داشتند و سایر دیگر در پیروگی خود را در پی توده‌ها رژیم سرمایه به‌اداران به اثبات رسانیدند.

در حاشیه نمایشگاه:

رفیق بی‌کار رگر خردسالی که محل کلاس چهارم دبستان است در تمامی روزهای سرگسزاری نمایشگاه، به فروش ۱۳ آبان مشغول بود. در یکی از روزها هنگام انجام این وظیفه انقلابی یکی از مزدوران رژیم با چوب بر سر این رفیق می‌کوبد تا با بدرفیق بخاطر این کمی که دارد، ترسیده و فروش را متوقف سازد، اما رفیق دانش‌آموز با قاطعیت و شجاعت بیش از حد می‌گوید: "این منطق شماست" و سپس پیگیرانه و بلندتر از قبل فریاد سر می‌آورد: ۱۳ آبان ارگان دانش‌آموزی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بی‌کار.

۶۰/۱/۳ - در این روز با ساداران سرمایه با لباس شخصی همراه عده‌ای چاقو در راه نمایشگاهی که از سوی سازمان دانشجویان و دانش‌آموزان بی‌کار جهت امضاء و عملکردهای ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی از سال ۵۹ الی ۶۰ سرگزارنده بود، حمله کرده و با پاره کردن عکسهای نمایشگاه و ایجاد زود خورد و درگیری محدوداً تشدید مانع فعالیت نیروهای انقلابی کردند. اما رفقای ما و توده‌های حاضر در آنجا با هوشیاری انقلابی این حرکت مزدوران رژیم را حشی ساختند و با دادن شعارهایی چون "این است آزادی ما، مردم قضاوت کنید"، "آگاهی توده‌ها، نابودی ارتجاع" و ".... انزجار خود را نسبت به رژیم نشان دادند که این حرکت به شکل‌های دیگری چون بحث و افتاکگری ادامه یافت.

۶۰/۱/۴ - از صبح زود مزدوران رژیم محل نمایشگاه رفقا را اشغال کردند تا با بد در حرکت انقلابی رفقا خللی وارد آورند. اینان از ترس آنکه ما را با زهم رفقا در این محل نمایشگاه امضاء رژیم را سرپا دارند، شب را نیز در چادری که در آنجا زده بودند، می‌گذرانند!

۶۰/۱/۵ - با دیگر مزدوران رژیم به نمایشگاه رفقا حمله می‌کنند. در این درگیری کف یکی از رفقای هوادار می‌شکند. رفقا با دایر کردن محدود سادان نمایشگاه و سخنهای افتاکرانه، پیگیری خود را در راه‌های طبقه کارگرتان می‌دهند.

عصر این روز یک نمایش خیابانی تحت عنوان هدیه رژیم جمهوری اسلامی به کارگران و زحمتکشان (گلوله)، به سرمایه‌داران و تجار (آزادی استثمار)، توسط رفقای نمایش در خیابان دانشگاه اجرا می‌شود. این نمایش تیرا استقبال مردم و سرگشت، بطوریکه جمعیت با تکرار آخرین جمله نمایش که از زبان یک کارگر بود - "این است آزادی ما، گلوله برسینه ما"، علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها، زنده با دیپکار توده‌ها - حمایت خود را از نیروهای انقلابی نشان دادند.



به استقبال جنبش او جگیزنده توده‌ها بشویم



بقیه از صفحه ۳ اعتصاب ...

کارگران، زحمتکشان، مردم مبارز تهران!

دوروز از اعتصاب پرشکوه و مبارزه جویانه کارگران کاخ‌ها، تهران، ناسیونال میگذرد. کارگران کاخ‌ها، تهران، ناسیونال، سال‌ها با مبارزه متحدانه خود آغاز کردند و این خود نشان میدهد که سال جدید، سال رشد و گسترش هرچه بیشتر مبارزات طبقه کارگران ایران بر علیه طبقه سرمایه‌داران و رژیم‌ها می‌آید. آنها خواهند بود. کارگران ایران تا سیونال با اعتصاب خود توانستند به پیروزی‌های نسبی دست پیدا کنند و رژیم جمهوری اسلامی و اداریه عقب‌نشینی در مقابل مبارزه متحدانه کارگران شده است. حال سببیم جریان در این دوروز چگونه بوده است؟

روز پنجشنبه ۵۹/۱۲/۲۸ اعلامیه‌ای از طرف شورای قلابی به دیوار نصب کرده بودند که نوشته بود: از شروع سال جدید یک ساعت به کار کارگران اضافه میشود. این عمل ضدکارگری شورا که دنباله اعمال گذشته و جزء کوچکی از خدمات رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی به طبقه سرمایه‌دار است، کارگران را خشمگین کرده و مدعی اعتراض برحق کارگران سواری‌ساز جنوبی بلند میشود. کارگران در آن روز - خواهسته و لایحه مطرح کردند و نسبتاً آن بر اثر اعتراض کارگران ساعت ۱۱ صبح کارخانه را تعطیل نمودند.

اما روز شنبه ۱۳۶۰/۱/۷ کلیه کارگران در اولین روز بعد از تعطیلات عبدوقتی سرکار آمدند، با ساعات کار زیاد شده مواجه شدند. در این روز کارگران ما فکری و عاطفی رنگ و صندلی سازی و ریخته‌گری و قسمتی از ماشین‌ساز، به اتفاق تمام سالن سواری سازی جنوبی همگی بطور یکپارچه دست‌ازکار کشیدند و خواهسته - های خود را به ترتیب زیر مطرح نمودند:

۱- تعطیلی پنجشنبه‌ها ۲- دادن ناهار گرم و مناسب ۳- ۲۰ روز سود ویژه (بغیر از ۲ ماه سودی که خود رژیم بردا خته بود) ۴- انحلال شورای قلابی و ایجاد شورای واقعی ۵- بازگشت کارگران مبارز از خراجی سرکار خود.

شورای قلابی و ضدکارگری این کارخانه، مدت‌هاست که بر علیه منافع کارگران و در خدمت مدیریت رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی سنگ تمام گذاشته است. کارگران این کارخانه بروشنی پی برده اند که این شورا، از منافع آنها دفاع نمی‌کند. یکی از کارگران در میان کارگران اعتصابی فریاد زد: "ما یک شورای واقعی میخواهیم که از حق کارگران دفاع کند، نه اینکه نوکر سرمایه‌داران باشد". خواست بعدی

کارگران، بازگشتن کارگران از خراجی سرکار بود که به علت دفاع از منافع کارگران و ضدیت با سرمایه‌داران خونخوار از سرکار خود اخراج شده اند. اما در روز اول اعتصاب، هنوز کارگران کاخ‌ها، تهران، ناسیونال با اعتصاب کارخانه جنوبی قرار نداشتند و سرکار خود بودند.

عوامل ضدکارگری و نوکران رژیم سرمایه‌داری جمهوری اسلامی، از مدیریت گرفته تا شورا و انجمن اسلامی و کمیته‌ها، کارخانه‌ها، بنظر و آنطرف می‌دیدند و کوشش میکردند که اعتصاب را بخوابانند. اما ما اعتصاب، عوامل رژیم را بر آن داشت تا در ساعت ۲/۵ کارگران اعتصابی را در سالن سواری سازی جنوبی، جمع کرده و برای آنها سخنرانی کنند. هدف این عوامل ضدکارگری خوابانیدن اعتصاب و راه‌انداختن تولید بود. تا جیب رژیم سرمایه‌داری ایران هرچه بیشتر بر شود. اما این توطئه نقش بر آب شد. در اینجا این کارگران بودند که با سئوال‌های در پی خود و با افشاگری‌های خود عوامل رژیم را محاکمه میکردند. کارگران در این روز جلسه را تبدیل به محنه‌ای برای افشاگری و محاکمه عناصر ضدکارگری نمودند. یکی از اعضای شورا، شورا را رسوا کرده و گفت: "ما دو سال است سرشار از شره مالیده‌ایم و این را من امروز اعتراف میکنم".

و قعاً این نماینده شورا، با تمام اعمال ضدکارگری خود، این یک حرف را بد رستی گفت. رژیم جمهوری اسلامی دو سال است که با وعده و وعید، سرکوب و زندان و شکنجه بر مسند قدرت تکیه زده است و در این دو سال تمام ما به فریب کارگران و سپهره‌کشی از حاصل کار و زحمت آنها و غارت ثروتهای طبیعی جامعه ما به نفع طبقه سرمایه‌داران نموده است.

در همین حین، "شیخ الاسلامی" که از طرف هیئت مدیره برای فریب کارگران آمده بود از ترس کارگران مجبور به ترک جلسه شد و یکی از روپوش‌آبی‌های ضدکارگری میخواست به نفع سرمایه‌داران و رژیم‌ها می‌آنها صحبت کند. از طرف کارگران مورد هجوم قرار گرفته و مجبور به فرار شد. بر اثر مبارزه پیگیر و متحدانه کارگران، رژیم و اداریه عقب‌نشینی شد و ساعات کار مثل گذشته اعلام شد.

کارگران مبارز ایران ناسیونال!

برای گرفتن کلیه خواسته‌های خود، با بستن مبارزه را متحد و یکپارچه ادامه داد. این تنها راه رسیدن به حقوق حقه شماست. برای اینکه بتوانید متحد و یکمکدا، به مبارزه برای گرفتن تمام خواسته‌های خود ادامه دهید، با بستن عناصر سازشکار و ضدکارگران در میان خود افشا کرده و بیرون کنید.

با بستن مدعیان حق طلبانه و مبارزه جویانه خود را به گوش همه کارگران برسانید. در همه

کارگران ایران یکی است. با بدست‌آوردن هرچه زودتر کارگران از خراجی که به علت دفاع از حق کارگران اخراج شده اند، سرکار خود برگردند. الان زندانیان رژیم، از کارگران مبارز روزی و روشنفکران انقلابی پر شده است، روزی نیست که تعدادی کارگر مبارز را به جرم آگاه کردن کارگران دیگر به زندان نیندازند. با بستن به درود بیاور همه کارخانه‌ها نوشته شود که: "کارگران زندانی آزاد بگردند". با به همراه تمام سبب و زحمتکاران و مردم مبارز آزادی کلیه زندانیان سیاسی و کلیه کارگران زندانی را خواهیم. با بستن تلاش کنیم تا هرچه زودتر این شورای ضدکارگری و انجمن اسلامی، بین چشم و گوش حزب از شاخه‌ای جمهوری اسلامی را منحل کنیم. با بستن با گذاشتن یک مجمع عمومی، از کلیه کارگران، به افشای هرچه بیشتر شورای ضدکارگری بردا خته و نمایندگان واقعی خود را که از مبارزترین و آگاهترین کارگران باشند انتخاب کنیم. فقط با اتحاد همه کارگران است که میتوانیم طبقه سرمایه‌داران و رژیم سرمایه‌داری را نابود کنیم و سرانجام جمهوری دمکراتیک خلق را ایجاد کنیم. در جمهوری دمکراتیک خلق، یعنی حکومت کارگران و مردم مبارز و زحمتکش جامعه ما، تحت رهبری طبقه کارگر، دیگر از ظلم و بهره‌کشی طبقه سرمایه‌داران کم‌خبری نیست و خوشبختی و زندگی بهتری برای کارگران و همه زحمتکشان جامعه ما پدید می‌آید.

با بودیا دتوطئه‌های سرمایه‌داران و رژیم حامی آنها! زندانیان سیاسی مبارز، کارگر مبارز زندانی آزاد با بستن! گسترده با اتحاد و همبستگی همه کارگران ایران! برقرار جمهوری دمکراتیک خلق! سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر (تشکیلات تهران) ۱۳۶۰/۱/۱۰ الف - ش ۲۱

■ - آخرین خبر رسیده که کمیته کارگران مبارز کاخ‌ها، تهران، ناسیونال برای رسیدن به خواهسته‌های خود در روز به مدیریت دولتی کاخ‌ها مهلت داده اند و در نتیجه مبارزاتی کارگران عالیست.

بقیه از صفحه ۳ پاسداران

انقلابی تمام رفقای زندانی را به پیشمرگان اعلام نمود. او از شدت شوق نمی‌توانست سخن گوید. پیشمرگان ضمن تحسین مقامات انقلابی تمام رفقای زندانی و زندانیان کمونیست را سرایران بمان بستند که تا آخرین قطره خون در راه آزادی کارگران و زحمتکشان و خلق - های متحدین بیکار بماند. نگاه پیشمرگان قهرمان و زحمتکشان حاضر در مقر سرود "هبری گل" را سردادند. قهرمان دل‌آوران کردستان و زحمتکشان آبادی سکوت شب زانگسده و در کوچه‌ها و شتابان بودند.

نان، مسکن، آزادی

"ملی کردن تجارت خارجی" و هیاهوی رویزیونیستها

رسیده است. دربارها این بخش، قانون بورژوازی مجلس خبرگان میگوید: "بخش تعاونی شامل شرکتها و موسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل میشود."

این از لحاظ تئوری، ولی آنچه که به برآینک مربوط میشود: روزنامه "جمهوری اسلامی" مورخ ۶ دی ۵۹ در مقاله‌ای تحت عنوان "در حال حاضر حدود ۷۰ تا ۸۰ درصد از واردات توسط دولت انجام میگردد" متن معاهده‌ای را که در همین مورد با معاون وزارت بازرگانی انجام

از دوره شاه به مراتب بیشتر شده است، چنانچه مطابق آمار، بخش دولتی در زمان شاه بیش از ۵۰٪ واحدهای تولیدی را در بر میگرفت، حال اینکه در رژیم فعلی این مقدار به بیش از ۷۰٪ در واحدهای تولیدی صنعتی وکل اموریان تکیه رسیده و از لحاظ بازرگانی خارجی هم سهم بخش خصوصی تنها به ۳۰٪ کل واردات میرسد. این شواهد به روشنی نشان میدهد که - صرف نظر از علل طبقاتی آن - یک گرایش مستمر نسبت به گسترش کنترل بیش از پیش اموریان اقتصادی از سوی رژیم جمهوری اسلامی دیده میشود.

● انگلس در "نقد برنامه ارفورت" اعلام کرده که حزب نمیتواند با آنچه که "سوسیالیسم دولتی" نامیده میشود نقطه اشتراکی داشته باشد که در آن دولت موضع کارفرمایان خصوصی را اغفال میکند. و به این طریق قدرت استثمار اقتصادی دست متمرکز میشود.

داده، چاپ کرده است. براساس این مباحثه، معلوم میشود که:

اولاً: به مرکز تهیه و توزیع کالا برای فلزات، منسوجات و چوب و کاغذ وجود آمده و مراکز دیگری نیز در حال تأسیس است.

ثانیاً: کار این مراکز به قرار ذیل است: ۱- تهیه و جمع آوری اطلاعات راجع به واردات، صادرات، واردکنندگان و صادرکنندگان (توضیح اینکه ۲۴۰ هزار قلم کالای وارداتی به ایران وارد میشود.)

۲- کنترل اجناس خرید شده توسط بخش خصوصی و پیاپی ده کردن سیاست "راشادی" در مورد آنها

۳- کنترل قیمت خرید بخش خصوصی.

ثالثاً: دولت خود را با ۶۰ تا ۷۰ درصد واردات بخش خصوصی را وارد میکند.

رابعاً: بخش خصوصی باید به ۳۰٪ واردات خود را مستقیماً برای توزیع در اختیار این مراکز بگذارد.

خامساً: کالاهایی را که دولت وارد میکند دیگر بخش خصوصی اجازه وارد کردن آنها را ندارد البته این مسأله که خود این مراکز تهیه و توزیع تا چه حد در همین سطح هم نتوانسته بر خریدار اجناس وارداتی بخش خصوصی کنترل داشته باشد، مطلبی است که چندان احتیاج به بحث ندارد، و معلوم است دولت بورژوازی که مدافع منافع طبقه سرما به دار میباشد، قطعاً نمیتواند از طریق روشه و توصیه‌ها و بیرونی‌ها که کار فرمایان بدان وسیله بوروکراتهای دولتی را میخرند، آلت دست اقشار مختلف این طبقه نشاند.

این که گرایش به سمت دولتی کردن اقتصاد از جانب کل هیئت حاکمه بطور اعم و جناح حزبی آن بطور اخص دقیقاً از کدام علل طبقاتی - تاریخی و گرایش‌های سیاسی - اقتصادی ناشی میشود، مطلب مهمی است که باید به آن پرداخت، ولی ما فعلاً در اینجا فقط به یک نمونه از آن یعنی اصل تجارت خارجی "پرداخت" و بحث بیشتر حول مسأله سرمایه‌داری دولتی و مقام آن در سیاستهای رژیم جمهوری اسلامی را به آینده موکول مینمایم.

ملی کردن تجارت خارجی در تئوری و عمل

در اصل ۴۴ قانون اساسی دست بخت مجلس خبرگان، به نوع مالکیت در اقتصاد جمهوری اسلامی ایران پیش بینی شده است: دولتی، تعاونی و خصوصی در مورد بخش دولتی گفته میشود: "بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ، با نكداري، بیمه، تأمین نیرو، سدها و شبکه‌های بزرگ آبرسانی، رادیو و تلویزیون، پست و تلگراف و تلفن، هواپیمائی، گشتی، راه‌آهن و مانند این‌هاست که بصورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است." البته در کنار بخش دولتی باید از "بخش تعاونی" نیز یاد کرد که اگرچه مالکیت آن متعلق به دولت بورژوازی نیست ولی به اشکال مختلف تحت کنترل آن است - خواه از آن نوع که احیاء در رژیم جدید تأسیس شده و دنبال میشود (مانند شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی) و خواه از آن نوع که رژیم شاه ساخته بود (شرکت‌های سهامی، تعاونی تولید، تعاونی مصرف و...) و به رژیم جدید ارت

مدت‌هاست که شعار "تاجرای اصل ۴۴" را بنویس، تجارت خارجی را ملی کنید! از سوی رویزیونیستهای کهنه کار توده‌ای و اخیراً سرازاجان رویزیونیستهای جدید الولاد ه فداشی (اکثریت) مطرح شده و به عنوان داروی معجزه آسائی برای درمان تمام دردهای سرمایه داری وابسته ایران - از قبیل به اصطلاح تطع وابستگی به امپریالیسم، کنترل نسورم گراسی، احتکار، گام‌گذاردن در جهت "راه‌رشد غیر سرمایه‌داری" و... هرسوق و کرنا اعلام میشود. از سوی دیگر، رویزیونیستهای "سه جهانی" از اثرات "سوئی" که پیدا کرده‌اند این اصل و اصول مانند آن میتوانند برای تجار و بازاریان "ملی" موجود آورد دل‌تنگ بوده و این خط را حفظ وابستگی به امپریالیسم روس اعلام میدارند. از دو جناح حاکم، حزب جمهوری اسلامی و بخصوص یک گرایش قوی درون آن خود را طرفدار بیرونی "ملی کردن تجارت خارجی" و "کوتاه کردن دست واسطه‌ها و محترکین نشان میدهد و حداقل در حرف برای اجرای آن با جناح رقیب شاخ و شا نه میکند. جناح لیبرال‌ها نیز اگرچه خود را مخالف این اصل نشان نمی - دهد، ولی خواستار آن است که با فعلاً تا پایان جنگ از اجرای آن صرف نظر شود و با اینکه در اجرای آن از سیاست‌گام به گام استفاده کرد.

واقفیت آن است که ملی کردن تجارت خارجی "خودحلقه‌ای است از یک زنجیره اقدامات مربوط به هم که از هنگام روی کار آمدن رژیم جمهوری اسلامی به مرور به مرحله اجرا در آمده و در مجموع یک گرایش به سمت دولتی کردن سراسر اقتصاد از جانب کل هیئت حاکمه بطور اعم و جناح حزب جمهوری اسلامی آن بطور اخص را نشان میدهد. از جمله میتوان به این واقعات اشاره کرد:

- ۱- ملی کردن بانک‌ها
 - ۲- ملی کردن برخی از صنایع بزرگ
 - ۳- ایجاد مراکز تهیه و توزیع کالا به منظور اجرای "ملی کردن تجارت خارجی"
 - ۴- ملی کردن اموال خاندان پهلوی و سرما به داران فراری و ایجاد "بنیاد مستضعفین"
 - ۵- ایجاد شرکت‌های تعاونی تولیدی و خدماتی از افراد سیکاربا و ام و کنترل دولتی
 - ۶- تقسیم زمین و اهدای سهامان ها به دهقانان از طریق "هیات‌های هفت نفری بصورت مشاع و با کنترل دولتی بمنظور ایجاد شبکه تولیدی مشاع"
 - ۷- سرقراری "جیره بندی خواربار" و کنترل مصرف عمومی پس از شروع جنگ
- البته تمام این برنامه‌ها حتی از نظر اینکه تا چه حد به مرحله عمل در آمده قابل بر - خورد است و ما در شماره‌های گذشته "پیکار" به برخی از آنها اشاره کرده‌ایم. ولی آنچه که مسلم است این موضوع میباشد که در نتیجه همین مقدار عملگردها هم کنترل عمومی دولت بطور اعم و مالکیت دولتی بطور اخص بر اموریان اقتصادی

کنترل به این موضوع منحصر میشود که کسی که کسی را کنترل میکند، یعنی چه طبقه‌ای کنترل کننده و چه طبقه‌ای کنترل شونده است. در روسیه جمهوری مادرا به دخالت ارگانهای "تمام - الاختیار" به اصطلاح "دمکراسی انقلابی"، تنها کنون ملاکین و سرما به داران کنترل کننده شناخته شده و میشوند، و در نتیجه، این امر سرما به داران که موجب خشم و غضب عمومی مردم شده و بحرانهای که سرما به داران آنرا مصنوعا داد من میزند تا گریز میگردد، باید با عزم راسخ بدون بازگشت و بدون ترس از گسیختن پیوند با کهنه و بدون ترس از جورا نه پیدا شدن نو، به برقراری کنترل بر ملاکین و سرما به داران از طرف کارگران و دهقانان برداخت، و این همان است که اسرارها و منشویک - های ما از آن بیش از آتش میترسند.

(منتخبات یکمجلدی صفحه ۴۹۶)

این سطور را لنین در ماه سپتامبر، یعنی در شرایطی قبل از انقلاب اکثریتی نوشت.

برقراری کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری تنها با شیوه دمکراتیک - انقلابی و از طریق ارگانهای توده ای بنفع انقلاب است نه با شیوه های ارتجاعی - بوروکراتیک.

که همکاری اسرارها و منشویکها با دولتست بورژوازی داشت نفوذ خود را بر سرعت در توده ها کما از دست میداد و موقعیت انقلابی جدیدی در جامعه فرار رسیده بود.

حال از رویزیونیستها باید پرسید: شما از طریق کنترل دولتی بورژوازی و امپریالیستها بر کارگران و زحمتکشان ایران چگونه میخواهید به سوسیالیسم برسید؟ این مسلمان راهی است که نه به سوسیالیسم بلکه به استعمار بیشتر سرما به - داری منجر خواهد شد. آنچه که بیش از همه برای کمونیستها و پرولتاریا در مساله دولتی کردن مهم است نقشی است که این امر میتواند در مبارزه طبقه‌ای پرولتاریا به جا گذارد، و گرنه به این حساب، رشد نیروهای مولده بصورت متمرکز - تولید و انحصار دولتی بقول انگلس از "فاشه خانه‌های دولتی لوتی فیلپ" نیز با بسند سوسیالیسم مناسبت!

برقراری کنترل دولتی بر اقتصاد سرما به داری تنها با شیوه دمکراتیک - انقلابی و از طریق ارگانهای توده‌ای به نفع انقلاب است نه با شیوه‌های ارتجاعی - بوروکراتیک این که چه طبقه‌ای کنترل دولتی بر سرما به داری را باید امی کند، خود در من نشان دهنده این موضوع است که این طبقه، این کنترل را به چه شیوه پیدا می‌کند: آیا به شیوه ارتجاعی - بوروکراتیک یعنی از طریق بوروکرات‌هایی که فرما نبردار دستگا دولتی بورژوازی بوده و از کار فرمایان بورژواحق و حساب‌ورنوه میگیرند و با در واقع کنترل دولتی را به نفع یک اقلیت ناچیز (یعنی ارتجاعی) و از طریق یک ارگان فدتوده‌ای (یعنی بوروکراتیک)

است که امروزه از سوی رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) و توده‌های مورد تبلیغ و ترویج قرار گرفته و بعنوان تنها راه سمت گیری بسوسی سوسیالیسم تحت رهبری "خرده بورژوازی دمکرات (آیت الله خمینی) به خورد کارگران، زحمتکشان و روشنفکران داده میشود. بر اساس این تئوریم "خرده بورژوازی" خمینی با بدستدیرح اقتصاد را محدود به بخش دولتی و تعاونی کرده و با استفاده از روابط اقتصاد، سیاسی، نظامی و فرهنگی با ثوروی و "سیستم‌های سوسیالیستی" (بدون اینکه احتیاجی به هژمونی پرولتاریای داخلی باشد) مرحله به مرحله از "استقلال سیاسی" ("انقلاب بهمین!") به "استقلال اقتصادی" (پروژه‌ای که در آن قرار داریم) و از استقلال اقتصادی به "استخوان سوسیالیسم" وارد شود اما برای اینکه به نسخه "اصیل رویزیونیستی رجوع کنیم، نسخه بدلیهای ایرانی را کنار گذاشته و نقل قولی از تئورسین رویزیونیست روسی آندریف را در همین باره می آوریم:

"در رشد غیر سرما به داری، بخش دولتی ضد سرما به داری و تعاونی‌ها را که به شیوه دمکراتیکی اداره میشوند میتوان بعنوان شکلی برای تکامل تدریجی و تجمع عنصرهای مناسبات سوسیالیستی تولید، تلفی کرده و دولت‌های سوسیالیستی از راه همین بخش‌های دولتی می-توانند کمکیهای موثرتری به اقتصاد کشورهای آزاد شده برسانند" ("کتاب راه رشد غیر سرما به - داری صفحه ۱۳۸)

دقیقا بر اساس همین تزا است که امروزه رویزیونیستهای فدائی و توده‌های وقیحا نه حول اصل ۴۴ قانون اساسی "داد و هوار بر امانداخته و در واقع کوشش میکنند که اول پرولتاریا، زحمتکشان، روشنفکران، انقلابیون و خلقهای ایران را به ماش با بورژوازی حاکم بکشانند و ثانیا راه را برای جذب رژیم بورژوازی حاکم، به سیستم امپریالیستی سوسیالیسم امپریالیسم روسیه هموار نمایند.

نکته مهمی که امروزه رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) توده‌های دیگری مانند لنین به مارکسیسم از روی آن می‌چیند، دقیقا همین سوال است که آیا در سیاست "دولتی کردن" رژیم جمهوری اسلامی چه طبقه‌ای بر چه طبقه‌ای کنترل میکند؟ این همان مطلب حیاتی است که حزب توده در زمان رژیم شاه نیز بر آن پوردها ترمی - کشید و چنین نوبد میداد که از طریق رشد "بخش دولتی" رژیم سوسیالیستی میتوانند از درون رژیم شاه "فراروید" و با همین توجه رویزیونیستی، آب تظہیر بر "کمک‌های ثوروی به رژیم‌ها چون ذوب آهن و... میریخت!

لنین خود در مقاله "خطر فلاکت و راه مبارزه با آن" هشدار میدهد: "در حقیقت تمام مسائل

در ساله کنترل دولتی بر اقتصاد سرمایه داری نکته مهم این است که چه طبقه‌ای کنترل میکند و چه طبقه‌ای کنترل میشود

از همان قرن نوزدهم، اپوزیونیستها و رویزیونیستها سعی میکردند تا از گرایش سرمایه داری رقابت آزادیه انحصار و از جمله انحصار دولتی چنین برداشت تحریف آمیزی را ارائه دهند که گویا سوسیالیسم میتواند از طریق انحصار دولتی بورژوازی بصورت مسالمت آمیز بدون مبارزه طبقه‌ای "فراروید". انگلس به شدت با اینگونه افکار رویزیونیستی که در پیش نویسی برنا مافورت حزب سوسیالی دمکرات آلمان وارد شده بود مبارزه کرد و برنا مافورت را "دگرگانی اقتصادی" و "مداخله دولتی در اقتصاد" را که از سوی بیسارک در آلمان پیدا شده میشد و مورد تحسین خائنین به سوسیالیسم قرار گرفته بود، تحت عنوان "سوسیالیسم دولتی" کوپید. انگلس در نقد برنا مافورت "اعلام کرد که حزب نمی-تواند با آنچه که "سوسیالیسم دولتی" نامیده می-شود نقطه اشتراکی داشته باشد که در آن دولت، موضع کار فرمایان خصوصی را اشغال میکند و "به این طریق قدرت استعمار اقتصاد و دستم سیاسی در یک دست متمرکز میشود." (نقد برنا مافورت) انگلس در همین باره در "آنتی دورینگ" نیز میگوید: "دولت نوین در هر شکلی که باشد، ماهیت ماشین سرما به داری دولت سرما به داران و مجتمع ایده آل سرما به داران را دارد. (این دولت) هر چه نیروهای تولیدی بیشتری را در اختیار بگیرد، تبدیل آن به مجتمع سرما به داری کامل تر شده و تعداد بیشتری از شهروندان را تحت استعمار در میآورد. کارگران همان کارگران مزدور پرولتاریا باقی خواهند ماند، و روابط سرما به داری ناپدید نمی شود بلکه برعکس به آخرین درجه و به اوج خود تکامل پیدا میکند." (آنتی دورینگ)

تؤفراروشیدن سوسیالیسم از طریق انحصار دولت سرما به داری "بدون مبارزه طبقه‌ای و بدون انقلاب پرولتری" پس از مرگ انگلس توسط رویزیونیستهای خائن چون برنشتاین و کائوتسکی تکامل یافت و لنین شاگرد خلف انگلس مجبور شد که با آن‌ها مبارزه کرده و تزه‌های رویزیونیستی شان را افشا کند. لنین در همین سالها نوشت: "متداول ترین اشتباه، تسمیز بورژوا - رفرمیستهاست که مدعی اند به اصطلاح سرما به داری انحصاری سرما به داری انحصاری دولتی دیگر سرما به داری نیست و میتوان آنرا "سوسیالیسم دولتی" نامید: (به نقل از پیکار ثورویک - سیاسی شماره ۲ صفحه ۲۶۶)

تزه‌های کائوتسکی و برنشتاین بعدها توسط رویزیونیستهای مدرن روسی تکامل بورژوا امپریالیستی یافت و خود را در تزه "راه رشد غیر سرما به داری" برای کشورهای تحت سلطه و "آزاد شده" فرموله کرد. و اتفاقا همین فرمول

ادامه "لطف" امپریالیسم آمریکا

روز اول فروردین ۱۳۶۰، یک فروند هواپیما بوشینگ ۷۴۷ نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی (که آرم "هواپیما شلی ملی" را بر بدنه خود دارد) برای حمل مهمات جنگی آرای آمریکا به آن کشور پرواز کرد.

همچنانکه ما با رها گفته ایم، روابط رژیم جمهوری اسلامی با امپریالیسم خون آشام آمریکا پس از آزادی مفتضحا نه گروگان نهایی جاسوس و اردم مرحله جدیدی گردیده است و از اولین نتایج آن بسط روابط سیاسی و اقتصادی و... و بویژه آدامه فروش تجهیزات نظامی از طرف امپریالیستهای آمریکا شلی است. رژیم می که چپ، و راست، بدترین تهمت ها را به نیروهای کمونیست و انقلابی وارد آورده و موزرانه آنها را "آمریکاشلی" میخواند. آنچنان مورد "لطف" امپریالیسم آمریکا واقع شده است که ارسال تجهیزات نظامی و مهمات از طرف این امپریالیسم از سر گرفته شده است. و طبیعی است که ارسال اسلحه و مهمات از طرف امپریالیستهای آمریکا شلی به ایران نشان دهنده علاقه امپریالیسم آمریکا به حفظ و گسترش روابط دوستانه با رژیم جمهوری اسلامی و کمک به تحکیم و گسترش سرمایه داری وابسته در ایران میباشد.

آدامه خرید اسلحه از آمریکا، علاوه بر افشای ماهیت سیاسیستهای خیانتکارانه جمهوری اسلامی یکبار دیگر چهره فریبکارانه رویزیونیستهای خائن (از توده های و "اکثریتی" گرفته تا سبها نی) که شب و روز به مجیز گوئی جمهوری اسلامی پرداخته و آنرا "قهرمان" مبارزه "فد" امپریالیستی قلمداد کرده و به با رویسار و پروژواری ایران مبدل شده اند، را نیز برملا می سازد.

آری، درست در روزها شلی که سردمداران رژیم جمهوری اسلامی، دومین سالگرد منحوس اعلام جمهوری اسلامی را با بوق و کرنا "جشن گرفته و دربار" مبارزات منفتح "آبا امپریالیسم آمریکا به قلم فرسائی پرداخته و حنجره خود را بهره میکنند، هواپیما های ارتش ارتجاعی، برای حمل مهمات جنگی به آمریکا پرواز میکنند. و اقمعت ها چهره خائنین و عوا مغربیان مرتجع را میدرد و آنرا در پینگاه توده ها افشا میکند.



اینکه دو جناح پروژواری "حزب" و "لیبرالها" هر یک به دنبال کدام یک از این اشکال سرمایه داری میروند، و جایگاه بخش دولتی سرمایه داری دولتی در برنا مه اقتصادی آنها به چه ترتیب است، موضوعی است که با بدر بر خورده ماهیت تضادهای جناحهای حاکم توضیح داده شود.

(اکثریت) از طریق چه مکنایمی میخواهند برنا مه دولتی شدن تجارت خارجی را پیاده کنند: "باید آنها (عمده فروشان) را با مکنایمی جانشین کرد که نتوانند اعمال انحصار بر بازار کند و راه چاره آن ایجاد اتحادیه های تعاونی است. اتحادیه تعاونی خرده فروشان، اتحادیه تعاونی کارگاه های صنعتی و صنایع کوچک در رشته های مختلف، اتحادیه تعاونی کشاورزان رویزیونیستهای فدائی (اکثریت) سلب مالکیت سرمایه بزرگ تجاری و عمده فروشان را به منظور شکوفائی تولید کوچک میخواهند. تمام موعظه گری های آنها برای این است که تولید کنندگان و توزیع کنندگان کوچک که در انبجران و جنگ روزه "ورنکستی میروند با یکدیگر متحد شده و با عنایت و مساعدت دولتی ارتجاعی پروژواری از سرمایه خود در مقابل سرمایه بزرگ دفاع کنند! به عبارت دیگر کشور پر سیون پینشاید آنها، یک ریدیسیف تعاونی های معمولی سرمایه داری است که تحت سیاست "رنا دی" دولت پروژواری قرار داشته و به پروژواری کمک میکنند که بر بحران و نارضایتی عمومی غلبه نماید. یعنی کپیسه ای از نسخه ای که دیروز لانسایستهای آلمانی و یزدونیستهای فرانسوی برای "حل" دردهای سرمایه داری می پیچید. امروزه تمام رویزیونیستهای آن مایه میگیرند. این اتحادیه های سرمایه داری هیچ گونه ارتباطی با ارگانهای توده ای در موسسات ندارند که با دیده شیوه دمکراتیک انقلابی، تمرکز تولید و کنترل دولتی نظارت داشته باشند، بلکه این اتحادیه ها خود یک شکل از موسسات پروژواری منتهی در شکل کثوپراستیوی آن میباشد. البته جز این هم از رویزیونیستهای انتظار رمنی رود. همانطور که هر دولتی کردنی نمی تواند بعنوان یک گام در جهت سوسالیسم تلقی گردد، همانطور هم شکل کثوپراستیوی موسسات تولیدی و توزیعی نمی تواند در خدمت ایجاد پیش شرط های سوسالیسم تلقی گردد. زیرا شکل "تعاونی" فقط یک شکل از مالکیت است و محتوای طبقاتی آن می تواند از یک طرف مانند کثوپراستیوهای دهقانی زمان لنین و استالین و از سوی دیگر مانند شرکت های سهای زراعی "شاه" یا "تعاونی های تولید" رژیم جمهوری اسلامی باشد

خلاصه کنیم: اجرای طرح "دولتی کردن" تجارت خارجی و طرح های مانندان که از سوی رژیم جمهوری اسلامی با مطرح شده و با در حال پیاده شدن است، فقط می تواند نشان دهنده راه حلی باشد که پروژواری ایران برای مقابله با بحران اقتصادی - سیاسی و جلوگیری از ورشکستگی کامل خویش در پیش گرفته است. این طرح ها در بهترین حالت خود نمی تواند چیزی فراتر از انحصار تجارت خارجی "دوران" رضا شاه و سرمایه داری دولتی در کشورها شلی چون سوریه، الجزایر، مصر و لیبی باشد. البته

پیاده میکنند با از طریق دمکراتیک - انقلابی یعنی از طریق ارگانهای توده ای در موسسات تحت کنترل درآمد. ارگانهای که از مجتمع کارمندان جزء، بانکها، اتحادیه های کارگری اتحادیه های دهقانی... تشکیل شده اند. لنین خود در مقابل سرمایه داری دو روش چنین میگوید: "تصادف سیاسی موجود در سیاست حکومت مسا همانا در اینست که این حکومت - برای اینکه میانها شلی با پروژواری بهم نخورد و ورشکسته "اشکافش" با آن نگلد - به عملی نمودن کنترل ارتجاعی بوروکراتیک ناچار است و در عین حال به آن نام "انقلابی - دمکراتیک" میدهد و در هر قدم مردم را میفریبد و بدین طریق موجب انزجار و خشم توده های میگردد که همین جدی پیش تر از رژیم سرنگون ساخته اند.

و حال آنکه بویژه اجرای اقدامات انقلابی دمکراتیک که به معنوی طبقاتی است ممکن به معنوی کارگران و دهقانان و بخصوص توده مسارا در اتحادیه ها متحد میسازد - امکان برقراری واقعی - ترین کنترل بر توتوانگران و موفقانه سترین مبارزه علیه نهفتن درآمد ها را فراهم میآورد. (از "خطر فلاکت و راه مبارزه با آن" صفحه ۵۰۱) همین طور در توضیح "دمکراسی انقلابی" میگوید:

"اگر اصطلاح "دمکراسی انقلابی" را به معنای یک جمله فالیسی نظار میزویک عنوان مشروط در - نظرتگیریم و در مفهوم آن بهمانندیشم "نگاه میبینیم دمکرات یعنی کسیکه عملا منافع اکثریت محروم را در نظر دارد نه منافع اقلیت را و انقلابی یعنی کسیکه هر چیز را به بخش و سبری شده ای را به قطعی ترین وسیله امان تر می شوه ها در هم می شکند.

تا آنجا که سرمایه معلوم است نه در آمریکا و نه در آلمان نه دولت و نه طبقاتی حاکمه کوچکترین ادعائی برای عنوان "دمکراسی انقلابی" که اسرارها و منتشویکهای ما مدعی آنند (و آنرا بی حیثیت میکنند) ندارند. (همانجا صفحه ۴۹۳) بنا بر این، امر کنترل بر بانک ها و موسسات صنعتی و تجاری و... با بد توسط خود ارگان های انقلابی توده ای صورت میگیرد که اینها خود نمی توانند جدا از رهبری شوراهای کارگران، دهقانان و سایر زحمتکشان (بعنوان ارگانهای قدرت سیاسی) باشند، وگرنه شیوه های ارتجاعی - بوروکراتیک رژیم پروژواری برای تمرکز تولید، فقط می تواند استعمار کارگران و زحمتکشان را تشدید نماید. در واقع در هر سوه همین استکار توده ای و از طریق این شیوه های دمکراتیک - انقلابی است که قدرت و استعداد واقعی طبقه کارگر و متحدین او شکفته شده و پایه های قدرت سیاسی شان ریخته میگردد. و این همان نکته اصلی است که در برنا مه کنترل دولتی پرولتاریا نهفته است و تا شیر مستقیم بر سر مبارزه طبقاتی او علیه پروژواری میگذارد. حال میبینیم که رویزیونیستهای فدائی

آتش سوزی در کبریا آوارگان

در تاریخ ۵۹/۱۲/۱۹ بر اثر افتادن فانوسی که بر سقف کبری آویزان بود، کبریا نوا ده های جنگزده فلاحیه (شادگان) دچار حریق شده و همه هستی این آوارگان را که زندگی فلاکتباری را در کبریا میگذرانند، به خاکستر تبدیل میکند. این اولین و آخرین باری نیست که ما شاهد آتش سوزی در کبریا و یا چادر آوارگان جنگ ارتجاعی کنونی می شویم. بیاد آوریم که چگونه در اردوگاه بهبهان یک خانواده ۵ نفری کشته شدند و یا چندین تن در آغا جاری زیر آوارها جان سپردند و یا ...

و این در حالی است که اشغال انقلابی هتلهای و دیگر اماکن سرمایه داران توسط آوارگان زحمتکش، از سوی سردمداران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی "حرام" شمرده میشود.

و این در حالی است که رژیم روز و شب فراهم کردن مسکن و امکانات رفاهی زندگی را برای آوارگان، در بوق و کرناهای تبلیغاتی خود میدمد. آری تنها زحمتکشان هستند که همه هستی خود را در آتش جنگ ارتجاعی از دست میدهند.

اقدامات انقلابی از دیدگاه رجائی

بدنیال با زدیدهای "تشریفات" بنی صدر از اردوگاههای آوارگان جنگ که در اثر برخورد های عوام فریبانه وی، جنگ زدگان آوارها تنها را با زدیدهای "شاها نه" نامیده اند، رجائی مرتجع برای اینک از رقیب عقب نماند، در تلاش برای فریب آوارگان (که با مبارزات دلاورانه خود، رژیم ارتجاعی را با مشکلات بحران زار و پرور ساختن اند) در روزهای آغاز سال از چندین "اردوگاه" دیدن نمود. نخست وزیر "مکتبی" در یک مباحثه تلویزیونی (۹ فروردین ۶۰) پس از اینکه علت نارضایتی آوارگان و شرایط طاقت فرمای زندگی این زحمتکشان را به گردن "گروهکها" (منظور نیروهای کمونیست و انقلابی است) انداخت، از کارهای انجام شده "برای آوارگان" بعنوان "اقدامات انقلابی" چشمگیر! برادران "مکتبی" این با دکر دو آنها را کارهای سازنده نامید. منتهی رجائی مرتجع بگونه کلیه مرتجعین تاریخ فراموش میکنند این "اقدامات انقلابی" را به اطلاع زحمتکشان ما برساند. چراکه "اقدامات انقلابی" رژیم جمهوری اسلامی برای جنگزدگان و آوارگان جز با زکدن آب به زیر آوارگان در شا هیراغ شیراز، "فدائینقلاب" و "عربان" و ... خواندن آنها توسط آیت الله های مرتجع، "فراری"، "ترسو" و "بزدل" و

اخبار جنگ

"آمریکائی و ... نامیدن آنان توسط سپاه پاسداران سرمایه، کتک خوردن زحمتکشان آوارها از دست عوام مل زمینداران بزرگ در حیرت قطع آب و برق و جیره غذایی و نفت آوارگان ملک شهرامفهان، زندانی کردن نمایندگان کارکنان آوارها شرکت نفت، محکومیت حبس ابد نماینده آوارگان ماهشهر و ... چیز دیگری نیست و از جمله این "اقدامات" باید به تیرباران رفیق شهیدمان محمود صمدی که به جرم کار آگاه - گرانه در میان آوارگان اعدام شده اشاره کنیم. اما رجائی خاش و همپالکی هایش چه کسانی را میخواهند بفریبند؟ نه تنها آوارگان زحمتکش بلکه کارگران و زحمتکشان ایران هر روز بیش از روز قبل به ما هیت خیا ستکاران رژیم جمهوری اسلامی پی برده و با مبارزات گسترده و دلاورانه خود باسخی درخور جانپناه و خیانت های رژیم میدهند

تفرقه بینداز و حکومت کن

رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی سیاست تفرقه بینداز و حکومت کن را در میان آوارگان جنگ نیز پیشه ساخته است. مثلا در اردوگاه دانگسگاه صنعتی امفهان، آوارگان انقلابی و آگاه را در بلوک ۴ و آوارگان نا آگاه و فاولانژ را در بلوک ۵ اسکان داده است و میکوشد مردم بلوک ۵ را بر علیه بلوک ۴ تحریک کرده و از طریق آتسان، سرکوب مبارزات آوارگان زحمتکش را به پیش برد. رژیم برای جلب آوارگان بلوک ۵ بسوی خود (اگر مجبور شود) جناحی را میان آوارگان تقسیم کند) ابتدا به آنان میدهد و بعد که نوبت به بلوک ۴ میرسد، به آنها ای دروغین مانند "تمام شد" و ... می آورد. اما مبارزه متحد و یکپارچه آوارگان زحمتکش، این سیاستهای ارتجاعی رژیم را نقش بر آب خواهد ساخت.

بخشنامه پر خیر و برکت

اخیرا طی بخشنامه ای که از طرف وزارت نفت صادر شده است، کلیه کارمندان جنگزده که کمتر از ۱۰ سال سابقه خدمت داشته باشند، با طرح "سالی ۲ ماه" اخراج خواهند شد و مبلغ پرداختی به آنان بیش از ۲۰ هزار تومان نخواهد بود. (با در نظر گرفتن حقوق اکثر کارگران و کارکنان زحمتکش میزان پرداختی نصف خواهد شد) بدین ترتیب رژیم یکپارچه دیگر از "خیر" و "برکات"

جنگ ارتجاعی بر خوردار میشود، اما مبارزات یکپارچه کارکنان جنگزده آوارها نخواهد داد که رژیم به تیرک خود همچنان ادا میدهد.

بنقل از ندای آوارها نشریه سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - نشریات امفهان شماره (۹)

جنگ قدرت در کنار جنگ ارتجاعی

اخیرا گروه های دی کرمی (که خود را کاندیدای مجلس کرده بودند) از آغاز جنگ گروه چریکی خود را بوسیله پاسداران هوادارش گسترش داده و مفری هم در آوارها برای خود گروهش دریاقت میدارد (در شبیغونی که به سر بازان عراقی میزنند، موفق میشوند چندین قبضه اسلحه کلاشینکف بدست بیاورند. در این میان پاسداران هوادار چمران به مقر پاسداران کرمی رفته و از آنها میخواهند که "غنیمت ها" را به آنها تحویل بدهند. این امر ابتدا به جدال لفظی و سپس به درگیری مسلحانه میان دو جناح از مزدوران منجر میشود. بدین ترتیب می بینیم که جنگ قدرت میان جناح های حکومت، حتی به جبهه های جنگ ارتجاعی هم کشیده شده است و هر یک میکوشند با شبت پیشبرد جنگ بنا م خود، دست به عوام فریبی در میان توده ها زده و قدرت خود را تثبیت نمایند.

فراریک فرمانده مزدور ارتش

در روزهای آخر سال ۵۹، یک سرهنگ خلبان که بیست مهمی در نیروی هوایی ارتش جمهوری داشت به اتفاق خانواده اش با یک هواپیمای نظامی از ایران فرار کرده و به کشور ترکیه پناهنده شده است.

رژیم جمهوری اسلامی که مدعی است نباید چیزی را از توده های مردم پنهان کرد، کلمه ای در این باره بیان نکرده است. رژیمی که از اولین دقیق حاکمیت ارتجاعی اش به بازسازی ارتش مزدور شاه خاشن پرداخته و فرماندهان مزدوران را تطهیر کرده و در اسارتش اسلامی" گذارده، نمیتواند همین حقایق را بگوش مردم مبارز ما برساند. چرا که نمیتواند به زحمتکشان ایران بگوید که از ارتش شاهنشاهی با فرماندهان مزدور آمریکا اش تنها پدیدانتظار دیگری داشت. مگر فرماندهان همین ارتش نبودند که سال گذشته قصد کودتا داشتند؟ (ومدالبتنه "توبه" کردند و مورد "عفو" قرار گرفتند!) مگر فرماندهان همین ارتش نبودند که هلیکوپترهای آمریکا را در طبس بمباران کردند؟ مگر

بقیه در صفحه ۲۵

جنگ غیر عادلانه کنونی جنگی است بر علیه توده های ایران و عراق



اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران

کارگران بشود و تمام دستاورد های بشری، تمام ترقیات حاصل از کار برای بهبود وضع انسانی که کارمیکند استعاده شود نه بعنوان وسیله ای برای سرکوبی و... رفقای کارگر! پس بیاید با نیروی معاف برای نبرد مضم که در پیش است اما ده شویم! بگذارید مدفوف پرولترهای سوسیال دمکرات (در آهنگام به کمونیستها سوسیال دمکرات می گفتند - بیکار -) هر چه مستحکمتر نبسته گردد! بگذارید کلام آنها هر چه دور تر رود! بگذارید مبارزه برای خواسته های کارگران هر چه بی باکانه تر صورت گیرد! بگذارید جشن روز کارگر هزاران رزمنده جدید را بخود جلب نماید و نیروهای ما را در مبارزه بزرگ برای رها شدن همه مردم، برای رها شدن همه آتشی که از یوغ سرما به درون رنجند گسترده تر گرداند!

لنین (۱۹۰۴)

حما می ثروتها را فراهم میسازند، سراسر عمرشان در مبارزه برای تنگای نان، ناچارند کار را همچون صدقه گدایی کنند، نیرو و سلامتیشان را زیر زحمت کمر شکن از کف بدهند و در آلودگی های دهات و بیابان درخمه ها و پستوهای شهرهای بزرگ دچار قحطی باشند.

ولی اکنون دیگر زحمتکشان محروم علیه پولداران و استثمارگران اعلام جنگ کرده اند، کارگران همه سرزمینها میزبند تا کار را از مزدوری، از فقر و احتیاج رها سازند، آنها برای چنان نظام اجتماعی نبرد میکنند که در آن ثروت حاصل از کار مشترک، نه مثنی ثروتمند، بلکه تمامی کسانی را که کار میکنند بهره ورسازد، آنها در پی آنند که زمین - کارخانه ها، کارگاهها و ماشین آلات را به مالکیت مشترک همه زحمتکشان در آورند و تقسیم آنرا به غنی و فقرا زمین بردارند، میخواهند شمره کار نصب خود

رفقای کارگر! (اول ماه مه) روز کارگر نزدیک میشود، روزی که کارگران همه سرزمینها دست بآبی شان را به آگاهی طیفانی، همبستگیان در مبارزه علیه زور و استثمار انسان از انسان و مبارزه برای رها شدن از زحمتکش از گرسنگی فقر و تحقیر جشن بگیرند، در این مبارزه بزرگ دودنیا در مقابل یکدیگر قرار دارند: دنیای سرمایه و دنیای کار، دنیای استثمار و برادری و دنیای برادری و آزادی، در یکسومش خون آتاشم ثروتمند کارخانه ها و کارگاهها، ابزار و ماشین - آلات را قبضه کرده و میلیونها متر زمین و تلهای پول را به مالکیت خصوصی خود در آورده اند، آنها دولت و ارتش را به خدمت گرفته اند تا مانند سگهای وفاداری ثروت انباشته شده شان را پاس دارند.

در دیگر سوم میلیونها نفر محروم مجبور به نمنا از بولدارانند تا اجازه دهند برای ایشان کار کنند، آنها که با کار خود



زنده باد همبستگی بین المللی کارگران جهان!



چرا اول ماه مه ۱۸۸۶ پدید آمد؟

۹۵ سال از اول ماه مه ۱۸۸۶ میگذرد و ۹۰ سال است که این روز بعنوان روز همبستگی کارگران جهان جشن گرفته می شود. اینک سالهاست که در روز اول ماه مه در بسیاری از کشورهای جهان، کارگران با پرچم سرخ به خیابانها میریزند و روز اتحاد خونین طبقه کارگر بر علیه سرمایه داران را جشن میگیرند.

دهها سال است که کارگران جهان، روز اول ماه مه، روز دلاوریهای کارگران قهرمان شیکاگورا بعنوان نمونه ای از سالها نبرد بی امان طبقه کار بر علیه استثمار گرامی میدارند.

اکنون قبل از تشریح حوادث اول ماه مه، به خلاصه ای کوتاه از وضعیت طبقه کارگر در این دوران و بخصوص ساعات بلوانی کسار طاقت فرسای طبقه کارگر می پردازیم. اینک دهها سال است که طبقه کارگر در عرصه جهانی بعنوان طبقه ای مستقل ظاهر شده است و از همان اوایل پیدایش خود، مبارزه خونین این طبقه قهرمان بر علیه استثمارگران آغاز گردیده است. پس از آنکه طبقه کارگر موجود آمد، مبارزات خود را در عرصه های اقتصادی - سیاسی وایدئولوژیک به پیش برد. در عرصه اقتصادی، او برای بهبود شرایط کار و شرایط زندگی، کاهش ساعات کار، بیمه، بهداشت، مسکن و... به مبارزه پرداخت. و در عرصه سیاسی، او به نبرد برای کسب قدرت سیاسی یعنی درهم کوبیدن حاکمیت سرمایه داران و مبارزه برای تحقق حاکمیت کارگران پرداخت.

یکی از مبارزات عظیم کارگران، بیکار برای کاهش ساعات کار بود. سرمایه داران برای استثمار بیشتر تا سرحد مرگ از آنها کار می کشیدند (ما برای نمونه از کتاب کاپیتال (سرمایه) اثر دورا نسا کارل مارکس آموزگار رویشوای کبیر کارگران جهان چند مثال از استثمار تا سرحد مرگ کارگران در سالهای نزدیک به اول ماه مه میاوریم

تا نشان دهیم که چگونه طبقه کارگر جهان توانسته است در مبارزات خود طی دو قرن اخیر، سرمایه داران را مجبور کند به کاهش ساعات کارتن دهند.

"از ساعت ۳ و ۴ صبح کودکان ۹ ساله و ده ساله (شاغل در کارخانجات توری سازی) از خوابگاه جرکین خویش بیرون کشیده میشوند و مجبور میگردند برای بخور و نمیر تا ساعت ۱۱، ۱۰ و ۱۲ شب کار کنند، اعضاء بدن آنان پژمرده میشود، قاتلستان خمیده و چهره شان بهت زده میگردد."

"نیمی از کارگران کبیریت سازی پسران کمتر از ۱۳ سال و دختران کمتر از ۱۸ سالند... روزانه کاربین ۱۲ تا ۱۵ ساعت بوده است، همراه با شکاری و غذای غیرمکفی که معمولا در کارگاههای مسموم از بخار گوگرد مصرف میشده است."

"... شش نفر از ۱۹ دختر جوان کارگر بمناسبت اینکه در نتیجه کار فوق العاده بیمار شده بودند، دیگر بکار برنگشتند، برای اینکه بتوانم دیگران را بیدار نگاهدارم، مجبورم باشم به آنها داد و فریاد کنم. دتی میگوید: کودکان اغلب از شدت خستگی نمی توانستند چشمهای خود را با زنگها در بند و در واقع ما خود نیز اکثر ایزحمت چنین توانائی را داریم. لایت بورن اظهار مینماید: من ۱۳ سال دارم... در زمستان گذشته ما تا ساعت ۹ شب و زمستان قبل از آن، تا ساعت ۱۰ شب کار میکردیم. زمستان گذشته چنان پاهای محروم من دردمیکرد که نمی توانستم از فریاد کردن جلوگیری کنم. ایدن میگوید: پسریهای که اینجاست هفت سال بیش نداشت و من عادت کرده بودم که او را به هنگام آمدن و رفتن قلمدوش کرده و از برف بگذرانم. وی معمولا ۱۶ ساعت در روز کار میکرد، چه با اتفاق افتاد که من اجبارا به زانو درآدمت باه و غذا ندهم زیرا وی پهلوی ماشین خود بستهاده بود و حق نداشت آنرا ترک کند و یا از کار بیاندازد.

بدین ترتیب مادر قرن نوزده، درکنار مبارزات قهرمانانه طبقه کارگر برای کسب قدرت سیاسی و واژگون کردن حاکمیت سرمایه داران که در انقلابات ۱۸۴۸ اروپا و کمون پاریس (۱۸۷۱) شاهد هستیم. مبارزات طبقه کارگر برای کاهش ساعات کار و بهبود شرایط زندگی را نیز می بینیم! بدین ترتیب کمونیستها در آن زمان نه تنها به رهبری مبارزات طبقه کارگر

برای واژگونی سرمایه داری می برداختند و نه تنها کارل مارکس و فردریش انگلس آموزگاران کبیر طبقه کارگر در این دوران چگونگی کسب قدرت سیاسی را بدطبقه کارگر می آموختند. بلکه رهنمودهای اصولی نیز برای کاهش ساعات کار به طبقه کارگر جهان ارائه میدادند. در سپتامبر ۱۸۶۸ انترناسیونال اول بدرهبری کارل مارکس درکنگره خود درژنو، فرمان زیرخطاب به کارگران جهان صادر کرد:



۱- اخصاب کارگران کهنه (فرانسه) در سال ۱۸۷۰

"محدودیت قانونی کار روزانه نخستین شرطی است که بدون آن تلاشهای بیشتر در جهت بهبود وضع طبقه کارگر و رها شدن او با شکست روبرو میشود... کنگره، هشت ساعت کار را بعنوان حد قانونی کار روزانه پیشنهاد می نماید.

نکته قابل اینجاست که تقریبا بطور همزمان، به فاصله دو هفته، کنگره، ناحیه کارگری آمریکا و کنگره انترناسیونال اول، بدون اطلاع یکدیگر در مورد هشت ساعت کار روزانه تصمیم یکسانی میگیرند. بدین ترتیب جنبش کارگری، به فاصله هزاران کیلومتر از یکدیگر بر مبنای شرایط تولید، رهنمودی یکسان صادر میکنند و بدین ترتیب مبارزات طبقه کارگر در اروپا و آمریکا، علاوه بر بیکار برای کسب قدرت سیاسی، مسئله مبارزه برای کاهش ساعات کار تا هشت ساعت در روز را نیز در دستور کار خویش میگذازد. منتهی اگر در بیکار طبقه کارگر اروپا همانطور که در انقلابات ۱۸۴۸ اروپا و کمون پاریس شاهد هستیم، شعارهای کسب قدرت سیاسی و انقلاب سوسیالیستی و واژگونی سرمایه و... برجستگی بیشتری دارد، مبارزات طبقه کارگر آمریکا با مبارزات خونین خود برای کاهش ساعات کار، نقش خاص خویش را در بیکار طبقه کارگر جهان بر علیه سرمایه داری می یابد. مبارزات طبقه کارگر آمریکا دیرتر آغاز شده و در



در بیدادگاه سرمایه داران

بیدادگاه سرمایه داران آمریکا، از یکطرف شکوه و عظمت کارگران قهرمان اعتصابی را بیان میکرد و از سوی دیگر جنایات و ریاکاریهای سرمایه داران را برملا میساخت. دولت با دادن رشوه و اجیر کردن جاسوسان، گواهان قلبی به بیدادگاه فرستاد که شهادت دادند، به سبب راهبران جنبش اعتصابی به درون جمعیت افکنده اند. در حالیکه رهبران جنبش اعتصابی دلاورانه از منافع طبقه کارگر دفاع کرده آنها را متروغین رژیم رافشا ساختند. آنها استوار و مستحکم به محاکمه نظام سرمایه داری پرداختند.

"شهیتس" کارگر کارخانه برق و تعمیرات الکتریکی در بیدادگاه سرمایه داران گفت:

"اگر شما تصور میکنید که با جلوگیری از راهپیمایی کارگران، ندادن حق و حقوق آنان و کشتن رهبران کارگران و دارزدن ما، میتوانیید جنبش کارگران را که میلیونها نفر از مردم زحمتکش، فقیر و نیازمند و مستمندیده نجات خود را در آن جنبش می بینند، از زمین ببرد، سخت در اشتباه هستید، مراد از برزنجید، اما بدانید که شما فقط جرقه ای را با کشتن ما خاموش میکنید اما پشت سرتان، شعله ها از همه جا زبانه خواهند کشید. این شعله ها هم اکنون از میان مردم زبانه میکشند و شما نیروی خاموش کردنشان را ندارید..."

کارگردیگر "فویرا نگل" کارگر چایخانه در بیدادگاه گفت:

"کارگران اینک دریا فته اند که با اتحاد و همبستگی و مبارزه دستجمعی میتواننند بر این مشکلات پیروز شوند کارگران دریا فته اند که در اتحادشان چه قدرت بزرگی وجود دارد، برای همین است که کارفرماها با تمام قوا سعی میکنند اتحاد کارگران را بهم بزنند و راهپیمایی شان را بخون بکشند. ما کارگران جمع شدیم و خواستیم یک اتحاد حقیقی تشکیل دهیم تا با یکدیگر چندم قهرمان را بایستی بگیریم، اما حالا سرازادادگاه و زندان در آوردم. آیا این است معنی عدالت و انصاف جامعه ما." علی رغم اعتراضات و مبارزات کارگران

تعداداً اعتبارات و تظاهرات کارگری به پشتیبانی از شعارهشت ساعت کار در روز نیز افزوده میگشت و در عرض سوز و آزاری هر اساتذتی گشت.

روزنامه های سرمایه داری، این روز را از پیش روز "قیام کمونیستی" اعلام کرده و از دولت خواسته بودند انبوه کارگرانی را که در این روز به خیابانها خواهند ریخت به گلوله بزنند و رهبران آنها را به دار بیاویزند، تا دیگر کارگران جرات چنین اقداماتی را نکنند. اما تبلیغات بورژوازی مبنی بر سرکوب شدن اعتصاب کارگران کارگران را نتراساند.

۴- ماه مه ۱۸۸۶

روز اول ماه مه ۱۸۸۶، فرانسویان، اعتبارات و تظاهراتی در شهرهای نیویورک، بالتیمور، واشنگتن، دیترویت، سنت لوئیس، پیسبورگ، میلواکی، سینسیناتی رخ داد، اما مرکز اصلی اعتبارات و تظاهرات در شیکاگو بود. از چند روز پیش شهر پر از سربازان، پاسبانان و گانگسترها شده بود، صاحبان صنایع ارگانهای سرکوب رژیم و مطبوعات وابسته برای سرکوب کارگران آماده شده بودند، روزنامه های بورژوازی از مردم می خواستند که:

"هر تیر چراغ برق را با جسد آویخته یک کمونیست تزیین کنند."
"سینه یا غیاث را به گلوله بزنند و گردن رهبران آنها را با طناب اعدام بالا بکشند."

روز اول ماه مه، ۴۰ هزار کارگر در شیکاگو اعتصاب کردند و دو سه روز بعد تعداد اعتصابیون، از مرز هشتاد هزار نفر گذشت. در تظاهرات دوروز اول، کسی کشته نشد. اما در روز سوم، پلیس، کارگران بی سلاح را به گلوله بست، پنج کارگر را کشت و پنجاه کارگر را زخمی کرد. روز ۴ مه، کارگران راهپیمایی اعتراضی عظیمی برپا نهادند. یک جاسوس سرمایه داران بمبی را به میان جمعیت افکند که در نتیجه هشت پلیس و چهار کارگر کشته شدند. پلیس این بمب را بهانه قرار داده، شدیداً کارگران را به گلوله بست. هفتاد کارگر را کشت و بیش از ۱۵۰ نفر را زخمی کرد. مقامات دولتی بدنبال این جنایت رهبران جنبش اعتصابی را دستگیر کردند و پس از مدتی آنها را به بیدادگاه سرمایه داری کشتند.

حقیقت سالهای ۷۹- ۱۸۷۰ و ۸۹- ۱۸۸۰ را میتوان نقطه عطفی در مبارزات طبقه کارگر آمریکا محسوب داشت. کارگران در این سالها علیه طولانی بودن ساعات کار، کمی دستمزدها و نبود قوانین بشف کارگران و زحمتکشان با سرمایه داران درگیر شدند برای نمونه میتوان به اعتصاب عظیم کارگران راه آهن آمریکا در ۱۸۷۷ اشاره کرد. سربازان اعتصابیون را به گلوله بستند و بیش از ۳۰۰ کارگر را در جریان این اعتصاب کشتند. این مبارزات در پیکار خونین دهه هشتاد کارگران آمریکا تا شورش ریشیا ریادی گذاشت.

کارگران آمریکا سابقه سازماندهی و رهبری توسط اتحادیه های کارگری را در طی چندین سال داشتند. یکی از همین اتحادیه ها بود که به انترناسیونال اول پیوست. پس از تلاشی شدن اتحادیه سراسری کارگران (عضوانترناسیونال اول) بتدریج اتحادیه دیگری بنام "فدراسیون کارگران آمریکا" پا گرفت. این تشکیلات که در سال ۱۸۸۴، ۵۰۰۰۰ عضو داشت، همچنان معتقد بود که مبارزه برای هشت ساعت کار مسئله اصلی و گرهی پیکار کارگران آمریکاست. بدین ترتیب با یک برنامهدرآمدت در چهارمین کنگره خود در هفتم اکتبر ۱۸۸۴ اعلام داشت که:

"فدراسیون اصناف و اتحادیه های متشکل کارگری ایالات متحده و کانادا مقرر میدارند که از اول ماه مه ۱۸۸۶، هشت ساعت کار روزانه مدت قانونی کار خواهد بود و ما توصیه میکنیم که تمام تشکیلات کارگری نیز در حوزه فعالیت خود از تاریخ فوق این تصمیم را به مورد اجرا گذارند." فدراسیون که بتدریج نیرومندتر شده و کارگران بیشتری جذب آن گردیده بودند، پس از یکسال فعالیت حول شعار هشت ساعت کار در روز در کنگره ۱۸۸۵ خود تصمیم گرفت بر مبنای تصمیمگیری سال گذشته خود، یک راهپیمایی نیز در اول ماه مه ۱۸۸۶ برپا دارد

همچنانکه اول ماه مه نزدیک میشد، بر



سراسر جهان و سازمانها و احزاب انقلابی دنیا، چهار کارگر دلاور، رفقا اشیبتس، فویرا نکل، پارسوتروفیشرا عدا موعده ای دیگر زهربران جنش اعمتایی به زندان محکوم شدند. بورژوازی مزورانه چندسال پس از تیرباران آنها کوشید با عنوان کردن اینکه در جریان دادگاه، عدالت بدرستی اجرا شده و افراد دبیگناهی تیرباران شده اند، جنایاتش را بپوشاند و خود را از تیررس خشم کارگران دور بگذارد. علیرغم این سرکوب وحشیانه، نزدیک به ۵۰۰ هزار کارگر در آمریکا توانستند، حق هشت ساعت کار روزانه را بدست آورده و بقیه نیز چند ساعتی از کار هفتگیشان کاستند.

جنبش کمونیستی، اول ماه مه را روز جهانی کارگر می نامد

پس از همپاشیدن انترناسیونال اول، رهبران کارگران جهان، انترناسیونال دوم را تدارک دیدند. کنگره انترناسیونال دوم در ۱۴ ژوئیه ۱۸۸۹ که مصداف با دمین سال سقوط "باستیل" بود، در پاریس تشکیل گردید. در این کنگره که کنگره جنبش کمونیستی آن زمان بود، نمایندگان کارگران آمریکا پیشنهادی را مطرح ساختند:

"از طرف کنگره روز اول ماه مه هر سال بجا طرح کارگران شیکاگو، بنام روز کارگر در سراسر جهان اعلام گردد و در این روز کارگران تمام دنیا، هر کجا که هستند به یاد داشته باشند، معدومان و زندانیان شیکاگو مجالس یادبودی تشکیل دهند و خواسته های کارگران را مطرح سازند. تمام کارگران در این روز می توانند با تشکیل دادن اجتماعات و راهپیماییها، اتحاد خود را محکمتر کنند و صفوف خود را گسترش دهند. برای پیشرفت های سال گذشته طبقه کارگر شادمانی کنند و جشن بگیرند و برای هدفهای آینده خود برنامه ریزی کنند. خلاصه هر سال نمايشی

از اتحاد و قدرت کارگران سراسر جهان نشان داده شود... هم اکنون ما در آمریکا این روز را بنام "روز یادبود شهسادی قهرمان طبقه کارگر" نامگذاری کرده ایم. و هر سال در مقیاسی وسیعتر از سال پیش این روز را گرامی میداریم. در این روز کارگران آمریکا با هم سوگند میخورند که در دفاع از حق و حقوق خود، سرسخت تر و در مبارزه بر علیه سرمایه داری مصمم تر باشند. بیایم این روز را بنام روز طبقه کارگر روز اعتراض به ظلم و بیعدالتی، روز نشان دادن حقانیت کارگری، روز پیشرفت مبارزه علیه سرمایه داری در سراسر جهان و روز همبستگی و برادری بین المللی زحمتکشان قرار دهیم."

کنگره بین الملل دوم نیز قطعنامه زیر را تصویب کرد:

"کنگره تصمیم گرفت تظاهرات بین المللی عظیمی را سازمان دهد. بطوریکه در یکروز مضمین در همه شهرها و کشورها، توده های رنجبر کارهای روزگار را به هشت ساعت و اجرای دیگر تصمیمات کنگره پاریس (انترناسیونال دوم) را از دولتها بخواهند. از آنجائی که در فراسیون کار آمریکا در اجلاس در دسامبر ۱۸۸۸ در سنت لوئیس تصمیم به برگزاری تظاهرات مشابهی در اول ماه مه گرفته بود، این روز برای تظاهرات بین المللی پذیرفته شد. کارگران کشورهای مختلف بر طبق شرایط حاکم بر آن کشور، می بایستی این تظاهرات را سازمان بدهند."

اول ماه مه ۱۸۹۰ در بسیاری از کشورهای اروپا و آمریکا جشن گرفته شد و در آمریکا بخشی از طبقه کارگر دست به اعتصاب زد. در کنگره بعدی انترناسیونال دوم در ۱۸۹۱ (کنگره بروکسل)، در تکمیل کنگره پیشین اضافه کرد که روز اول ماه مه باید به نمایی جهت ارائه خواسته های کارگران برای بهبود شرایط کار و تامین ملح میان ملل تبدیل شود. قطعنامه تجدید نظر شده بخصوص بر اهمیت حملت طبقاتی تظاهرات اول ماه مه برای هشت ساعت کار و دیگر خواسته های که منجر به عمیق شدن مبارزه طبقاتی خواهد شد، تاکید داشت. همچنین این قطعنامه متفاضا کرد که کارگر هر کجا که ممکن باشد "متوقف شود. اما اپورتونیستهای انترناسیونال دوم (بخصوص حزب کارگر انگلستان) با پیشنهاد شروط اعتصاب شدید مخالفت کرده و کوشیدند تظاهرات اول ماه مه را به اولین یکشنبه بعد از ماه

مه (که تعطیل بود) موکول کنند. با لایحه کمونیستها در کنگره پاریس (۱۹۰۰) اپورتونیستها را شکست داده و دستور توقف کار در این روز به همراه تظاهرات صادر شد.

بدین ترتیب اول ماه مه، به روز "سرخ"، روز کارگران جهان علیه سرمایه داری جهانی بدل گردید.

روز اول ماه مه، یک روز کاملاً سیاسی و بیالتر منافع تاریخی طبقه کارگر است

اکنون در سراسر جهان، روز اول ماه مه جشن گرفته میشود. گرچه ابتدا، تنها جنبش کمونیستی بود که به برگزاری تظاهرات این روز بزرگ می پرداخت، اما اینک ضمن اینکه امپریالیسم و ارتجاع در سراسر جهان به سرکوب کمونیستها و انقلابیونی که به برگزاری این روز می پردازند، مبادرت میکنند، ما برای عوام مغربیه و آنجا که گرامی تظاهرات این روز مورد استقبال توده ها است، به رسمی کردن تعطیلی اول ماه مه و حتی برگزاری تظاهرات و میتینگها نیز می پردازد. رژیمهای ارتجاعی و سرمایه داری نیز در این روز شکستهای می ریزند. اپورتونیستها و ریبزیونیستها نیز برای خدمت به بورژوازی در این روز آستینها را بالا میزنند و میکوشند با طرح خواسته های اقتصادی و قابل قبول بورژوازی، از تمام طبقه کارگر با منافع بورژوازی جلوگیری کنند. اما از نظر کمونیستها، مضمون جشن اول ماه مه مضمونی کاملاً انقلابی است. درست است که این روز به منبانی مبارزات طبقه کارگر آمریکا برای هشت ساعت کار روزانه در نظر گرفته شد، اما جنبش جهانی کمونیستی این روز را بعنوان روز بیان اراده پرولتاریا برای انقلاب و نابودی طبقات نامیده است. در کنگره ۱۸۹۳ انترناسیونال دوم در زوریخ که فریدریش انگلس آموزگار کبیر و پیشوای کارگران جهان نیز در آن حضور داشت، قطعنامه تکمیلی زیر در مورد اول ماه مه افزوده گردید:

"تظاهرات اول ماه مه بجا طرح هشت ساعت کار روزانه، باید ضمن نمایانگری اراده ی قاطع طبقه کارگر برای نابودی تمام طبقاتی از طریق دگرگونی اجتماعی باشد."

تاریخچه برگزاری اول ماه مه در ایران

طبقه کارگر قهرمان ایران نیز هم -
دوش با کارگران جهان در طی سالها سلطه
حکومت‌های ننگین شاهنشاهی کوشید تا
همبستگی خویش را با کارگران جهان
در روز اول ماه مه جشن بگیرد.

با شکلگیری حزب کمونیست ایران به
رهبری رفیق حیدرخان عمو و غلّسی و
تشکیل اتحادیه‌های کارگری، برای اولین
بار در ۶۲ سال پیش، یعنی در ۱۱ اردیبهشت
۱۲۹۹، هزاران کارگرد در تهران و چند شهر
دیگر، اول ماه مه را با شکره بسیار جشن
گرفتند. این مراسم را "شورای مرکزی
اتحادیه کارگران" که از ۱۵ اتحادیه
کارگری بوجود آمده وزیر رهبری حزب
کمونیست ایران قرار داشت، برپا داشته
بودند.

علیرغم ترور و خفقان حکومت رضاخان
قلدر و علیرغم ممنوعیت برگزاری جشن اول
ماه مه، کارگران قهرمان ایران در سال
۱۳۰۷، مخفیانه مبارزت به برگزاری جشن
اول ماه مه کردند. در تهران ۸۰۰ نفر در
باغی واقع در دروازه دولت تهران گرد
آمدند و با سرودهای انقلابی بر لزوم
اتحاد و یکپارچگی طبقه کارگری افسردند
همچنین کارگران مشهد در کوهسنگی و
کارگران تبریز در کوههای اطراف تبریز

اقتصادی در چهار رجب مورد قبول بورژوازی
بدل کرده اند. در حالی که ما کمونیست‌ها به
قطعنامه اولین تظاهرات کارگری به
مناسبت اول ماه مه، یعنی تظاهرات
کارگران آمریکا در اول ماه مه ۱۸۹۰، در
"میدان اتحاد نیویورک وفا داریم که:
"ما همزمان با مبارزه در راه برقراری
هشت ساعت کار روزانه هدف نهایی خود را
که برانداختن نظام مزدوری سرمایه داری
است از یاد نخواهیم برد."

در اجرای همین سیاست کمونیست‌ها در
زمان جنگ جهانی اول، شعار نیست با
جنگ را به شعار اول ماه مه بدل کردند و
لیکنخت اول ماه مه ۱۹۱۶ را در آلمان با
همین شعار برگزار کردند و در خلال جنگ دوم
جهانی نیز اول ماه مه با شعارهای بر -
علیه فاشیسم در سراسر جهان برگزار شد.
بدین ترتیب کمونیست‌ها مرز خویش را
با سرمایه داران و همه رویزونیست‌ها و
اپورتونیست‌ها در برگزاری اول ماه مه
با طرح شعارهای سیاسی بر علیه طبقات
ارتجاعی و استثمارگر مشخص میکنند، چرا
که نیروهای ارتجاعی میکوشند شعارهای
اول ماه مه را با شعارهای اقتصادی مورد
قبول بورژوازی به بندکشند.

روز اول ماه مه، روز مبارزه طبقه کارگر
با سرمایه داری جهانی است. روز همبستگی
کارگران جهان است. روز فریاد دنا بود
با طبقات ارتجاعی، فریاد دزنده با
سوسیالیست است.



به همین خاطر است که لنین نیز با طرح
مسائل جزئی اقتصادی در اول ماه مه
مخالفت کرده، این روز را بعنوان روز
مخبر طبقه کارگر با صف مستقل خویش و با
شعارهای طبقاتی خود، جشن میگيرد.
شعارهایی که لنین در ۱۹۰۴ برای اول ماه
مه طرح میکند عبارتند از:

زنده باد هشت ساعت کار در روز!
زنده باد دسویال دمکراسی انقلابی
بین المللی!
نا بود با دزدان مگی جنایت آمیز و
چپا ولگرتزاری!

و شعارهایی که در اول ماه مه ۱۹۱۷ (قبل
از انقلاب اکتبر) مطرح میکند، عبارتند از:
درود بر اول ماه مه!

درود بر برادری ملت‌ها (این شعار،
شعاری بر ضد جنگ امپریالیستی است)
درود بر انقلاب سوسیالیستی!

لنین در اثر دیگرش در مورد اول ماه
مه یعنی "روزهای ماه مه در خاکرف" که در
نوامبر سال ۱۹۰۰ نوشته است، تظاهرات
اول ماه مه را پیکاری سرکوبناپذیر
می نامد و معتقد است:

"این پیکار برای آزادی سیاسی مردم
روسیه و در نتیجه برای فرصتی تازه
برای تکامل طبقاتی پرولتاریا و
مبارزه آشکارش به خاطر سوسیالیسم
خواهد بود."

لنین در همین اثر رهبران حزب
خاکرف را از طرح خواسته‌های جزئی اقتصادی
در این روز بر حذر میدارد و به این خاطر
آنها را سرزنش میکند، زیرا نمی خواهد که
سرشت سیاسی روز اول ماه مه بهیچوجه
برده‌پوشی شود.

آری اول ماه مه از دیدگاه کمونیست‌ها
همواره با هدف انقلاب و واژگونی سرمایه
برگزار میشود و نه با دیدگاهی رفرمیستی
و رویزیونیستی. رویزیونیست‌ها در سراسر
جهان اول ماه مه را به روز طرح خواسته‌های



۳- تظاهرات نیروهای کمونیست. اول ماه مه ۱۳۵۹

گرامی باد اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت) روز همبستگی جهانی کارگران



بطور مخفیانه جشن اول ماه مه را در این سال برگزار کردند.

در سال ۱۳۰۸ که "جمعیت کارگران نفت جنوب" بوجود آمده و نتوانسته بود کارگران نفت را بسیج و متشکل کند، کارگران تصمیم گرفتند اول ماه مه را با یک اعتصاب عمومی جشن بگیرند. جاسوسان شرکت نفت قهبره را به رژیم رضا شاه خائن اطلاع دادند و در نتیجه رضا شاه خائن برای جلوگیری از برگزاری اعتصاب عمومی، ۲۳ نفر از نمایندگان کارگران را زندانی کرد. اما کارگران با همبستگی خود در روز اول ماه مه دست به یک اعتصاب بکبار زدند و آن را سه روز تمام ادامه دادند. نیروهای نظامی رضا شاه مزدور به اعتصابیون حمله - ورشده و ۱۵۰ نفر از کارگران را زخمی و ۲۰۰ نفر را دستگیر و ۵۰۰ نفر را نیز آماج کردند.

در سال ۱۳۱۰ کارگران اصفهان، نظایراتی در روز کارگران انجام دادند و با شعار "زنده باد اتحاد جماهیر کارگران ایران" در خیابان چهارباغ اصفهان به راهپیمایی پرداختند.

با قلع و قمع حزب کمونیست ایران و استقرار دیکتاتوری سیاه رضا خانسی تا سال ۱۳۲۰ کارگران ایران نتوانستند به برگزاری جشن اول ماه مه بنپردازند. رهبران اتحادیه های کارگری به زندانها افکنده شدند و نهضت سوده ای شدیداً سرکوب گردیده بود. با رفتن رضاشاه خائن و جوی که بر اثر جنگ جهانی دوم و پیاده روی کارآمدن مدق از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۲۲ در ایران بوجود آمده بود، کارگران ایران با شدت بخشیدن به مبارزات خویش بر علیه امپریالیسم و ارتجاع، به برگزاری مراسم اول ماه مه پرداختند. در این میان کارگران نفت جنوب، بعنوان پیشروترین کارگران ایران نقش برجسته ای داشتند. پرافتخارترین مراسم کارگری این دوران جشن عظیم و پرشکوه اول ماه مه ۱۳۲۵ در جنوب بود که ۸۰ هزار کارگر صنعت نفت دست به نظایراتی بزرگ زده و قسدرت

همبستگی و اتحاد طبقه ای خود را نمایاندند پس از کودتای آمریکا طی ۲۸ مرداد، کارگران مبارز و انقلابی تنها در دستجاتی چند نفره بطور مخفیانه مبارزت به برگزاری جشن اول ماه مه میکردند.

با سرنگونی رژیم شاه خائن توسط توده های دلاورمیهن که با قدرت لایزال کارگران و زحمتکشان ایران عملی شده بود، کارگران همچنان تحت فشار استعمار و سرکوب سرمایه داران که با زهم قدرت را در دست داشتند ماندند. اما انقلاب آنچنان نیرومند بود که علیرغم سرکوبهای جمهوری اسلامی، مبارزه در سراسر ایران علیه سرمایه داری و وابسته ادا مداشت. در اول ماه مه ۱۳۵۸، دو نیرو مبارزت به برگزاری اول ماه مه کردند. یکی رژیم جمهوری اسلامی به همراهی همه نوکرانش و از جمله خائنین حزب توده بود. و دیگری نیروهای



۲- اولین مراسم اول ماه مه پس از قیام بهمن

کمونیست و انقلابی. صف عظیم کارگران و زحمتکشان و نیروهای انقلابی در این روز در تاریخ ایران بی سابقه بود. نزدیک به ۵۰۰ هزار نفر در تهران از جلوی خانه کارگر که در آن زمان در اختیار کارگران انقلابی و کمونیست بود، حرکت کردند و با رژه ای با شکوه قدرت عظیم طبقه کارگر و نیروهای کمونیست را به نمایش گذاشتند. صف انقلاب در این روز آنچنان عظیم و با شکوه بود که اوباشان و چماقداران ارتجاع نتوانستند علیرغم حملات خود به صف تظاهرات کنندگان، کوچکترین خدشهای به عظمت این روز وارد آورند. گرچه بعلمت انحرافات حاکم برجانبش کمونیستی، شعارها، پلاکاردها و قطعنامه تظاهرات دارای اشکالات و انحرافات مشخص بخصوص در ارتباط با هیئت حاکمه بود و هنوز جنبش کمونیستی

دیدگاه درستی نسبت به قدرت سیاسی حاکم نداشت، اما بهر حال تشکیل صف مستقل در این روز، آنهم با آن تعداد عظیم، برای همیشه در تاریخ میهن ما بیادگار خواهد ماند. در دیگر شهرها نیز در همین سال نظایرات کارگری برهبری نیروهای انقلابی و کمونیست برگزار شد که نظایرات کارگران آبادان بخاطر شرکت چندین هزار کارگر دارای اهمیت برجسته ای بود. اول ماه مه ۱۳۵۹ نیز با نظایرات

نیروهای انقلابی و کمونیست همراه بود. اما در این روزمانند سال گذشته یک صف عظیم و پرشکوه پدیدار نگردید و عظمت سال گذشته تکرار نشد. سازمان چریکهای فدائی خلق بطور جداگانه و سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر، سازمان رزمندگان آزادی طبقه کارگر و کارگران مشترک در این روز دست به راهپیمایی و میتینگ زدند و روزجهانی کارگران را جشن گرفتند.

امسال در شرایطی که کارگران قهرمان ایران به استقبال جشن جهانی خویش میروند که بیشتر و بیشتر رژیم جمهوری اسلامی را شناخته و از آن روی برمیگرداند اکنون طبقه کارگر ایران بیش از هر زمان دیگر در می یابد که با بستن با مسلح شدن به آگاهی طبقاتی در تشکیلات مدافع کارگران یعنی سازمانهای کمونیستی گرد آمده و در جهت رهبری انقلاب ونا بودی سرمایه داری و وابسته گام بردارد.

بدین ترتیب کارگران ایران در جشن اول ماه مه امسال می با بستن شکوه و عظمت قدرت طبقاتی خویش را به نمایش بگذارند و با هر چه با شکوه تر برگزار کردند این جشن، صف مستقل خویش را جلوه گرازانند. بکوشیم با بسیج و سازماندهی کارگران میهنمان، با طرح شعارهای بیانگر حضور مستقل طبقه کارگر و بیانگر منافع تاریخی آن، روز اول ماه مه امسال را هر چه با شکوه تر برگزار کنیم!

درود بر اول ماه مه!

درود بر طبقه کارگر جهان!

درود بر ما رگسیم - لنینیسم،

یگانه ایدئولوژی طبقه کارگر!

مستحکم باد همبستگی جهانی

طبقه کارگر!

نا بودیاد سرمایه داری جهانی!

زنده باد دوسویالیسم!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۳۶۰/۱/۱۵

مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان اوج میگردد!

در جهان کنونی گرایش اصلی را رشد مبارزه طبقاتی و انقلاب تشکیل میدهد. بحران، جهان سرما به داری را فرا گرفته و تقاضای طبقاتی و توسعه مبارزه طبقاتی و ملی علیه بورژوازی و امپریالیسم به مرحله جدیدی از تکامل خود دست یافته است. این مبارزات اگر چه زیور کوب بورژوازی و امپریالیسم بطور روزافزون در سطح و عمق اعتلا میابد، لیکن از نقطه نظر رهبری شدیداً در ضعف میباشند. وضعیت ذهنی جنبش بین المللی کارگرو جنبشهای ملی جدید آلوده به رویزیونیسم و فرمیسم بوده و آنجا که ظرفیت انقلابی بالفعل بر خوردارتند، فاقد رهبری پرولتاریائی میباشند. این واقعیت مانع از آن میگردد که جنبشهای کارگری به تعرض انقلابی علیه بورژوازی دست زده و بسوی تصرف قدرت سیاسی حرکت کنند و بسایر جنبشهای آزادیبخش راستین در جهت نابودی قطعی امپریالیسم تحت هر شکلی. ایجاد دینامیسم، فقدان رهبری مارکسیستی - لنینیستی نیرومند در عرصه جهانی منجر به گشته که جنبشهای کارگری در چهار رجب مناسبات بورژوازی محدود مانده و با جنبشهای آزادیبخش در نیمه راه به سازش با ضد انقلاب در غلتند. به این لحاظ در برابر مارکسیست لنینیستهای سراسر جهان وظایف عظیمی قرار دارد. آنان برای آنکه بتوانند به تکلیف طبقه کارگر و خلقهای جهان انقلاب را به سرانجام برسانند و بسوی مبارزات مستقر سازند، باید رویزیونیسم ضد انقلابی را هر چه وسیعتر افشا نموده و توده ها را بر اساس یک مبنی مارکسیستی - لنینیستی بسیج کرده و سرنگونی بورژوازی را وسیعاً تدارک بینند در سطح بین المللی اگر چه هر چه بیشتر شرایط عینی در جهت انقلاب تحول میباید در وجه به اعتراض و معیان و مبارزه در توده های میلیونی پیش از پیش بیدار میشود، اما تا زمانی که این بیداری با مارکسیسم - لنینیسم در دنیا میزد، علیه غمضات گسترده ای که میتوانند بر ضد انقلاب وارد سازند، نمیتوانند به پیروزی قطعی منتهی گردند. مسلماً اگر چنانچه شرایط ذهنی یعنی احزاب و سازمانهای کمونیستی در ضعف قرار نمی داشتند، مبارزات کنونی از نظر عمق و سطح به درجات بسیار بقای ارتقاء یافته بود، اما هم اکنون نیز به سبب شدت فشار ستمگرمی و استقامت بورژوازی و امپریالیستها و بسویال امپریالیستها مبارزات پرولتاریا و خلقهای جهان همچنان به اوجگیری خود ادامه میدهد.



آمریکا -

چندی پیش معدنچیان، در شش ایالات آمریکا برای افزایش حقوق خود دست به اعتصاب زدند. در این اعتصاب ۱۱ هزار کارگر شرکت نموده و علیرغم فشارهای پلیس بورژوازی، کارگران همچنان به مبارزه خود ادامه میدهند. سال گذشته اعتصاب معدنچیان آمریکا ۱۰۱ روز به طول انجامید. علاوه بر چندی بیش زحمتکشان حمل و نقل در فیلادلفیا جهت افزایش دستمزد خود و آموزگاران ایالت ها بوعلیه سیستم آموزشی ارتجاعی و برای افزایش حقوق خود دست به اعتصاب زدند. در آمریکا علیرغم عدم وجود حزب کمونیستی قدرتمند، کارگران زیر فشار انحصارات امپریالیستی به مبارزه خود ادامه میدهند. و این امر تبلیغات امپریالیستها مبنی بر "صلح تحت حکومت بورژوازی" را رسوا میسازد.

ایتالیا -

در هفته گذشته سی هزار کارگر ایتالیائی برای اعتراض به کاهش ارزش لیر، تحمیل محدودیتهای اعتباری و عدم تکلیف افزایش حقوق، دست به راهپیمائی زنده و سپس بیست هزار نفر از کشتزاران ایتالیائی با خواست افزایش بهای فرآورده های کشاورزی، در مرکز شهر رم به راهپیمائی اعتراضی آمیز دست زدند. در حال حاضر ایتالیائیهای تریترین کشور اروپای غربی است. تورم و گرانی شدید، کارگران و دهقانان زحمتکش را تحت فشار گذاشته و آنها را به مبارزات گسترده تری کشانده است. بورژوازی، نتوان از رفع بحران سیستم، در همان زمان که فشار پلیس امپریالیستی را بروی توده های بطور وسیع وارد می نماید، بخشهای مختلف نمایندگان سرمایه داری را به مشارکت در قدرت جهت حل معضلات فراخوانده است. در حال حاضر دولت ائتلافی "ارنا لدو فورلانی"، از احزاب "دمکرات مسیحی"، "سوسیالیست"، "سوسیال دمکرات" و "جمهوری خواهان" متشکل شده است. بدین ترتیب اکثر نمایندگان سیاسی بورژوازی، برای مقابله با اوجگیری مبارزه طبقاتی، در دولت ائتلافی قرار گرفته و به توطئه علیه جنبش مشغولند. در روند بعدی این امکان کاملاً محتمل است که بورژوازی - رویزیونیستهاي خائن حُزب

"کمونیست" ایتالیائیها به رهبری برلینگوئر، در قدرت سهمگین برد. برای بورژوازی شرکت دادن رویزیونیستهاي خیانکار را ایتالیائی در دولت ما نور قدرتمندی جهت به انحراف کشتادن جنبش توده ها و پائین کشیدن دامنه آن بشمار می آید. اما حقیقت این است که بحران کمونیستی ایتالیائی، یک بحران ساختی است و کوششهای هیچکدام از بخشهای ضد انقلاب و زجمله رویزیونیستها نمیتوانند در شدت توسعه مبارزه طبقاتی و انقلاب را سد نمایند.

انگلستان -

از سه ماه پیش، موج جدیدی از اعتصابات کارگری سراسر انگلستان را دربر گرفته است. اعتصاب کارگران معادن ذغال سنگ، در اعتراض به بستن معادن قدیمی و بیگانه شدن آنها و اعتصاب کارگران و کارکنان بنا در شمال شرقی انگلستان نمونه هایی از این اعتصابات هستند. در حال حاضر انگلستان شدیداً در بحران فرورفته و تورم و گرانی، شدیداً زندگی کارگران را وخیم تر ساخته و روحیه اعتراضی و مبارزاتی را در آنان ارتقاء بخشیده است. اما متأسفانه هیچ شکل کمونیستی قوی در میان کارگران نفوذ ندارد و بخش مهمی از کارگران تحت نفوذ نیروئی امپریالیستی مانند "حزب کارگر" قرار دارند. این حزب بیوسسته کوشیده است تا از مبارزات کارگران سوء استفاده نموده و آنرا وسیله ای جهت به عقب راندن جناح امپریالیستی دیگری یعنی "حزب محافظه کار" قرار دهد. اما باید اذعان نمود که کارگران، تحت ستم روزافزون انحصارات و علیرغم خواست رهبران بورژوازی - فرمیست و فاسد سندیکی، بطور خود بخودی به مقاومت بیشتری دست زده و خواهان شدت عمل وسیعتری علیه بورژوازی میباشند. به منظور مقابله با اوجگیری مبارزات کارگری و مهار کردن جنبش توده های کارگری که "حزب کارگر" را به کناره ریزش رسانده، اخیراً عده ای از نمایندگان "حزب کارگر" انشعبا کرده و حزب امپریالیستی تازه بنام "حزب سوسیال دمکرات" بوجود آورده اند. برای شناختن این حزب ارتجاعی کافی است برخی از رهبران امپریالیست آنرا بشناسیم: ژرژ جنکینز "سالیها نما بنده پارلمان انگلیس و زوزری کابینه قبلی"، "دوبودون" وزیر خارجه سابق انگلیس "شرلی ویلیامز" وزیر سابق آموزش و پرورش کابینه "حزب کارگر" آری اینان همان نندرهبران "حزب کارگر" نه رهبران طبقه کارگر، بلکه رهبرانی امپریالیست و دشمن طبقه کارگرمی باشند و تا زمانیکه طبقه کارگران نیروهای متعفن و گندیده را از خود دور سازد و بسویالیم ممکن نیست.

یوگسلاوی -

در هفته گذشته توده های شهری و بخصوص دانشجویان ایالت "کوسوو"، به نظر هرات اعتراض آمیز گسترده ای دست زدند. این نظارات دومین نظاراتی است که در ایالت



"فراخولن کمکهای مالی جهت افزایش تیراژ پیکار"

تکنیکی سازمان در این زمینه است که منافسه علیرغم کوششهای ما حمایت و کمکهای مالی ای که از سوی شما بدست ما میرسد و بدلیل گرانسی کاغذ، چاپ و محدودیتهای فراوانی که از سوی رژیم جمهوری اسلامی در چاپ و انتشار اینگونه موارد به ما تحمیل میشود، تاکنون نتوانسته ایم با سخگوی شیاهای فزاینده حبش و ضرورت افزایش تیراژ پیکار روبرو سازد آن به سریعترین شکل ممکن بدست خوانندگان با شیم.

در رابطه با چنین مشکلی ما تصمیم به ایجاد تحول و دگرگونی ای در جهت بالا بردن قابل توجه تیراژ پیکار روبرو سازد هر چه سریعتر آن بدست خوانندگان هستیم و این میسر نمیشود مگر با تامین بودجه نسبتا بالای مالی که الزامی می باشد از طریق کلیه رفقای اعضا و هواداران و کارگران و زحمتکشان و توده های آگاه و انقلابی خلق ما جمع آوری و فراهم شود.

از اینرو ما بنا کید خاص، از تمامی رفقا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخواهیم که با بسیج امکانات خود در این زمینه، سازمان را در امر پاسخ به نیازهای حبش طبقه کارگر و توده های باری دهند. این کمک باید در فرصت زمانی هر چه کوتاهتر و هم میزان هر چه بیشتر تامین شود. این کمک باید بطور خاص و جداگانه از سایر کمک های مالی و صرفا بمنظور افزایش تیراژ پیکار و تسهیل توزیع و پخش آن احاطه گیرد. از اینرو از کلیه رفقا، اعضا و هواداران و خوانندگان پیکار میخواهیم که کمکهای مالی خود را در این باره تحت عنوان "کمک برای افزایش تیراژ نشریه پیکار" برای سازمان ارسال دارند.

به امید افزایش هر چه وسیعتر تیراژ پیکار و رساندن هر چه سریعتر آن به خوانندگان! پیروز باشید!

کمیته مرکزی سازمان پیکار در آزادی طبقه کارگر

۱۳۴۰/۱/۱۵

هما نظور که با رها توضیح داده ایم، امر تبلیغ یکی از مهمترین و اساسی ترین وظایف کمونیستها، به ویژه در شرایط اعلان کسوف جنبش توده ای است. در شرایطی که رژیم جمهوری اسلامی با در اختیار داشتن امکانات وسیع تبلیغاتی علیه کمونیستها و آرمان و آلهی آنها لجن پراکنی کرده و بطور گسترده ای دست به عوامفریبی و تحمیل توده ها میزند، در شرایطی که رویبونیست های خائن، این نوکران بورژوازی، سنکلی گسترده و فعال میکوشند تا توده ها را وادار به تسلیم در برابر سرورژوازی نمایند، در شرایطی که توده های وسیع طبقه کارگر و زحمتکشان قادر اکثریت خود را آگاهی طبقاتی برخوردار نمیشود و نسبت به ماهیت رژیم جمهوری اسلامی دچار توهم و خوشامیوری هستند، در شرایطی که مارکسیستی توده های زحمتکش نسبت به وضعیت زندگی و شرایط سیاسی حاکم در حال افزایش و گسترش است و مبارزات آنها علیه سرمایه داران و رژیم سیاسی موجود در حال توسعه و اعتلای فزاینده است، نقش تبلیغ سوسیالیستی و دمکراتیکه بیش از هر موقع دیگری توسط کمونیستها بر حتمه تر میشود این مسئله تا آنجا که به سازمان بر میگردد تا تکلیف حمایتی و کمکهای شما تاکنون کوشیده ایم در چهارچوب امکانات و مقدرات خود به این وظیفه مهم پاسخ گوئیم. نشریه پیکار که هم اکنون صد مین شماره آن در اختیار شماست، یکی از ابزارها و وسایلی تبلیغی سازمان و بدون تردید مهمترین آن بوده و هست. ما در طول این دو سال سعی کرده ایم، این نشریه را علیرغم تمام مسائلات و کاستی ها و تا آنجا که در توان داریم هر چه گسترده تر و وسیعتر بدست کارگران، زحمتکشان و توده های آگاه خلق برسانیم. اما واقعیت این است که این کوشش ما همواره با مشکلات و موانع جدی روبرو بوده است برخی از این مشکلات ناشی از محدودیت امکانات مالی و

ایالت بولگلاوی در ماه جاری روی میدهد. در این تلاشها هر ات ضد دولتی، تعداد زیادی زخمی شده و افراد بسیاری توسط پلیس فاشیست رژیم دستگیر و زندانی گشته اند. مردم با لکتکوسوا" بیشتر دارای منشأ آلبانی میباشند و از دیرباز توسط رژیم سرمایه داری ورتجائی تتو حاشن و جاشینا نش مورد سرکوب قرار گرفته اند. توده های آلبانی که در این ایالت مقیم میباشند، پیوسته به سبب سیاست توسعه طلبانه و شوونیستی رژیم حاکم، مورد کشتار واقع شده و امروزه در شرایط شدید نا امنی با اقتصاد و سیاسی به سر میبرند در همین ایالت از زمان روی کار آمدن دارو - دسته تتو تعداد بسیاری از کمونیستها را ستین و آزار دیدگان به زندان افتاده و قتل عام گشته اند. و مبارزات کنونی، ادامه مبارزات کلتی آلبانی در این کشور و کل خلقهای تحت ستم بولگلاوی علیه بورژوا - رویونیستهای مرتجع میباشد.

السالوادور -

مبارزات دلیرانه خلق السالوادور علیه امپریالیسم آمریکا و نوکران داخلی اش همچنان ادامه دارد. در حال حاضر سرانقلاب ضربات سهمگینی به رژیم وابسته حاکم وارد شده و او را مجبور ساخته تا برای حفظ حیات نگین اش کمکهای نظامی - اقتصادی گسترده ای از آمریکا بگیرد. اخیرا امپریالیسم جانیکار آمریکا نیز سلاحهای جدیدی به رژیم حاکم داده و برای سرکوب انقلاب اقدام به گسیل قوای نظامی به السالوادور کرده است. آمریکای نیچکار هنوز از ویتنام درس نگرفته و در سیاست تازه ای است. آمریکا به کمک رژیم جلاد السالوادور، از سال گذشته تاکنون، بیش از سیصد هزار کمونیست و آزادیخواه و توده های مبارز را قتل عام کرده است. مردوران حکومتی فقط از اول ژانویه امسال تاکنون ۵۳۰۰ نفر را ترور نموده و هزاران آزادیخواه و کمونیست را به زندان افکنده و مورد شکنجه های وحشیانه خود قرار داده اند. این جلادان، زندانیان سیاسی را با اسید سولفوریک سوزانده و سپس آنها را به گلوله می بندند. در کنار این سرکوب وحشیانه، امپریالیسم آمریکا با واسطه گیری سوسیال دمکراتهای امپریالیست آلمان میکوشند تا با سازش با نیروهای لیبرال و سازشکار السالوادور جنبش خلق را به سازش بکشاند. این توطئه بزرگی است که خلق قهرمان السالوادور باید با آن به مبارزه فداکارانه برخیزند و پرچم انقلاب را همچنان در اهتزاز نگه دارند.

لهستان -

مبارزات کارگری همچنان به اوچگیری خود ادامه میدهد و بحران سرمایه داری لهستان را فرا گرفته است. ما تحلیل و قانع لهستان را در هفته آینده درج خواهیم نمود.

پرسشنامه شورای پاکسازی، یادآور پرسشنامه های ساواک

تلویزیون و کسانیکه بهنگام اخراج کارکنان مبارزین سازمان، به حمایت از اخراجیون برخاسته بودند، شما شایکند تا آنها را منقول "پاکسازی" شما بند. از جمله اهداف این پرسشنامه این است که رژیم جمهوری اسلامی مدافعین و مخالفین خود را طرح سئوال "نظر شما در مورد انقلاب چیست"، شما شایکند و حرکات انقلابی کسانیکه در برابر سیاستهای ارتجاعی رژیم تسلیم نمی شوند کنترل کرده و سرکوب نیروهای انقلابی درون سازمان بدست زندان از سوی دیگر با ابقا، مدافعین آنها را برای اجرای اهداف شکنج خود، سازماندهی نماید. اما رژیم جمهوری اسلامی با سگونه تفتیش عقاید هم طرفی نخواهد بست و ادامه مبارزات کارکنان انقلابی و مبارزان مشت محکمی است برپروژه عمال رژیم جمهوری اسلامی.

کارکنان مبارز را دیوبولویزیون در نشریه ۲۲ بهمن (۲) پرسشنامه ای را افشا کرده اند که از سوی "شورای پاکسازی" در اختیار کارکنان را دیوبولویزیون گذاشته شده است. این پرسشنامه - نامه حاوی سئوالاتی است که شما میبدهد چگونه دست اندرکاران جمهوری اسلامی ارتشیه ساواک محمد زاشاهی را با اسید آرنده و چه سان به تفتیش عقاید می بردند از جمله سئوالات چنین است: "۴- چند نفر از همکاران شما اخراج شده اند و چه دلیل - آیا هنوز آنها را می بینید - آنها چکار میکنند". "۱۰- نظر شما در مورد انقلاب چیست؟" "۱۲- باند های موجود در سطح سازمان را می بینید؟ در صورتیکه جواب مثبت است آنها را نام برده و توضیح دهید". عمال رژیم جمهوری اسلامی با طرح اینگونه سئوالات میخواهند عناصر مبارزان را دلسو

پیرامون شعار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها"

برخی از رفقا پرسیده اند: آیا این شعار به معنی درامان نگه داشتن خرده بورژوازی مرفه سنتی از زیر تیغ انقلاب نیست؟ در جواب باید بگوئیم که اولاً زمانیکه علیه حزب جمهوری اسلامی شعار میدهیم، این امر نه تنها شامل جناح بورژوازی آن که هژمونی دارد، بلکه شامل جناح خرده بورژوازی آن نیز میشود. چه همانطور که رفقا میدانند ما به وجود جناحی از خرده بورژوازی مرفه سنتی در حزب معتقدیم. ثانیاً، جناح خرده بورژوازی مرفه سنتی خارج از حزب (خمینی، منتظری، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، ...) نیز در اساس از لحاظ گرایش و وابسته به حزب میباشند و در حقیقت اساسی ترین سیاستهای آنان توسط حزب تعیین میگردد. بدین ترتیب زمانیکه "علیه حزب جمهوری" شعار میدهیم نه تنها شامل خود حزب و جناحین متغایرت آن، بلکه شامل کلیه وابستگان سیاسی - ایدئولوژیک آنان نظیر سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، خمینی، منتظری و... نیز میشود. این مسأله در مورد وابستگان - سیاسی ایدئولوژی که پشت سر لیبرالها گرد آمده اند نیز صدق دارد. در حقیقت شعار "علیه حزب جمهوری، علیه لیبرالها" از یک سو بیانگر نفی آلترنا تیف های مستقل بوجود آمده کمیته (خرده بورژوازی مرفه سنتی که پشت سر حزب گرد آمده است، آلترنا تیفو مستقلی را در جنبش ارائه نمیداد) و از طرف دیگر بیانگر ضرورت درهم شکستن قهری کلیت ما شهن دولت (شامل دولتی و جناح) و نه نفی رفرمیستی سگ، جناح میباشند.

قسمتی از نامه مادر کمونیست شهید محمود ابلاخیان

برای رفقای محمود (رضا)
من مادری هستم که با رنج و زحمت زیاد دیده ها میرا بزرگ کرده ام و آرزویم این بوده که همه آنها خوشبخت باشند من میخواستم که بچه هایم دکترو مهندسان و دبیر شوند اما آنها نتوانستند بلکه شروع به مبارزه با دشمنان مردم کردند یعنی با رژیم شاه و آمریکا و بقیه سرمایه داران آنها بخاطر اینکه مردم در یک جامعه خوب و آزاد زندگی کنند مبارزه میکنند. محمود هم همه زندگی و جانش را در راه مبارزه اش فدا کرد من نمی دانستم که او در کردستان و بخاطر مردم زحمتکش کردمی جنگ داد اما هر وقت که به برو جرمی مسداز دستهای پینه بسته اش معلوم بود که برای مردم زحمتکش کار میکند. حالا که در راه زحمتکش بدست حزب ضد مردمی دمکرات شهید شد میفهمم که او چقدر مردم را دوست داشت من آن روز داختم که او عهد نزد خانوادهاش بیاید... اما دشمنان او و دشمنان مردم نخواهند و نگذاشتند که او



زنده بماند و با زهم مبارزه کند. من اگر چه ار شهادت بستم بسیار ناراحتام اما میدانم که او در قلب زقایش و در قلب مردمی که او و ایرایشان کارومبارزه کرد بخصوص مردم کردستان همیشه زنده است و انتقامش را آنها خواهند گرفت. مادر محمود ابلاخیان

برای رفقای جمهوری
من مادری هستم که با رنج و زحمت زیاد بچه هایم را بزرگ کرده ام و آرزویم این بوده که همه آنها خوشبخت باشند من می خواستم که بچه هایم دکترو مهندسان و دبیر شوند اما آنها نتوانستند بلکه شروع به مبارزه با دشمنان مردم کردند یعنی با رژیم شاه و آمریکا و بقیه سرمایه داران آنها بخاطر اینکه مردم در یک جامعه خوب و آزاد زندگی کنند مبارزه میکنند. محمود هم همه زندگی و جانش را در راه مبارزه اش فدا کرد

مادر عزیز! ما نیز ایمان داریم که خسون کمونیستها، بی جهت بر زمین نریخته و در واقع نهال انقلاب توده ها و در را س آنها طبقه کارگر را بارور میسازد. پسر قهرمان توور فیک کمونیست ما، محمود، یکی از هزاران هزار کمونیستی است که فا کمترشان می نبایست دره عظیم ما بیمن سرمایه داری و کمونیسم را بکنند. با ایمانی استوار و شجاع محمودها را که همان راه سرخ طبقه کارگر است. خواهیم پیرویم.
به امید پیروزی!

سخنی با هواداران خارج از کشور!

رفقا! عده ای از هواداران در داخل کشور بدرستی از ما انتقاد نموده اند که چرا مسأله در صفحات بین المللی به انعکاس مبارزات جهانی طبقه کارگر و توده ها، وضعیت جنبش انقلابی در کشورها و نظیر السالوادور، نیکاراگوئه... معرفی احزاب - ل در کشورهای اروپای غربی، آمریکا و لاتین و... نمی پردازیم و این در حالی است که جریانهایی از رویونیست نظیر اکثریت به تحلیل مفصل از اوضاع السالوادور، نیکاراگوئه و نظیر آن پرداخته اند. در پاسخ باید گفت، تحلیل از جنبش مانلی بی شک باید با استناد به گزارشات و تحلیلهای نیروهای م - ل آن کشورها و همچنین بدست

آوردن منابع اطلاعاتی متنوع باشد. چرا که موضعگیری ما در قبال این مسائل بسیار حماسی است، ویرا حتی نمیتوان بدون دسترسی به حقایق موجود به موضعگیری در قبال آنها پرداخت. از اینرو ضمن آنکه ما کوشش میکنیم بغیرا خورا مکانات و توانا شیما ن به بررسی چنین مسائلی بپردازیم و همچنین اخبار مبارزاتی خارج از کشور را هر چه بیشتر درج نمائیم، در عین حال بخش مهمی از این وظیفه را در مسئولیت رفقای بخش خارج از کشوری - دانیم که باید با ارسال مرتب اخبار و گزارشات حول مطالب زیر، محققین اطلاعاتی پیکار را تقویت کنند:

- ۱- ارسال مداوم و فوری مهمترین اخبار و مبارزات طبقه کارگر و توده ها
- ۲- ارسال تحلیل مبارزات کارگری (نظیر لهستان) با انکاء به منابع فراوانی که در آنجا موجود است.
- ۳- ارسال اخبار و گزارشات از جنبش انقلابی وضعیت نیروها و موقعیت امپریالیسم و تاکتیکهای آن در کشورها و نظیر السالوادور، نیکاراگوئه و...
- ۴- ارسال گزارشاتی از فعالیت احزاب م - ل جهانی و فعالیت آنها.
- ۵- ارسال اخبار و گزارشات و تحلیل از تاکتیکهای امپریالیستی گوناگون، وضعیت درونی و بیرونی آنها، چگونگی مقابله با جران از سوی آنها، میزان بیکاری، فقر و سرکوب در آنها و...
- ۶- ارسال خبر در مورد فعالیتهای احزاب رویونیستی و سوسیال امپریالیسم شوروی و کشورهای بورژوا - رویونیستی.
- ۷- ارسال مرتب نشریات کمونیستی بویژه نشریات آلپانی بر زبانهای انگلیسی و فرانسو به علاوه از رفقای هوادار خارج میخواهیم که در زمینه های زیر نیز بیش از پیش تلاش کرده و ما را یاری رسانند.
- ۱- ارسال خبر در مورد فعالیتهای نیروهای ارتجاعی از جمله سلطنت طلبان مزدور و طرفداران بختیار خا شن و... و نیز فعالیتهای رژیم جمهوری اسلامی در خارج از کشور (زقفا فقط به توضیح مختصر فعالیت و عملکرد مبارزاتی خود در این مورد اکتفا نکرده و تحلیل حرکت ارتجاعی خود این نیروها را ارسال دارند.)
- ۲- ارسال بریده روزنامه های مختلف (خارجی و ایرانی) در مورد مسائل ایران. پیروز باشید!
- از رفیق هواداری که گزارشی تحت عنوان "گرگهای که به لباس سفید درآمده اند و میکنند شده اند" فرستاده است میخواهیم که هر چه زودتر با "تشکیلات تهران" تماس بگیرد.
- طرحهای جالبی توسط رفقای سازمان هواداران بدست بیکار رسیده است که نشان دهنده روحیه دیدگاه انقلابی رفقا است. به امید موفقیت بیشتر!
- م گل سرخی کارگر - ۵ طرح از مینا (آمریکا)
- طرح ۷ رفیق شهیدا هوا - حمید، ۱۳۰ ق.م.

چرخش ضد انقلابی جدید رویزیونیست‌های خائن حزب توده

در دو سالی که از عمر جمهوری اسلامی می‌گذرد، در ما هیبت رژیم جمهوری اسلامی و جناح‌های تشکیل دهنده رژیم تغییر بی‌پسوده نیامده است و دو جناح حاکم (حزب جمهوری اسلامی و لیبرال‌ها) روز بروز در دشمنی با توده‌های زحمتکش خلق و سازش با امپریالیسم متمرکز اروپا عمیق‌تر شده و می‌کنند. اما معیار رویزیونیست‌های خائن "حزب توده" در برخورد به رژیم جمهوری اسلامی را، نه ما هیبت واقعی رژیم بلکه اهداف ضد انقلابی این باند مرتجع و اریابان سوسیال امپریالیست، تعیین می‌نمایند. در روزهای نخست حاکمیت جمهوری اسلامی که قدرت دولت در دست لیبرال‌های خائسین - با زرگان و همپالکی‌هایش بود - با زرگان، نژیه، سجاسی برای "حزب توده" رجال "ملی و انقلابی" بودند و شرکتشان در "دولت موقت" دلیلی بر ارزش و شخصیت انقلابی آن دولت خائن و ضد انقلابی، اما سندی که قدرت حزب جمهوری اسلامی در حاکمیت بالا گرفت و این حزب در قدرت سیاسی از موضع برتری برخوردار شد و نیز به موازات آن با تشدید اختلاف بین لیبرال‌های خائن و حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی، لحن "حزب توده" نسبت به لیبرال‌ها، ۱۸۰ درجه تغییر کرد. آن "انقلابیون" و "رجال ملی" به "امید" امپریالیسم آمریکا (مردم ۵۹/۱۰/۲۴ - صفحه اول) پیرو "خط برژینسکی" (همانجا و بیشتر شماره‌های مردم) ... مبدل شدند. حزب خائن توده که تحقق اهداف ارتجاعی خود را در مجیزگوئی و در بیوزگی بخش غالب حاکمیت یعنی حزب جمهوری اسلامی میدید، به پیروی از سیاست‌های حزب مزبور در مخالفت با لیبرال‌ها شروع به تبلیغ علیه لیبرال‌ها نمود. شماره‌های نیمه دوم سال ۵۹ "مردم" سیاستگران واقعیت است.

"مردم" شماره ۴۲۸ شنبه ۱۸ بهمن ۵۹ در گزارش مربوط به جلسه "پرش وپا سخ" از کپیا نوری خائن می‌نویسد:

"س - تنگی نیست که در جامعه ما، علاوه بر لیبرال‌ها، نیروهای ارتجاعی دیگری، از جمله افراطیون مذهبی، هم هستند، که با هرگونه پیشرفت اجتماعی مخالفتند..." (تاکید از ماست)

در همانجا کپیا نوری پا سخ میدهد:

"... در این طیف وسیع و رنگارنگ هواداران سوسیالیسم علمی تا ارتجاع و وابسته به

امپریالیسم یک جا هم خط قرمز هست که نیرو - های بطور عمده ضد امپریالیست در یکطرف آن قرار میگیرند و نیروهای بطور عمده هوادار امپریالیسم در طرف دیگر. ... ممکن است که بعضی از نیروهای آنطرف خط قرمز از نظر بعضی دیگر خصوصیات "مترقی" تر هم باشند. مثلا بورژوازی لیبرال را بگیریم که طرفدارش با امپریالیسم است ولی ممکن است بعضی از نمایندگان آن با اصطلاح "متقدم" تر هم باشند. ... طبیعی است که چنین چیزی نمیتواند برای ما معیار ارتجاعی و سیاسی مترقی بودن باشد."

کپیا نوری خائن در همانجا اضافه میکند:

"روزنامه ما ... قسمت اعظم صفحات خود را به توطئه‌های امپریالیسم آمریکا و لیبرال‌ها اختصاص داده است و "آدامه میدهد": "... از طرف دیگر همین بورژوازی لیبرال همیشه ارتجاعی نبوده است. (یعنی الان ارتجاعی است - بپیکار) وقتی بود که بورژوازی لیبرال در جنبه نیروهای انقلاب قرار داشت... اما حالا که شرایط تاریخی عوض شده است، همین بورژوازی لیبرال آنطرف خط قرمز قرار دارد." (مردم - ۵۹/۱۱/۱۸. تاکید از ماست)

در همین مقاله از "انقلاب اسلامی" و "میزان" بعنوان ناها اسم برده شده است.

از اینگونه مطالب در شماره‌های نیمه دوم سال گذشته روزی نامه "مردم" فراوان است. اما با تشدید تهاجمات لیبرال‌های خائن و جناح "حزب جمهوری اسلامی" و دخالت خمینی که حاوی نکاتی منفع لیبرال‌ها بود و نیز تهاجم لیبرال‌ها حزب توده برای اینکه هیچ "تاسی" از دست ندهد و اگر یکباره تغییر در موازنه قدرت موجود آمد "پرش وپا سخ" کلاه "انقلاب" دور اندیشی کرده و چرخش دوباره در مورد لیبرال‌ها نموده است کپیا نوری خائن در جلسه "پرش وپا سخ" (۵۹/۱۲/۱) میگوید: "همین الان با این که دهها و دهها نامه برای ما میرسد که چرا اعلام نمیکنیم آقای بنی صدر جزو لیبرال‌هاست. ما از جنبه کاری استکفاف نمیکنیم، چون ما برای لیبرال‌ها پایه، نظرگاه و موضعگیری ضیقانی خاصی قائل هستیم و هر کسی بگوید "آقا، بنده میخواهم همه چیز را از دبا ندکها لزاما لیبرال نبستم... ولی ما هیچوقت نگفتیم که لیبرال‌ها کلا متدبیل به ضد انقلاب شده اند..." (مردم - ۶۰/۱/۱۰ - تاکید از ماست)

اینجسین چرخش‌های ارتجاعی که لیبرال‌ها را در ۵۹/۱۱/۱۸ ارتجاعی بخوانند و یکماه بعد مدعی شوند که "هیجوقت نگفتیم که لیبرال‌ها کلا متدبیل به ضد انقلاب شده اند" فقط از عهد مرتجعین و سیاست بازان شیادی چون "حزب خائن توده" و سردمداران خیانت‌پیشه اش نظیر کپیا نوری‌ها برمی‌آید. حزب خائن توده با زهم "بوی کباب" به مناسبت آورده است. لیبرال‌ها تعرض دامنه داری کرده اند، توده‌ها در مقابل حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته اند لیبرال‌های خائن بر ارتش مسلط هستند و... و امکان قدرت گیری بیشتر لیبرال‌ها وجود ندارد. حزب توده در گذشته خیانت بارش نشان داده که مریدان کسی است که قدرتمند باشد. اگر لیبرال‌ها شی چون با زرگان و نژیه در دولت مسلط باشند، حزب توده مجبور آنها را میگوید و روز دیگر که صفحه بر میگردد، خائسین حزب توده به آستانه نسوسی بهشتی‌ها و... میروند. مهم آن است که حزب توده بهمانه با روایت بورژوازی ارتجاعی حاکم بسوی آن جناح برود که قدرت بیشتری در حاکمیت دارد.

کپیا نوری خائن که روزی "انقلاب اسلامی" را از سخنگویان بورژوازی لیبرال "ارتجاعی" معرفی میکند (مردم ۱۸ بهمن ۵۹) خاطر مقام رهباست جمهوری که سنی صدر خائن به سیدک میکند و نیز دور نما قدرت گیری آپنوده لیبرال‌ها که از نظر حزب توده منتفی نیست، و نه یکباره "غیر لیبرال" میشوند و کپیا نوری به تظهِار و می بردازد. علاوه بر اینکه رتسباط بنی صدر روزنامه انقلاب اسلامی بر کسی پوشیده نیست، فقط خائسین فرومایه‌ای چون روژیو - نیست‌های حزب توده نمیتوانند این واقعیت را که بنی صدر در رأس لیبرال‌های خائن و مرتجع قرار دارد، کتمان نمایند. روژیونیست‌های خائن حزب توده، چه خوب این گفته‌ها را نه لنین را که میگوید: "سیاست روژیونیستی عبارت است از تمییز روشن خود را واقعای نشا واقع دیگر، تطبیق حاصل کردن با حوادث روز با تغییرات و! رده در جزئیات سیاسی، فراوش کردن منافع اساسی پرولتاریا و خاصش اصلی کلیه رژیم بر پایه‌های "ما رکسیسم و روژیونیسم" در عمل یکبار دیگر واقعیت می‌بخشد.

آری! روژیونیست‌ها به "بالا چشم دوخته اند و خائسین حزب توده، این نوکران بورژوازی، در جهت بیباده کردن اهداف سوسیال امپریالیسم شوروی، آما خدمت به بورژوازی ایران هستند آنها خوب آموخته اند که چگونه "با حوادث روز" تطبیق حاصل نمایند. و در این راه حاضرند و میتوانند در کمترین یکماه چرخش‌های ضد انقلابی که با "حوادث روز" مطبق باشند بنمایند.

این چرخش جدید علاوه بر اینکه بوقلمون - بنیه در صفحه ۹

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

مجلس بزم است یا جلسه دادگاه؟

عکسی که ملاحظه میکنید از یکپان ۱۰ فروردین است و جلسه "دادگاه انقلاب" برای رسیدگی به پرونده جاسوسی "امیران نظام" را نشان میدهد. تحت اسلام محمدی کیلانی در کنار احمد حاج سید - جوادی و دکتر سجایی و امیران نظام که (هرسه



عکس محتای از جلسه دادگاه امیران نظام را نشان میدهد

خودحضرات برایش شمرند و او را به ۸ سال حبس محکوم کردند. همین "دادگاهها" برای یک رفیق هوا دار در قزوین به بنیادها به بنیادها علامه بیگار ۵ سال حبس بریده اند و به بنیادها به بنیادها "انداختن" در حوادث دانشگاه! هوا زرفیق احمد موء ذن را به اعدام محکوم نمودند. و رفقا محمود صالحی را در وطیب نجم الدینی را در تبریز به بنیادها به بنیادها علامه ترور کردند. آری، این احکام شاد و غلاظ بخاطر کمونیست بودن این رفقا و دفاعشان از منافع کارگران و زحمتکشان بوده و علت مهر با نسی دادگاه به امثال دربار دار علوی و سپهبد با شما نقلیح و امیران نظام و ۱۰۰۰ این بود که با لایحه دستا خیر در صف دشمنان زحمتکشان و کمونیستها قرار دادند و حکم با بد زبیرا بر کارگران و زحمتکشان، در برابر کمونیستها و انقلابیون دند نهایی زهر آگین خود را به نمایش بگذارند زیرا دقیقاً در صف دشمنان آنست که قرار دارند. همچنین قضا شروع با بدینست به همپالکی های خائن شان یعنی با زرگانها و امیران نظامها و... و مهرو عفوقت نشان دهند مگر نه این است که هر دو از سرمایه داران و مدافع آنان اند و با زحمتکشان بین است که چا قودسته خودش را نمی برد؟!

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

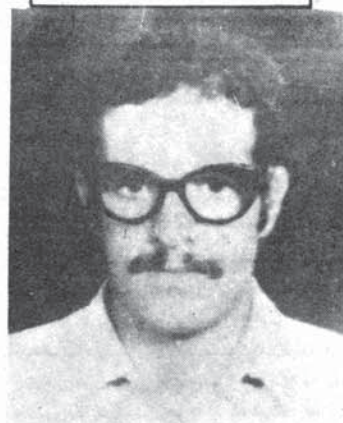
۱۳۶۰/۱/۱۱



و دندان فروجه، کینه ارتجاعی و طبقاتی خود را علیه فرزندان دلاور خلق نظیر دکتر نو نوسرداری شهرام، مهدی علوی شوشتری، محمود صمدی، سعادت و همه طرفداران کارگران و زحمتکشان میریزند. اینگونه صحنه ها که در "دادگاهها امیران نظام" دیده میشود در "دادگاهها دربار دار علوی" که برای آمریکا شان و ناوگان آنها در خلیج فارس جاسوسی میکرد نیز دیده شد و او علیرغم آنچه خبا نثیا که

از سران نهضت آزادی هستند و دو نفر اول و کیل مجلس شورای اسلامی هم میباشند) دیده میشود. چهره خندان و خوش و نش آنها با یکدیگر را با قیافه جلاد، همین محمدی و امثالش در هنگام صدور رای اعدام و فرزندان نسبت به کمونیستها و دیگر انقلابیون مقابله کنید. همدستان محمدی مثل خلخال، جنتی (ا هوا ز) فهیم (کرمان) موسوی (تبریز) و معاد خواه وری شهری و دیگران با ختم

سالگرد شهادت رفیق ناصر توفیق قیام



روزگار ۱۸ فروردین ۱۳۵۸، یک هفته پس از فرا ندم "جمهوری اسلامی" او با شان مسلح ارتجاع و با ساداران سرما به به راهیما شئی کارگران بیکار در اصفهان بورش بردند و عده زیادی زخمی گردیدند. رفیق ناصر توفیق قیام، از دانشجویان کمونیست دانشگاه اصفهان که بخاطر فعالیتها ی خستگی ناپذیر انقلابی اش مورد شناسایی ارتجاع قرار گرفته بود، در این راهپیمایی با گلوله مزدوران سرما به شهیدان رسید رفیق ناصر از قتلین جریان موسوم به

سالروز قیام خیابانی

خاطر ۱۶ فروردین ۱۳۹۹، روز قیام شایخ - محمد خیابانی را علیه استبداد و ارتجاع در تبریز گرامی میداریم. قیام خیابانی بیانگر این حقیقت تاریخی است که شکست سرکوب جنبش خلفها، آنها را از حرکت مبارزاتی باز نمیدارد و بدینسان هر شکستی مبارزه است و سرانجام مبارزه پیروزی توده های ستمنگ و زحمتکش است.

بقیه از صفحه ۲

سرمقاله... "عظوفت"، "وحدت" بروی رژیم نخواهد گنود. سال جدید، سال بگون و روح جنبش، سال وحدت درونی و تحکیم با به های قدرت رژیم نخواهد بود از همین روز رژیم چاره ای نخواهد داشت که در سال جدید، از همین آغاز، سیاست سرکوب خود را کماکان در دستور قرار دهد و بر اذ دست رفتن ثبات و وحدت درونی خود، سرسترا و جکیبری مجددتخا جناحها، به مرشیه خوانی بنشینند. سالی که در پیش است، از دیدگاه انقلاب و طبقه کارگر، سال ارتقا آگاهی توده ها، گسترش مبارزه طبقاتی و سال تضعیف و تلاشی و انحطاط با زهم بیشتر رژیم چا کم و سقوط بیشتر در شرایط انفرادی خواهد بود. جنبش سالی مبارک باد!

بقیه از صفحه ۱۴ فرار... فرماندهان همین ارتش نیستند که دستاور ما را از سرکوب خلق کرد و راه را در میاورند؟ مگر همین فرماندهان... و بی جهت نیست که فکوری وزیر دفاع و فرمانده مزدور نیروی هوایی اعلام میکنند که تصفیه های ارتش (کدام تصفیه ها؟) تا بد منظورشان اعدام و برکناری مزدورانی چون ریسعی، آرموده و با قری که در ارفشار توده ها صورت گرفت باشد! به کثور (منظورش کثور سرما به داران است) ضربه زیادی زده است. (انقلاب اسلامی ۱۱ فروردین ۶۰) در ارتش با چنین فرماندهانی، فرار افسران مزدور آتیم با هوا بسما ی نظامی و بهمراغی اعضا ی خانواده اش - که نمیتوان دیدن همکساری و تنائی با دیگران صورت گیرد - بسما رطبیعی است. ارتش دست پرورده امیران لیسما آمریکا، کسان را می پروراند که از دست ختم توده های زحمتکش ایران به ژنرال های مزدور امیران لیسما آمریکا در ترکیه "بنا" "بیرند"!



"خط ۳" در اصفهان بود و پیش از هنرپوشی به سازمان ما و خط مشی سیاسی - ایدئولوژیک آن نزدیک داشت. شهیدان رفیق ناصر توفیق قیام که از اولین شهدای جنبش کمونیستی پس از قیام بهمن بود، کمونیستها را در طی کردن راه سرخ او که راه آزادی طبقه کارگر بود مصمم مبروا ستوارتر کرد. یادش گرامی و آرمانش جاوید!

یک نکته پندآمیز!

بیکار دیگر چهره واقعی این خائنین به خلق و انقلاب را نیز بر ملا میسازد. ابتدا به دو مطلب زیر توجه کنید.

"حلقه‌ای از سلسله این آشوبها، قرار است امروز بعد از ظهر در تهران، بدست گروهک‌های آمریکا - مائوئیستی (بویژه "بیکار"، "رزمندگان" و "راه‌کارگر") مخالف انقلاب... برپا گردد." (مردم - سه شنبه ۲۳ دی ۵۹) و نیز "ضد انقلاب آشکار، گروهک‌های آمریکا - مائوئیستی..." (همانجا) و نیز "مردم (شماره شنبه ۱۸ بهمن ۵۹) تحت عنوان "توطئه ضد انقلاب و مائوئیستی‌های آمریکا" برای ایجاد آشوب خنثی شدمینوسد" (چپ‌نماهای "اقلیت با همراهی گروهک‌های، مائوئیستی - آمریکا" بیکار و رزمندگان... صبح دیروز سی دره آشوب کشاندن تهران کردند... "این با صلاح نظرات... خنثی شود و انقلاب و مائوئیست - ها بیش از پیش رسوا شدند" (تاکیدها از ماست) حزب خائن توده‌دردی و بهمن ۵۹ "راه‌کارگر" و فدائیان (اقلیت) را که از سرگزارکنندگان نظرات ۲۳ دی بودند و نیز رفقای فدائیان (اقلیت) که سرگزارکننده نظرات ۱۷ بهمن (دربزرگداشت سیا هکل و قیام بهمن) بود - حرکت آزما هیت ارتجاعی و وابسته خود - "امریکا" "فدا انقلاب آشکار"، "فدا انقلاب" و... میخاوندوا ما بقا مله کمتر از یکماها بسندو نیرو را که هم "امریکا" "موندو هم" "فدا انقلاب" در درون "جبهه متحد خلق، جبهه ضد امپریالیستی

کیا نوری خائن، سردسته با ندخیا نت کار "حزب توده" در "جلسه پرسش و پاسخ" (۵۹/۱۲/۱) ضمن پاسخ به مسعود رجوی، از جمله مطالبی هم در مورد "جبهه متحد خلق" که از طرف این "حزب" علم شده است بیان نموده و در بخشی از آن گفته است: "در مورد سازمان مجاهدین خلق و برخی گروه‌های دیگر از جمله "جریک‌های اقلیت"، "راه‌کارگر" و غیره هم ما کاملاً معتقدیم، تنها هنگامی که عکس آن ثابت نشود، رهبری و اعضای آنها با لقیه در جبهه متحد خلق، جبهه ضد امپریالیستی و دموکراتیک قرار دارند..." (مردم - دوشنبه ۱۰ فروردین ۶۰ - تا کید از ماست)

اینکه چه امری باعث شده است که کیا نوری خائن در مورد رفقای فدائیان (اقلیت) و "راه کارگر" چنین ارزیابی کرده و آنها را از "متحدین" با لقیه حزب توده بشمار آورد، قابل از هر چیز به مواضع سازمان فدائیان (اقلیت) و "راه کارگر" بویژه در برخورد به رویزیونیسم خروشنجی و سوسیال امپریالیسم شوروی بر میگردد. ایندو بغا طرتزلزلات بیشمارشان نسبت به رویزیونیسم - مطلبی که با رها از سوی ما به آن برخورد شده است - آنچنان "امیدی" در دل کیا نوری و حزب خائن توده بوجد آورده اند که این داور و دسته مرتجع بتواند آنها را در "جبهه متحد خلق" ابداعی خود جای دهد و این مسئله زنگ خطری جدی برای رفقای فدائیان و راه‌کارگراست که علت این برخورد کیا نوری خائن را نه در مشی و مواضع حزب توده بلکه در درون شکلیات خود و در گرایشات رویزیونستی حاکم بر سازمان نشان جستجو نمایند و تا دیر نشده به فکر جاره‌ها باشند.

اما بیان این مطلب از سوی "کیا نوری"،

و دمکراتیک "قرار میدهد" علاوه بر تعمیم گرایشات رویزیونستی در راه کارگرو فدائیان (اقلیت) که از سازمان ارزیابی کاملاً متفاوت با لقا به حزب توده (مردم ۶۰/۱/۱۰) داده است و در بالا به آن اشاره شد، بیان ایندو مطلب متضاد، بدون اینکه در نیروهای ذکر شده تغییر ما هوی ایجاد شده باشد نشان دهنده عمق رذالت "حزب توده" و ما هیت ارتجاعی این با ندفریکار است که هر لحظه بسوئی میجرخودا ۵۹/۱۱/۱۸ تا ۵۹/۱۲/۱ نیرو - ها "را که ضد انقلاب و "امریکا" "میدانسته از "متحدین" خود قلمداد می نماید. از دشمنان قسم خورده و طبقه‌ای طبقه کارگر جز این نمیتوان انتظار داشت. رویزیونیس‌های خائن حزب توده همچنان که در برخورد به رژیم شاه و هیئت حاکمه کنونی نشان داده اند، برای تحقق اهداف ارتجاعی خود و خدمت به اربابان سوسیال امپریالیستشان چاره‌ای ندارند جز اینکه "شان را به نرخ روز بخورند". ضد انقلاب و انقلاب مثل هر پدیده دیگری حتی در مدت بیست و چند روز برای این خائنین تغییر ماهیت میدهد. در واقع این از ما هیت ارتجاعی کار - گزاران سوسیال امپریالیسم در ایران ناشی میشود که بر احوالی سوادنگسانی را که بیز عم آنها "امریکا" "و "فدا انقلابی" هستند در "جبهه متحد" خود جای دهد.

چرا که آنچه برای این خائنین تعیین کننده است به فراموشی سپردن منافع آتی و آتی طبقه کارگرو حرکت از سیاستهای روز و یا سخگویی به منافع فدائیان خود و اربابان نشان میباشد

مبارزات دهقانان نیشابور بر علیه هیئت ۷ نفره واگذاری زمین

نیستایمور مخفیان و بدون اطلاع دهقانان زحمتکش اراضی مذکور را بین ۶ نفر از شروتمندان محل تقسیم میکنند و تعهد میکنند که از طرف چهار سا زندگی بنام منصفین برای آنها سه حلقه چاه نیز احداث کنند. افرادی که هیئت هفت نفره زمینها را بین آنها تقسیم میکنند شرح زیر می باشد: شیخ صادق و شیخ عبدالله اما جمعه - های "خرو"، حاج حسین خدا قلی، حاج قربان - قدمباری، حاج مادی مرشدلو، حاج عبدالوهاب خدیمباری

دهقانان "خرو علیا" محض اطلاع از این جریان با هم متحد شده و در محل کار هیئت متحصن میشوند. آنها بدون نتیجه گیری از تحصن سه ستاننداری خراسان رفته و سپس با مراجعه به روزنامه "خراسان" در چندین جریان را از روزنامه مذکور خواستار میشوند.

بدنبال او جگیری مبارزات دهقانی در سراسر ایران و تعرض انقلابی آنها برای مصادره و تقسیم زمینهای دولتی و مالکی بین خود رژیم جمهوری اسلامی، ضمن سرکوب جنبشهای دهقانی دست به فرم زده و با ابداع هیئتهای هفت نفره واگذاری زمین دربی آرا مگردانیدن مبارزات دهقانی برآمد. هیئت هفت نفره متشکل از جیره - خواران رژیم، بنا به ما هیت طبقه‌ای خود، در حمایت از زمینداران، با مخالفتی دهقانی در اکثر نقاط ایران مواجه شد. چه این هیئتها فرم ادعائی رژیم را نمی توانستند بدون فریب دهقانان و پشتیبانی از منافع زمینداران و مالکین انجام دهند. آنچه که ملاحظه میکنند گوشه‌ای از عملکردهای ضد دهقانی هیئت هفت نفره در روستای "خرو علیا" در نیشابور و مبارزات دهقانان بر علیه فریبکاران ریهای این هیئت می باشد:

پس از بر ملا شدن جریان تقسیم مخفیان زمین بین شروتمندان، هیئت هفت نفره با بخش اعلامیه مجبوره عقب نشینی شده و تصمیم خود را لغو میکند. اما بعد از چند روز بخشی از اراضی رایبه شروتمندان اربد و بخش واگذار کرده و اجازه حفر چاه را به آنها میدهد. این موضوع مخالفت شدید دهقانان "خرو سفلی" را برمی انگیزد که در نتیجه مبارزات آنها و شکست مالکین چاه رفرا از دهقانان دستگیر میشوند. دهقانان زحمتکش متحد و یکپارچه برای آزادی زندانیان در دادگستری نیشابور متحصن میشوند. در اشراف و دهقانان جلسه‌ای با حضور دهقانان و ملانوروزی رئیس هیئت و دادستان تشکیل میشود که در آن ملانوروزی با تهدید دهقانان میگوید: زمین را من دادم و هر کس حرفی بزند سروکارش با پادشاهان می باشد. دهقانان با شنیدن این حرف خشمگین شده و ملانوروزی را بشدت کتک میزنند. در اشر مبارزات و مقاومت دهقانان، زندانیان آزاد میشوند. مبارزات دهقانان "خرو علیا" و "خرو سفلی" بر علیه توطئه‌های ضد دهقانی هیئت هفت نفره و واگذاری زمین کاملاً ادا می‌دارد.

در تاریخ دیماه ۵۹ دهقانان بی زمین "خرو علیا" با اتحاد و همبستگی خود، توطئه‌های فریبکارانه هیئت هفت نفره را خنثی کردند. جریان از این قرار بود که حدود ۱۰۰۰ هکتار زمین به اصطلاح ملی شده در اراضی "اکبر آباد - زلفی" و "اردو بخش" موجود است. هیئت هفت نفره

مقاله آموزشی (قسمت اول)

بحثی پیرامون دمکراسی

دموکراتیسم کاذب، دموکراتیسم ناپیگیر و دموکراتیسم پیگیر

خواهیم شد، مسائلی را که انقلاب دمکراتیک و
فدا میریالیستی ما در رابطه با آن، پیش روی ما
گذاشته است، با روشن بینی درک نمائیم، و این
خودبخش مهمی از حل مسئله است.
حال، با درک اهمیت دستبسی به شناخت
صیح از مسئله (دمکراسی)، به این پرسش می-
پردازیم که "دموکراسی چیست؟"

بر مردم ما نبودند و پیوسته تلاش میکردند تا آن
مبارزه کارگران و زحمتکشان را علیه رژیم شاه
خاموش کنند، با پیشرفت مبارزه انقلابی مردم
وقتی شدن در هر یختن سلطنت شاه عوامفریبانه
شعار کارگران و زحمتکشان را تکرار میکردند تا
بتوانند بر امواج جنش سوار شوند و مانع از
پیشرفت آن شده و خود به قدرت برسند و برجای

آیا برآستی همه طبقات و اقشار مختلف، خواهان آزادی و دمکراسی می باشند؟
آیا توقع و خواست همه طبقات از "دموکراسی"، یک چیز است؟

دموکراسی چیست؟

لغت (دموکراسی) در سرا سرتا ریخه عنوان
(حاکمیت مردم) معنا شده است. اما لفظ مردم
نشانگر چیست؟ آیا مردم، یک توده بی شکل است
و یا مختصاتی دارد؟ "حاکمیت (مردم)" چگونه
در "دموکراسی" های موجود در تاریخ تحقق می-
پذیرفته است؟
برای پاسخگویی به این سؤالات برگشت
مختصری به تاریخ، ضروری است:
در آغاز، هنگامی که جامعه هنوز به طبقات
تقسیم نشده بود، دموکراسی بصورت کاملی برقرار
بود. جماعات بشری در آن دوران، به شکل
دموکراتیکی سازمان یافته بودند. همه اعضای
جماعت (تیره، قبیله و...) در شورا های عمومی
بشکل کامل برابر، درباره فعالیت های مشترک
خویش، تصمیم میگرفتند. همه مسلح بودند و
آموخته بودند توسط تمامی مردم، اداره میگشت.
فردریک انگلس این دموکراسی کامل ابتدائی
را با شیوای خاصی تصویر میکند: "... و این
ساخت تیره ای، با تمام مادگی کودکانه خویش،
چه شگرف است! همه مور- بدون سربازها،
ژاندارمها یا پلیس بخوبی میجرخند، بدون نجبا،
پادشاهان، حکام، والی های با قاضی ها، بدون
زندان ها، بدون محاکمات، تمام دعوا ها
مشاجرات بوسیله همه کسانی که به آنها مربوط
است، تیره یا قبیله، یا تیره در میان خود -
حل میشوند... خانه بصورت اشتراکی و کمونیست
- و توسط مقداری خانوار اداره میشد، زمین
ملک قبیله است، فقط باغ های کوچک بطور

حکومت پهلوی بنشینند تا مانند گذشته سرما به-
داران بتوانند طبقه کارگر و توده زحمتکش را
استثمار کنند. اما کارگران و زحمتکشان خواهان
سرنگونی شاه، سرنگونی دولت سرما به داران و
قطع دست امپریالیسم از کشور ما و خواهان رفاه
و آزادی برای کارگران و همه زحمتکشان تحت
ستم و استثمار بودند. در همین زمان رهبران
خرده بورژوازی مرفه علیرغم اینکه مخالف شاه و
سلطنت او بودند، شدیداً مخالف قدرت گیری
کارگران و زحمتکشان بوده و واقعا از سرما به-
داران دفاع میکردند. انقلاب یکبار دیگر در س
بزرگی راه کارگران و زحمتکشان ما آموخت:
از حرفها و شعارهای مشترک نیا بدچنین نتیجه-
گیری نموده خواستهای و منافع نیز، مشترک
است. اگر چنین کنیم، در سطح و قایع متوقف
شده ایم. برای دست یافتن به درک عمیق و
صیح از واقعیات مبارزه طبقاتی، میباید با
تحلیل از موقعیت و منافع طبقات مختلف، معلوم
کنیم که هدف، تمایل و توان مبارزه آنها برای
این شعارها، با هم یکی است یا نه؟ و در صورت
یکی بودن، تا کجا و از چه جهتی یکی است؟ تنها
راه تشخیص واقعیت تحلیل طبقاتی است. چرا
که هر طبقه ای هنگامی که شعار و خواستهای را
مطرح میسازد، بر اساس منافع و نیازهای مشخص
خود مبارزه میکند. بنا بر این تنها شناختن این
منافع است که به ما نشان میدهد، آن طبقه یا
قشر اجتماعی چه هدفی از طرح شعار مشخص دارد؟
و از چه جهتی این شعار را مطرح مینماید؟ تا
جابه خاطر تحقق این خواسته و شعار مبارزه میکند؟
هرگاه با چنین روشی، یعنی با تنها روش
علمی به مسئله "دموکراسی" برخورد نمائیم، قادر

بر خورد به موضوع دمکراسی و روش طبقات
مختلف نسبت به آن، در تمامی انقلابات دوران
معاصر، همواره یکی از مسائل اساسی و مسود
بحث بوده است. خاصه در جوامع تحت سلطه
امپریالیسم، مانند کشور ما، که توده وسیعی از
"بورژوا-دموکرات" ها یعنی بخش عظیمی از
خرده بورژوازی، در صف انقلاب حرکت میکنند،
پیشرفت انقلاب در هر گام خود با این مسئله مهم را
مطرح میسازد. این واقعیت، هم اکنون در
زندگی روزانه ما خود را به روشن ترین شکلی
نشان میدهد. امروز ما شاهدیم که همگس،
همه طبقات و اقشار آزادی و دمکراسی سخن
میگویند. توده مردم خواهان برقراری دمکراسی
هستند و هر دو جناح حکومت، بنی صدور حیزب
جمهوری اسلامی ادعا میکنند که مدافع حقوق
توده زحمتکش هستند و بخصوص در حال حاضر که
ما هیئت حزب جمهوری بیش از پیش برای مردم
افشاء شده جناح بنی صدور آزادی و دمکراسی
میزند. حال مسئله مهمی که انقلاب در پیش روی
ما می گذارد چنین است:

اولاً: آیا برآستی همه طبقات و اقشار مختلف
جامعه، خواهان آزادی و دمکراسی میباشند؟
ثانیاً: آیا توقع و خواست همه طبقات از
"دمکراسی"، یک چیز است؟

تجربه خونین قیام، این درس بزرگ را به ما
آموخت که: هیچگاه از حرفها و شعارهای مشترک
نیا بد نتیجه گیری کنیم که منافع هم مشترک است
در مبارزه طبقاتی مراحل میرسد که طبقات و
اقشار مختلف شعارهای مشترکی را در صحنه
مبارزه فریاد میزنند، اما هرگاه ما مشاهده این
واقعیت به این نتیجه برسیم که هدفها و منافع
آنان نیز یکسان است، مسلماً دچار ساده اندیشی
مخض گشته ایم. قبل از قیام مابین ما را با خاطر
بیاوریم: در جریان انقلاب شعار طبقات و اقشار
مختلف جامعه بهم گره خورده بود، کارگران و
دهقانان، کارمندان - کاسبها، دانشجویان و
دانش آموزان فریاد میزدند: شاه با بد سرنگون
شود. ما طالب جمهوری، استقلال و آزادی هستیم.
هنگامی که مبارزه آماج گرفت و پا به پای
سلطنت وابسته به امپریالیسم الرزان رسید،
زمانی که مسلم شاه خا شن قطعاً رفتنی است و
"یک پای سلطنت لب گور است"، با زرگان ها و
سجاسی ها، بورژوا لیبرالها نیز به میسدا ن
آمدند و محتاطانه شعار دادند: "شاه با بد سرود".
آیا از این واقعیت میتوان بلافاصله
نتیجه گرفت که: خواستها و اهداف بورژوا-
لیبرالها، با خواستهای کارگران و زحمتکشان
یکی بود؟ هر دو این گروه ها از سرنگونی شاه
یک خواسته و هدف را دنبال مینمودند؟
زندگی نشان داد که هرگز اینگونه نبوده
است. سرما به داران لیبرال که هرگز خواهان
سرنگونی رژیم شاه و بنا بودی سلطه امپریالیسم

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

دوران فتوادلیم تشکیل میداد. سلسله مراتب (بورکراسی) و استبداد که لازم می‌آید به بند کشیدن دهقانان بر زمینهای اربابان بود (دهقانانی که دیگر برده نبودند)، ویژگی های دستگانه دولتی فتوادالی بود که محو "دموکراسی برده - داری" را اجتناب ناپذیر می نمود.

بارشد ایراتولید وسیع تر شدن تقسیم کار و پیدایش سرما به داری، انقلاب عظیمی در جامعه صورت گرفت که تمامی امتیازات و مناسبات جامعه فتوادالی را نابود کرد. بورژوازی "دمکراسی" را در مقابل استبداد پیوسته فتوادالی عرضه کرد و خواهان برقراری جمهوری (دمکراتیک) گردید. دمکراسی بورژوازی، در روند رشد خود منکامل و متکاملتر شد، تا آنجا که ظاهراً هرگونه تمامبهای سیاسی را از میان برداشت. اگر در "دمکراسی" برده داری کاملاً روشن و مشخص بود که بردگان از حقوق سیاسی محرومند و دولت "دموکراتیک" شما بنده طبقه برده دار است، اگر در دولت فتوادالی قرون وسطی، کاملاً آشکار بود که میزان قدرت سیاسی در رابطه مستقیم با مقدار زمین تحت تسلط است، در کاملاً ملترین و پیشرفته ترین جمهوری دمکراتیک سرما به داری این تمامبها چشم نمی خورد. حق رای عمومی هنگامی است و دولت ظاهراً از طریق انتخابات همگانی تعیین میگردد. حقوق سیاسی مردم ظاهراً در مقابل قانون، مساوی قلمداد میشود و گویا هنگام درقبال قانون با یکدیگر مساوی و برابرند. این است ظاهراً دمکراسی بورژوازی (در باره باطن ماهیت آن در ادامه مقاله سخن خواهیم گفت).

حال زمان آن رسیده است که تعریف مشخص (دموکراسی) را نتیجه بگیریم: "دمکراسی شکلی از دولت است" (۳) و "دمکراسی با تبعیت اقلیت از اکثریت هما نند نیست، دموکراسی عبارت از دولتی است که تبعیت اقلیت از اکثریت را تصدیق دارد، یعنی سازمانی است برای اعمال قوه قهریه سیستماتیک یک طبقه بر طبقه دیگر، یعنی بخشی از اهالی بر بخش دیگر" (۴) (تاکید - ات از خود نشین است.)

بر اساس این تعریف مشخص و دقیق از (دموکراسی)، کاملاً روشن میگردد که برای شناخت ماهیت (دمکراسی)، میباید محتوای آن شکافته گردد. چرا که بررسی شکل، بدون بررسی محتوای آن، هیچگاه واقعبینانه نشان نخواهد داد. یک جمهوری دمکراتیک، یک شکل حکومتی است. ماهیت دمکراسی آن چگونه روشن میگردد؟ با شکافتن محتوای این جمهوری.

شکافتن محتوای یک دولت و حکومت چگونه صورت میگیرد؟ با این طریق که مشخص نمائیم، آن دولت، ارگان سلطه چه طبقه و با طبقه استی میباشند؟ بنا بر این، هنگامی که مسئله دمکراسی مطرح میگردد، بلافاصله این سؤال در پیش روی ما قرار میگیرد: چگونه دمکراسی ای؟ دمکراسی چه طبقه ای؟ چرا که "اگر فکر سلیم و تاریخ را بقیه در صفحه ۸

فقراستما روشن شده پدید آمدند. آیا طبقات با منافع متضاد میتوانستند با یکدیگر تضادی نداشته باشند؟ خیر. مبارزه مداوم و آشکار میان طبقات رودر رو، اجتناب ناپذیر بود. به این ترتیب "لازمه" که قدرتی بوجود آید که در ظاهر بر سرچامع با بستن با بر جودها را تخفیف دهد و آن را در محدوده "نظم" نگاه دارد، و این قدرت که از جامعه برمیخیزد دولی خود را بر سر آن قرار میدهد، و خود را بیش از پیش از آن بیگانه میکند دولت است" (۲)

دولت - این قدرت عمومی مسلماً دیگر نمی توانست همان "سازمان مسلح خودکار خلق" باشد، زیرا با تقسیم جامعه به طبقات، اینکار غیر ممکن شده بود. بنا بر این رفته رفته ارتش پدید آمد. (مالیات) ها وضع شد، قوانین جاری گشت، و مقامات اداری در نقش اجرا کننده و کنترل کننده قوانین ظاهر شدند. دولت با دستگامهای اداری و مسلح خود بعنوان "یک نیروی سوم" در جامعه ظاهر گشت که وظیفه برقراری "نظم" را بر عهده گرفت. اما "دولت" که از تضاد و مبارزه طبقاتی برخاسته بود، مسلماً دولت طبقه قوی تر و از نظر اقتصادی مسلط، میبود. طبقه ای که قدرت اقتصادی را در دست داشت و از طریق دولت، قدرت سیاسی را هم در چنگ خود میگرفت. اکنون دولت نماینده "عمومی" جامعه و با صلاح شما یا نگر (حاکمیت مردم) بود. اما مردم به طبقات تقسیم گشته بودند (حاکمیت) نیز با لاجبار مفهومی کاملاً طبقاتی یافته بود بدینگونه است که تاریخ بیان میکند: در

دموکراسی برده داری یونان باستان، بردگان از همه حقوق مدنی و سیاسی محروم بودند. برابر برای حق رای و انتخاب برای بردگان مفهومی نداشت. دولت دموکراتیک برده داری، دمکراسی متعلق به تمامی طبقه برده داری و در مقابل آن دولت استبدادی برده داری، دولتی بود متعلق به یک گروه از برده داران که متفقدترین و بیرومندترین آنان بود و استبداد خود را بر کل جامعه تحمیل مینمود. در واقع این "گونه دولت" دموکراسی برده داری و استبداد (اولیگارش) برده داری، (۵) دوشکل حکومتی بودند که محتوای هر دو آن را مناسبت مبینی بر بهره کشی از کار بردگان و حاکمیت برده داران تشکیل میداد.

با جایگزین شدن نظام تولید فتوادلوسی بر جای نظام برده داری، ساخت اجتماعی نیز دچار تغییر گشت و مطابق با آن شکل و ساختار دولت نیز تغییر کرد. محلی بودن، پراکنده بودن و خودکفا بودن تولید در نظام فتوادلوسی، وجود تمهیدات خدمت اجباری دهقانان به مالکان، مالکان کوچک به مالکان نیرومندتر و... سلسله مراتبی را به وجود آورده بود که یکی از مشخصات اصلی سازمان سیاسی و دولتی را در

(۵) - نمونه دمکراسی برده داری، آتن و الیگارش برده داری، اسپارت.

موقت در اختیار خانوارها گذاشته میشوند. مهمان حتی یک ذره از دستگانه اداری و پیچیده ما ضرورت پیدا نمی کند. طرفین یک قضیه در مورد آن تصمیم میگیرند و در بیشتر موارد، رسوم دیرپای کهنسال همه چیز را تنظیم کرده است. فرد محتاج نمی تواند وجود داشته باشد. خانوار کمونیستی و تیره بوظایف خود درقبال پیران، بیماران و معلولین جنگ عمل میکنند. همه آزاد و برابر هستند - منجمل زنان، هنوز نه جایی برای برده ها وجود دارد و نه علی القاعده برای انقیاد قبائل بیگانه. "این جنبش دمکراسی، بر چه پایه های اقتصادی بنا شده بود؟

"ساخت تیره ای در شکوفا می کامل، متفصلین یک شکل بی نهایت عقب افتاده تولید بود. یعنی یک جمعیت فوق العاده کم، پراکنده در یک سرزمین وسیع، و بنا بر این غلبه کامل طبیعت خارجی بر انسان - که برای او بیگانه - مخالف و غیر قابل فهم بود... قبایله، مرزبانان - در رابطه با خودش و نیز در رابطه با بیگانگان بود. قبایله، تیره و نهادهای آنها، مقدس و تخطی ناپذیر بودند. یک قدرت عالی به که، بوسیله طبیعت نهاده شده - و فرد در احساس، پیدا رو کردار خود، مطلقاً تابع آن بود. اگر چه خلق های این عصر ممکن است نکفت انگیز شما بند، آنها بهیچ وجه شما بر بنیاد فته بودند. همان نظوری که ما رکن میگوید. آنها هنوز به بندناف جماعت بدوی متصل اند" (۱)

این دموکراسی کامل و ابتدائی همچنانکه انگلیس بیان می نماید بر پایه (شیوه تولید) بی نهایت عقب مانده ای استوار بود که مالکیت اشتراکی را اجتناب ناپذیر مینمود. بر اساس سطح ناچیز تکامل نیروهای مولد، ابزارهای ابتدائی و منابع معاش محدود انسان (گردآوری و شکار)، کار مشترک همه نیروهای جامعه ضروری میگشت. زمین و تمامی ثروت های آن مشترکاً مورد استفاده قرار میگرفت. تمامی ثروت و اموال موجود متعلق به (کمون) بود، در نتیجه طبقاتی این مالکیت مشترک و کار تولید مشترک به طور مشترک تقسیم میشد و طبقات بهره کشی وجود نداشت (و نمی توانست وجود داشته باشد). نهادهای دمکراسی شورائی بر پایه چنین مناسبات تولیدی بنا نهاده شده بود. در یک کلام آن چنان دموکراسی ساده، کاملاً و ابتدائی روستائی بود که بر چنان زیر بنائی استوار گشته بود.

با رشد نیروهای مولده و پیدایش تقسیم کار، مالکیت خصوصی پدید آمد و جوانه های اختلاف در ثروت و موقعیت ظاهر شد، طبقات در عرصه جامعه ظاهر شدند. مردم به دسته های مجزا تقسیم گشتند، و در رابطه با تولید نقش و مقام متفاوتی را اشتهال کردند. بر اساس ضرورت تاریخ، برده داری به جای کمونیسم اولیه نشست و جامعه، به بردگان و برده داران تقسیم شده ثروتمندان استوار گردید.

هدف بورژوازی از "بحث آزاد"

علیه هر دو جناح ارتجاعی به سیخ آنها برگرد
شماره‌های انقلابی بپردازد، عمدتاً در مقابل
حزب جمهوری اسلامی قرار گرفته و این حزب
مرتجع را تنها مسئول نابسامانی‌ها و شرایط
سخت زندگی خود و فقدان اولیه ترین حقوق
اجتماعی و سیاسی میدانند.

اما اوگیری فزاینده نارضایتی توده‌ها
نسبت به رژیم - حتی اگر سمت اصلی حمله آن
بطرف یک جناح باشد - کل رژیم را و در نتیجه
منافع هر دو جناح را در نهایت به خطر می‌اندازد
و به همین جهت در سیاستهای آیت الله خمینی
در برخورد با توده‌ها و نیروهای سیاسی چرخشی
بچشم میخورد. اخیراً بی‌سردی از ملاقات با
خمینی از قول وی گفته است:

"ما سه سوم مربوط میشد به همین بحث آزادی
که ما گروهها را دعوت کرده بودیم و ایشان پرسیدند
که در چه مرحله است و اینها بیا بید و بحث کنند که
البتنه من گفتم آنها عنوان میکنند "که ما امانیت
نداریم" گفتند: خیر همه آنها امانیت دارند،
بیا بید حرفشان را بزنند و هر جا هم دلشان خواست

ما همواره گفته ایم که دو جناح ارتجاعی
رژیم جمهوری اسلامی، بدون اینکه در سرکوب
توده‌ها، نیروهای کمونیستی و انقلابی و خلق -
های قهرمان اختلافی بین آنها وجود داشته باشد
از دوشیوه متغایرت برای ادامه سرکوب و استثمار
توده‌ها استفاده میکنند. بی‌سردی در حالیکه
دست‌آخته بخون خلق‌های قهرمان کرد و
ترکمن و دانشجویان انقلابی دانشگاههاست،
در کنار سرکوب، هرگز شیوه "نان قندی" را نیز
فرا موش نکرده است در حالیکه جناح خیانت پیشه
حزب جمهوری اسلامی منحصر به سرکوب و اختناق
دل بسته است و البته سیاست اخیر مورد حمایت
همیشگی آیت الله خمینی قرار داشته و از جانب
وی نیز اعمال شده است.

اوگیری جنبش اختلافی توده‌ها و افزایش
نارضایتی توده‌ها نسبت به رژیم جمهوری اسلامی
که در اثر فریبکاریها و سیاست‌های مکارانه
لیبرالهای خائن در "زادبخواه" تماشی
مزورانه و هیاهوی بی‌محتوای کذب بنی صدر
خائن و دیگر همپالگی‌های ضد انقلابی اش در
مورد شکنجه، چاقو زنی، سانور و آزادی سزاه
انداختند، لبه تیز آن متوجه جناح حزب جمهوری
اسلامی گردید. و در نتیجه توده‌های ناآگاه در
اثر تبلیغات فریبکارانه لیبرالها و نبودن
یک قطب کمونیستی قوی که با موضعگیری قاطع

بعداً زبخت بروند "سپس بنی صدرا غافه میکند :
"امیدوارم که همه این فرصت را غنیمت بشمارند
کشور ما در یک موقعیت و وضعیت است که اگر
فرصت‌هایی که برای حل مسائل کشور از راه
آزادی داریم... این فرصت را برای این کار
از دست بدهیم، دیگر معلوم نیست که در آینده
نزدیک فرصت بدست بیاوریم، بنا بر این حاضر
باشوند و در این بخشها شرکت کنند... تا بلکه
شرایط جوامع اجتماعی ما یک جوی را مومسالم و آماده
برای حرکت سازنده مثل امروز بشود" (اطلاعات
۱۰ فروردین).

البته علاوه بر نیروهای ضد انقلابی نظیر
"امت"، "خائنین"، "توده‌ای" و "اکثریتی" و... که
از این "امانت" برخوردار هستند، بسوز و بازی
کوش میکنند تا کیدروی این نکته‌نیروهای
متزلزل نظیر مجاهدین را بسوی خود بکشاند و
با آنها به گفتگوی مستقیم نشیند. این منقلب
بنا نگروخت هیات حاکمه از رشد نارضایتی
توده‌ها و کوشش ارتجاعی آنان برای سد کردن
جنبش توده‌ها و به انحرف کشیدن آن میباید شد.
آیت الله خمینی که سرکوب هر مخالفی را تحت
نام سرکوب "کفار" لازم واجب می‌شمرد و حتی
حاضر نبود لیبرالهای خائن "جبهه ملی" را نیز
تحمل کند و میگفت "بروند کم‌شوند" حالا در اثر
بقیه در صفحه ۳۰

مزدوران ارتجاع را در هر لباسی افشاکنیم!

هدداریه مبارزین کمونیست و انقلابی!



ارتجاع برای مقابله با فعالیت‌های نیرو-
های انقلابی و کمونیستی علاوه بر شیوه‌های
رایج سرکوب و نیز بهره‌گیری از کمکی‌های
"بی‌شایسته": رجویونیست‌های خائن "توده‌ای"
و "اکثریتی" و... از طریق نفوذ در سازمانهای
کمونیستی و انقلابی میکوشد تا با شناسایی
فعالین این نیروها و اطلاع از کم و کیف فعالیت

سالگرد شهادت رهبران خلق کرد



دهم فروردین امسال، مصداق بود باسی و
چهارمین سالگرد شهادت قاضی محمد، صدق‌قاسی
و محمد حسین سیف‌قاسی رهبران جنبش کردستان
در سالهای بیست و نهم و بیست و ده امیربا لیسیم
شاه جلال، پس از سرکوب خلق کرد و "جمهوری
کردستان" این سه رهبر خلق کسردار در روز
۱۰ فروردین ۱۳۲۶ در محاصره آرایخت.
سی و چهار سال پس از شهادت قاضی محمد و
پارانیش، خلق دلاور کرد با درگیری از گذشته
پرافتخار روپرنشیب و فراخ‌خود با قدمهای استوار
بردروازه‌های انقلاب نزدیک میشد و در
کوهستانهای همیشه پیروز کردستان حماسه‌های
دلآوری می‌آفرینند.

با دشهیدان خلق کرد گرامی باد!

آنها، در جهت حفظ منافع طبقاتی ارتجاعی
خود، به جنبش انقلابی خلق‌های ایران ضربه
وارد آورد. در تاریخ جنبشهای کمونیستی و
دمکراتیک جهان و ایران با نمونه‌های فراوانی
از تلاشهای ارتجاعی طبقات حاکمه مرتجع روبرو
هستیم که چگونه از طریق نفوذ در نیروهای مبارز
و کمونیست توانسته اند ضربات جدی بر پیکر
جنبش‌های کارگری و انقلابی وارد آورند. از
اینرو یکی از وظایف فعالین و اعضای سازمانها
و گروههای کمونیستی و انقلابی، هشپاری آنان
برای مقابله با توطئه‌های رژیم جمهوری اسلامی
از طریق نفوذ دادن عوامل مزدورانش در این
نیروهاست. شخص مرتجع و فاشلانزی که عکس را
می بینید یکی از او با شان جمهوری اسلامی و به
احتمال زیاد با سدار سزما به است. که در طول
چند ماه گذشته معنا وین مختلف تصد نفوذ در
تشکیلات رفقای هوادار را داشته ولی در اثر
برخوردهای هشپارانه و انقلابی رفقا سرش به
سنگ خورده است.

این مزدوران ابتدا از طریق خریدن شیوه و
کمک مالی و... از طهارت مایل و علاقه به سازمان-
های انقلابی و کمونیستی نمود و سپس کوشش
می‌نمایند که زمینه‌ساز خود را در این نیروها
بوجود بیاورند اما با اندکی هشپاری انقلابی و
با زیر نظر گرفتن حرکات و اعمال آنها میتوان
و با بداین مزدوران را شناسایی و چهره
خیانتکار و روجنا بت پیشه‌شان را افشا کرد.

بقیه از صفحه ۲۲ ۱۲ فروردین ...

"حسنه" با امیر لیسیم آمریکا و دیگر امپریالیست های غربی "نویس" داده شد. ملاقات های سری بین بهشتی ها، بازرگان ها، یزدی ها و و نمایندگان امیر لیسیم در ایران، برقرار شدند نخست وزیر "انقلابی" به ملاقات برزیل... کسی شناخت وقول و قرارهای جدید گذاشته شد. سفارشات خریدار سلاح آمریکا مجدداً داده شدند اسناد غارتگرانه مربوط به سلطه امیر لیسیم آمریکا بر ایران ناپدید شدند و از دید توده های زحمتکش پنهان نگهداشته شدند. روابط سیاسی - اقتصادی با سوسیال امپریالیسم روس و کشورهای بورژوازی و یونیونیستی بزیان خلقهای ایران با شدت بیشتری ادامه یافت. جاسای کارشناسان آمریکا شی را کارشناسان آلمان شرقی و... گرفتند. ارتش شاهنشاهی بسرعت با زامازی شود فرماندهان آمریکا شی که در راه کشتارهای وحشیانه ۱۷ شهریور تهران، اصفهان، تبریز و... قرار داشتند، تطهیر شدند و خائنینی چون قره نی، فرید، شاکر و لاکسره فلاحی مزدور عامل کشتار مردم شیراز (حتی دو روز پس از قیام مهن) در راه ارتش "سلام آورده" قرار گرفتند. برخی فرماندهان مزدور ارتش دست به کودتا زدند و دولت مجدداً مورد "غفو" قرار گرفتند. مقامات وابسته رژیم شاه و مزدوران امیر لیسیم در مقام خود باقی ماندند و مجدداً به خلقهای ستمکش ما تحمیل شدند. قانون اساسی ارتجاعی دست پخت "خبرگان" حاکم بر سر نوشت توده ها گشت و.....

و با لاف در درش ماها خیر با در گرفتن جنگ ارتجاعی که در نتیجه ما هیت و سیا سته های ارتجاعی بورژوازی حاکم بر ایران و عراق و بنا به خواست و اراده رژیم مرتجع ایران و عراق بر زحمتکشان دو کشور تحمیل شده است، توده های بی شمار کشته و مجروح شدند و قحطی گران، بی کاری، فقر و فلاکت و... چندین برابر شد و بیش از ۱/۵ میلیون نفر از مردم زحمتکش خوزستان و غرب کشور آواره شهرها و بیابان ها گشتند. این زحمتکشان آواره جنگ، نه تنها عزیزان خود، خانه و کاشانه و کار روزندگی خود را از دست دادند بلکه با بدترین تهمت ها و حملات رژیم جمهوری اسلامی مزدوران شریک و روبرو شده و با کوچکترین اعتراضی با زندان و قطع دست و پا نا چیز و جیره نفت و غذا و... با سخ داده میشوند. اما در مقابل این همه جنایت و خیانته رژیم جمهوری اسلامی که هر دو جناح ارتجاعی آن "حزب جمهوری اسلامی" و لیبرالهای خائن در آن سهم بوده و با درجات مختلف از حمایت و پشتیبانی بیدریخ آیت الله خمینی نیز برخوردار بودند و تمام عملکردهایشان با تائید خمینی بوده است، توده های زحمتکش و خلقهای قهرمان ایران با یکدم از مبارزه و بیگانه رنایستادند. عملکردها و سیاستهای خیانته با روحنا بتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و همراه آن افشاگر بهیسا و فعالتیهای آگاهانه کمونیست ها و نیروهای

انقلابی، توده ها را در مبارزه ای اوچگیرنده علیه رژیم جمهوری اسلامی و امیر لیسیم به حرکت تارخاژوا داشت. و علیه غم سرکوبها و کشتارها زندانها و خانه های "امن"، شکنجه ها و تیربارانها و... جنبش اعتلائی توده های قهرمان خلقهای ایران اوج میگردد و به پیش مبتدا زد و کمونیستهای پیگیر فعالانه در راه تدارک انقلاب میزنند.

آری در دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی جنبش انقلابی توده ها روندا اعتلائی خود را همچنان به پیش برده است. بیست میلیون و اندی رأی به جمهوری اسلامی (در ۱۰ فروردین ۵۸) همچنان با ریخته شدن توهمنها و سیر نزولی طی کرده و فقط پس از یکسال در انتخابات مجلس شورای اسلامی به کمتر از نصف رسیده (آن اکثریت ۹۸ درصدی چه زود شکست! استناد ما به

و مقطعی بدنیاال ما نورهای بظاهر "ضد امیر لیسیتی" و "مدآمریکا شی" سردمداران رژیم افت نسبی داشت، سیر فزاینده و اعتلائی داشته است.

امروز اگر چه توهمنها و توهنهای بسیاری نسبت به حزب جمهوری اسلامی و حتی آیت الله خمینی شکسته است، امروز اگر چه نیروهای کمونیست و دمکرات از نفوذ گسترده تری برخوردار شده اند، ولی همچنان به سبب فقدان آلت رنایستی کمونیستی قدرت مند و عدم وجود آگاهان انقلابی در میان توده های وسیع خلق و سیر بدلایل عملکردهای ارتجاعی آشکار و عریان حزبها، توده های قابل توجهی نسبت به لیبرالها توهمن دارند. اما بروا واضح است که این توهمنها نیستند توهمی که در همان ابتدا نسبت به رژیم وجود

اما برای توده های زحمتکش زمان زیادی لازم نبود که خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بپایند. توده های مبارز در مقابل خواسته های که بخاطر آن رژیم شاه جلاد را سرنگون ساخته بودند با سرکوب و گلوله پاسداران سرمایه مواجه شدند.

داشت شکننده است، زیرا یک نیروی ارتجاعی هرگز و هرگز نمیتواند به خواسته های عادلانه کارگران و زحمتکشان پاسخ دهد و همین خاطر خوشبختی ها و نوهمنهای که نشانه عدم آگاهی انقلابی است طی یک روند شکسته خواهد شد. همانطور که بیست میلیون رای دهنده در فروردین ۵۸ امروز به مقیاس چشمگیری کاهش یافته است، توهمن نسبت به لیبرالها نیز خواهد شکست. اما این امر اگر از یک سو بستگی به تجربه مستقیم خود توده ها دارد از سوی دیگر وابسته به رشد و توسعه کارآگاهها که تاکنون نسبت به رژیم مرتجع حاکم بورژوازی و همه نوکران آن یعنی رویونیست های رنگارنگ مانند حزب توده خائن و جریکهای اکثریت خیانته کار میا شد. بروا واضح است که افشای مثنی تا بیگیر محاهدین خلق نیز در خدمت ارتقاء دمکراتیسم انقلابی در سطح جامعه میا شد. بکشیم تا با توار دادن تمام توان انقلابی خود در جهت پیروزی انقلاب و برقراری سوسیالیسم، جنبش اعتلائی کنونی را تعمیق بخشیم.

همان رژیم است با تمام تقلبها و حقه بازی های معمول در آن و این آمار خود بسا تکرافت قابل ملاحظه ای به رژیم او زدست دادن طرفداران جمهوری اسلامی و ناراضیانی وسیع توده های مردم است.

سردمداران جمهوری اسلامی، برای واقعیت و افشاندن بهمین جهت برای حفظ و تحکیم حاکمیت خود هرگز دست از توطئه و دیسه و فریبکاری برنداشته اند. از جمله نگاه گذرا به جریسان اشغال سفارت (که در جارجوب جنگ قدرت بین جناحهای حاکم و برای انحراف جنبش اعتلائی توده ها صورت گرفت) ما را با افت نسبی جنبش در آن مقطع زمانی مواجه میسازد. اما آزادی فضاحت با گرگ و گاوهای خاوس آمریکا شی و بدنیاال آزادی جاسوسان انگلیسی بیش از پیش چهره واقعی رژیم را به توده ها نمایانده و درستی نظریات کمونیستهای پیگیر را در اینموارد اثبات کرده و اوچگیری جنبش را بدنیاال داشت. همانطور که تا ره رفت جنبش خلقهای قهرمان ایران بجز در مواردی که بطور موقتی

بقیه از صفحه ۲۹ هدف...
اوچگیری جنبش توده ها و انعکاس آن در بالا و تشدیدشکافهای درون هیئت حاکمه که کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید قرار داده، صحبت از بحث آزادی بین گروهها و رواج این شیوه "نیکو" را بنفع "جامعه" میداند. اکنون که خمینی نتیجه سرکوب عریان را به ضرر رژیم دیده و میبیند که توده ها با مقاومت و مبارزه خود حیات کل رژیم جمهوری اسلامی را مورد تهدید انقلابی قرار داده اند، او هم طرفدار "بحث آزاد" و با بقول معروف روش "تان و شیرینی" در یک دست و اعمال سرکوب در دست دیگر شده است. اما این تغییر تاکنیک خمینی نیز رژیم جمهوری اسلامی

رفیق محسن فاضل مبارز قدیمی و یار خلق فلسطین آزاد باید گردد!



گرامی باد یاد کمونیست پیکارگر شهید رفیق غلامرضا صداقت پناه



بار دیگر سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگری از اعضای (وابسته) صدیق خود را از دست داد. رفیق غلامرضا صداقت پناه که در سا زمان با اسم مستعار رفیق میرزا مشهور بود، در جریان یک تصادف مشکوک بشدت مجروح و پس از انتقال به چند بیمارستان در حالیکه هیچ احساس مسئولیتی نسبت به حفظ جان رفیق مسرور نگرفته، به شهادت رسیده است. یادش همیشه گرامی باد!

رفیق غلامرضا یکی از رفقای پر شور و فعال ما در یکی از گروه های پخش تهران بود که وظیفه پخش اعلامیه و تراکت در جلوکارخانه های جاده کرج و محلات زحمتکش نشین را برعهده داشت و همیشه صبح زود با دستا پرازا اعلامیه به همراه دیگر رفقا به جلوکارخانه ها میرفت و با جسارت تمام و در جلوچشمان مزدوران سرما به داران و فالانژها می که بخون امثال او تشنه اند، و رفته رفته های آکا می بخش را بدست پینه بسته کارگران میرساند. او کمونیست جوان و آکا می بود که می دانست چه میکند، او مبارزه را از سال ۵۴ و از هنگامیکه بیشتر از ۱۷ سال نداشت علیه رژیم سرما به داری شاه جلالت آغاز کرد. او در طی همین مبارزات خود بخوبی دریافت که تا چه اندازه آکا می سیاسی برای کارگران و زحمتکشان اهمیت دارد. همچنین او که در کنار میلیونها کارگر زحمتکش و توده های آکا می خلق در مبارزه پرشکوه علیه رژیم شاه معدوم شرکت داشت و در رقاب همین ماه در حماسه آفرینی توده ها نقش داشت، در پرتو آموزشهای مارکسیسم-لنینیسم بخوبی بر توان و قدرت تاریخی طبقه کارگر آکا می بود. بهمین لحاظ به پیروزی قطعی کارگران و زحمتکشان بر نظام سرما به داری ایمان داشت. او خوب می دانست اگر چه امثال بهشتی ها و رفسنجانی ها و بازگانها با حمایت کامل خمینی تلاش کردند، قیام توده ها پیروز نشود. اگر چه آنها تلاش کردند برانقلاب مها رزنند، اگر چه آنها تلاش کردند با سازش با میرزا لیسیم سرما به داری ایران را نجات دهند، اما چون کارگران و زحمتکشان نا بودی سرما به داری را میخواهند، چون برقراری حکومت واقعی کارگران و زحمتکشان را می خواهند چون برابری را میخواهند پس پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان و شکست از آن سرمایه داران و دولت کنونی آنها رژیم جمهوری اسلامی است.

آری رفیق غلامرضا در چنین راهی و بغا طری

را با شور و پشنگا ربیشتری آغا زمین نمود..... درود بر او درود بر تمام شهدای قهرمان که در راه آزادی کارگران و زحمتکشان و توده های خلق از قید میرزا لیسیم و ارتجاع و از بند استشمامیرزا رزه میکنند. درود بر ما در آن زحمتکش که همچون غلامرضا را بردان خود تربیت کرده اند و به آنها اولین زمزه های دوست داشتنی انسانها را میا موزند، انسانهای شرافتمندی که زندگی شان به دست سرما به داران خون آشام و دولت آنها تبا میگردد! و به امید روزی که در بیمودن راه سرخ رهائی غلامرضا ها به جمهوری دمکراتیک خلق، جمهوری برادری و برابری تمامی کارگران و دهقانان و دیگر توده های خلق، و جمهوری عزای سرما به داران و دشمنان خلق برسیم!

در پایان لازم به تذکر میا نیم که به اطلاع کلیه هموطنان مبارزه و آکا می برسانیم که شهادت رفیق که ظاهرا در اثر تصادف او در روز ۴ اسفند ماه که سوار موتور بوده و مقداری نیز اعلامیه سا زمان را به همراه داشته، همچنانکه در آغاز گفتیم بسیار مشکوک بنظر میرسد. او با خانواده رفیق حدود ۲۰ روز بعد توانست به سر نوشت رفیق گمشده خود اطلاع پیدا کنیم. چرا که پزشکی قانونی بدون اعلام آکا می در روزنامه ها جدا جدا بعنوان ناشناس و تنها چند روز بعد به خاک سپرده است در حالیکه اینکار معمول نیست و پزشکی قانونی قبل از دفن جدیدک ناشناسش عکس جسد و توضیحات لازم را در روزنامه ها انتشار میدهند تا خانواده اش مطلع و به پزشکی قانونی برای شناسایی جسد رجعت کنند.

شاید مسئولین بیمارستانهای میمنت، امام خمینی، بیست و چهارم که رفیق را قبل از شهادت به آنجا برده اند، هیچکدام نسبت به حفظ جان رفیق تلاش نکرده اند.....

ما پس از انجام تحقیقات لازم نتیجه و تفاوت نهائی خود را اعلام خواهیم کرد.

گرامی باد بدیده شهیدان راه را می خلق! مرگ بر میرزا لیسیم و ارتجاع داخلی! برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق! سا زمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

(تشکیلات تهران) ۱۳۶۰/۱/۸
الف - ش ۲۰۰

چنین هدف بزرگی مبارزه میکرد. او خوب می دانست که هر اعلامیه ما نندرجه های است که امروز بر خرمن سرما به داری می افتد و فردا آنرا به آتش کشیده و نابود خواهد کرد. از این روحی یک لحظه هم در راه آکا می کردن نماند. او برای اوصاف و روش فرقی نمیگردد، چه از طریق پخش اعلامیه، چه از راه شعار نویسی و تبلیغ و... در راه هدف بزرگی که بغا طری پیکار میکرد در تلاش بود. حتما بسیاری از رفقای کارگر کارخانه های جنرال موتورز، ایران - ناسیونال، مینو، فرقه زینبا، استار لایت، سایپا و... با دیدن عکس رفیق غلامرضا او را بغا طری آوردند. آنها حتما چهره صمیمی او را چندین بار در جلوکارخانه شان دیده اند که چگونه با همراهی دیگر رفیقش، با جسارت تمام اعلامیه را در جلوکارخانه پخش میکرد، بویدین ترتیب کارگران مبارز تشنه آکا می را خوشحال و مزدوران سرما به داران و فالانژها را دماغ و عصبانی بجا میگذاشت و میرفت!

رفیق غلامرضا هنگام پخش اعلامیه چندین بار توسط مزدوران ارتجاع که چون شب پره از نور آکا می درهرا سندانگشیرند، اما نه کتک های کمیته جی های سیاه دل، و نه اها نت های بیشتر نه آنها نمیتوانست او را از عشق و علاقه ای که به زحمتکشان داشت برگرداند، هر بار که دستگیر میشد سینه ما مال از عشق او به کارگران و زحمتکشان، و کینه اش به دشمنان توده ها بیشتر صیقل میداد، او همچون فولاد هر بار که به دست مزدوران ارتجاع اسیر میشد، آبدیده تر میگشت، و هنگامیکه آزاد میشد، کارش

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق

۱۲ فروردین ۵۸:
رسمیت یافتن ارگان
سازش با امپریالیسم

یادداشت‌های سیاسی هفتگی

بیادرفیق پیکارگر مالک عباسی



رفیق مالک عباسی، کارگروها دارا زمان ما بود که در جریان جنگ ارتجاعی کنونی، در اشرف ترکش خمیاره زخمی شده و بیشه‌ها دت رسید. رفیق مالک در میان زحمتکشان بزرگ شد و بخاطر آنها و در راه آزادی آنها زندگی مبارزه کرد و در حالیکه قلبش یکبار ره عشق و محبت نسبت به طبقه کارگر بود قربانی جنگ ارتجاعی میان رژیمهای ایران و عراق شد. رفیق مالک برای انجام وظایف تشکیلاتی و افشای ماهیست و جنایات جنگ در شهرها و زمانه بود دریا دنا مد رفیق (پیکار ۹۷) زکشدن جسد رفیق صحبت شده بود. اطلاعات رسیده حاکی از آن است که جسد رفیق در گورستان اهورزباخ سپرده شده است و بدینوسیله خیر فوق ضمن بوزش، تصحیح میشود. بیادرفیق شهید، مالک عباسی و مبارزات خستگی ناپذیر او در دل زحمتکشان خوزستان زنده خواهد ماند. راه سرخش پیروز باد!

یورش مملحنه مزدوران زمینداران که با پشتیبانی ارتش و ژاندارمری و به کمک جرم‌ان‌ها و خامنه‌ای‌ها صورت میگرفت روبرو شدند. تفتیش عقاید قرون وسطائی از نو شروع شد و کارکنان مترقی، انقلابی و کمونیست با جماعتی بنام "تصفیه" روبرو شدند. فعالیت سیاسی در مدار "ممنوع" شد. دانشگاهها، اینسکرها آزادی و مقامت موردتاخت و تازا و با تان ارتجاع قرار گرفتند. زندانها مجدداً از انقلابیون دمکرات و کمونیست‌ها پر شدند.
و این همه عملگر رژیم جمهوری اسلامی نبود. با زسازی سرمایه‌داری و وابسته سرعت از سر گرفته شد. بر طبق قول و قرار ی که با ژنرال - هویزرا آمریکا ش گذاشته شده بود، بر او بسط

بقیه در صفحه ۳۰

- - روز ۱۰ فروردین ۵۸، میلیونها توده متوهم به سند و قهای رای شتافته و حاکمیت جمهوری اسلامی را "رسمیت" بخشیدند. اما . . .
- - دو سال پس از اعلام "جمهوری اسلامی" توده های زحمتکش که تمام خواسته ها و انتظارات خود را نقش بر آب میبندند، مبارزه ای گسترده با جمهوری اسلامی راه پیش میبرند.
- - دو سال حاکمیت جمهوری اسلامی، بازسازی سرمایه داری وابسته و برقراری مجدد روابط غارتگرانه با امپریالیستها، سرکوب مداوم خلقهای قهرمان و نیروهای انقلابی و کمونیست و در مقابل، مبارزه اوچگیرند، توده های زحمتکش را در برداشت.

رژیم جمهوری اسلامی، نیروهای کمونیست و انقلابی را که بدرستی بیا نگرند مکرسی توده ها بودند مورد سرکوب قرار دهند. انتخابات جمهوری اسلامی "با تحریم انقلابی نیروهای کمونیست و خلق قهرمان کرد. . . . روبرو شد. (البته اقلیت نا چیزی از لیبرالهای خاش و باندهای مرتجع وابسته به رژیم سابق نیز از موضعی ارتجاعی به مخالفت با آن برخاستند) ولی بدلیل شرایط جامعه وضع نفوذ توده ای سازمانها و گروههای انقلابی و کمونیست، اکثریت قابل توجهی از مردم به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند (مجا همدین نیز در این انتخابات با نظر موافق شرکت نمودند). اما برای توده های زحمتکش زمان زیادی لازم نبود که خود را در مقابل رژیم جمهوری اسلامی بیا بند. توده های مبارز در مقابل خواستهائی که بخاطر آن رژیم شاه را در سرنگون ساختند بودند با سرکوب و گلوله با ساران سرمایه مواج شدند. گردستان بخاک و خون کشیده شد. ترکمن صحرا با یورش وحشیانه ارتش و پاداران روبرو شد. خلق عرب خوزستان توسط ژنرال مدنی مزدور کشتار شد. کارگران بیکار بجای کار با گلوله با سار روبرو شدند. کارگران زحمتکش که خواهان دستمزد به عقب افتاده چند ماهه و طردمدیران و کارفرمایان وابسته به رژیم شاه بودند، با رگبار مسلسل و اخراج پاسخ داده شدند. بجای ساواک "ساوا" بکار افتاد. اعتماد و تحمن از طرف "ولایت فقیه" "تحریم" شد. آزادیهای دمکراتیک و سیاسی که از دستاوردهای مهم جنبش انقلابی توده ها و قیام بهمین بود شدیدا به مخاطره افتادند و تجمعات نیروهای انقلابی و کمونیستی با یورش جما قدران ارتجاع مواج شدند. کتابهای انقلابی و کمونیستی به آتش کشیده شدند و نشریات انقلابی و کمونیستی "ممنوع" اعلام شدند. روستائیان مبارز که به مداره زمینهای ملاکین و زمینداران بزرگ برداخته بودند، با

در هفته ای که گذشت ارتجاع سومین سالروز اعلام رسمی "زامنداری منحوس را " جشن گرفت .
روز ۱۲ فروردین ۵۸، بدنیا ل فرزند امپریالیسم هیا هوشی که رژیم بیبا کرد، جمهوری اسلامی "رسمیت" اعلام شد و ارگان سازشنا رهبران خرده بورژوا و بورژوا با امپریالیستها که بدنیا ل قیام پسر شکوه خلقهای قهرمان ایران در بهمن ۵۷، زندگی یافته بود، "رسمیت" پیدا کرد. سردمداران رژیم جدید که نیک میدانستند توده های مبارزی که برخاستند و سلطنت منحوس پهلوی را با وجود ارتش تا بدنیا ن ملح و پشتیبانی امپریالیسم بویژه آمریکا سرنگون ساختند، با آگاهی یافتن نسبت به ماهیت رژیم جانشین آن و در اثر سیاستهای خاشنا نه و فذ خلقی رژیم جدید همچنان به پیکار دلورا نه ادامه خواهند داد. بهمین جهت رژیم جدید با سوء استفاده از توهمنها نسبت به حاکمیت جدید و رهبری آن سریع اقدام به برگزاری انتخابات نمود. و با در دست داشتن تمام دستگا ههای تبلیغاتی و عوا مفریبی، توده ها را در مقابل سوال: "سلطنت: آری یا نه" قرار داد. رژیم به برکت آنچه که به همت بزرگ توده های ستمکش و در اشرف انقلابی آنسان صورت گرفته بود (نظیر در هم شکستن ساواک، اعدام انقلابی نصیری، ربیعی، و دیگر مهره های مزدور رژیم شاه، برخی مداره های انقلابی توده ها و) از توده های که معیار شناسائی شان از رژیم، نه ماهیت حاکمیت جدید بلکه مبارزات توفنده خودشان بود و با سوجدوشی از توهمن آنسان و اعتقادات مذهبی آنها، "رای اعتماد" گرفت. سردمداران رژیم از جمله بزرگان خاش، نخست وزیر لیبرال آن رای میلیونی توده های متوهم و نا آگاهی ماهیت رژیم را چاقی کردند (معروف به رای ۹۸ درصد). تا با آن سیاستهای خاشنا نه خود و نیز نزدیکی با امپریالیسم آمریکا و دیگر امپریالیستها و . . . را بیوشانند. و با استفاده از رای مردم بعنوان "سند حقا نیست"

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست